



فصل نامه آموزشی، تحلیلی، اطلاع رسانی
برای مربیان مراکز پیش دبستانی، دانشجویان و کارشناسان آموزشی
دوره چهارم / پاییز ۱۳۹۱ / شماره ۱ / ۴۸ صفحه / ۶۵۰۰ ریال



- در این آغازین روزهای مهر، مربیان چه می‌گویند؟ چه می‌خواهند؟
- پیش‌دبستانی در جنگل
- چگونه کودکان را به مطالعه تشویق کنیم؟
- آموزش پیش‌دبستانی در سرزمین اژدها



جشنواره علمی و فرهنگی راه روشن
دبستان پسرانه شرف، تهران
مجری طرح: پرستو حریری

عکس و گزارش: عاطفه قاسمی و مژگان کرمی





آموزش
رشد

۱۶



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای مربیان مراکز پیش‌دبستانی، دانشجویان و کارشناسان آموزشی

شماره ۱۳۰۰۰۰
شماره ۱۳۰۰۰۰

دوره چهارم / شماره ۱ / پاییز ۱۳۹۱

E-mail: pishdabestani@roshdmag.ir
www.roshdmag.ir

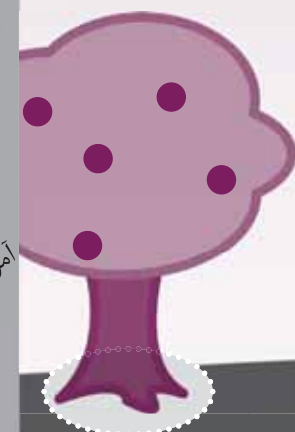
مدیر مسئول: محمدناصری
سر دبیر: فرخنده مفیدی
هیئت تحریریه:
مرتضی مجدفر
مرتضی طاهری
فریده عصاره
شیرین برزین
مسعود تهرانی فرجاد
مدیر داخلی: شهلا فهیمی
ویراستار: ملیحه حجازی بخش
طراح گرافیک: مهسا قیابی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

● مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با آموزش پیش‌دبستانی مرتبط باشد و قبل از جای دیگری چاپ نشده باشد. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید فرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته و با ماشین شود (مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی و یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش‌دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. ● مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شود، معذور است.

تلفن پیامگیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۱۳
کد امور مشترکین: ۱۱۴

در این آغازین روزهای مهر مربیان چه می‌گویند؟ چه می‌خواهند؟
دکتر مرجان گودرزی / ۲
سر دبیر
دوره پیش از دبستان / ۴
فاطمه حصارکی / ۷
نقد و تحلیل هدف‌های برنامه‌درسی
با اضطراب کودکان چه کنیم؟
دکتر فرخنده مفیدی / ۱۳
سر دبیر
علاقه و امید / ۱۶
اصغر ندیری / ۲۰
مرتضی مجدفر
نقش ادبیات کودک در آشنایی کودکان
با مساجد / ۲۶
دکتر فریبا خوشبخت
رنگ‌های دنیای کودکان / ۳۰
دنیا محمدزاده دو گاهه
او هم یک هنرمند است / ۳۲
مجدده تقی‌نژاد
طلاق و تأثیر آن بر فرزندان / ۳۵
فاطمه رجی
چگونه کودکان را به مطالعه تشویق کنیم؟
تریت هندسی / ۳۸
شیرین برزین
آموزش پیش‌دبستانی در سرزمین زدها / ۴۳
امیمه غلامی، دکتر محمدآرمند
معرفی کتاب / ۴۸
دکتر مرجان گودرزی



نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی،

پلاک ۲۶۶

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۴ (داخلی ۴۲۹)

نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن: ۷۷۳۳۶۶۵۵ - ۷۷۳۳۶۶۵۶

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

آغاز دوباره دیدن کودکان و خانواده‌ها فزاینده شادی و زیبایی و سرزندگی است. در این فصل زیبا، دگر بار گام‌های کوچک کودکان بر روی سنگفرش خیابان‌ها، انگشتان گره خورده کودکان در انگشتان مادران و پدران کنجکاو همگان را برمی‌انگیزد و از آغاز دوستی کودکان و تعامل آنان با مکان‌های تربیتی و آموزشی و فرهنگی خبر می‌دهد. در این روزهای شاد و اندکی تنش‌زای احتمالی، شایسته است این مراکز امنیت، شادی، بهداشت و یاددهی را به یک‌باره فراهم آورند که دستاورد محیط‌های آموزشی تربیت انسان‌های سالم و مثبت‌نگر است.

در اهمیت دوره کودکی و سال‌های اولیه همین بس که این مهم در مفهوم کودک به عنوان بخش ویژه و بی‌همتای هستی انسانی نهفته است و بنابراین پاره ارزشمندی از چرخه زندگی است. وقتی خانواده‌ها و جامعه این دوره و کودکان را همان‌گونه که هستند بدون قید و شرط بپذیرند، آن‌گاه می‌توانند مسئولیت تدارک یک زندگی و آموزش و تربیت کیفی را برای آنها به عهده گیرند.

سردبیر

در این آغازین روزهای مهر، مریبان چه می‌گویند؟ چه می‌خواهند؟



در برنامه‌ریزی‌های نوین در سراسر

دنیا، برنامه‌ریزی در این دوره پایگاه استوار و عمیقی پیدا کرده است. با بدیهی شمردن ضرورت و اهمیت این دوره و توجه اصولی به آموزش‌های پایه امروزه شاهد کاهش فاصله طبقاتی و باز کردن درهای بهشت تربیت به روی همگان هستیم. کودکان محروم فرهنگی، کودکان دارای والدین شاغل یا دو شغله و گاه چند شغله، غایب و یا کم حضور، کودکان دارای والدین ناپخته و بسیار جوان، کودکان تحت سرپرستی مادر بزرگ و پدر بزرگ و سالمند و بستگان دیگر، کودکان دارای والدین با بیماری‌های خاص و یا ناسالم، خانواده تحت فشار و استرس و دیگر انواع همگی در این مکان‌های آموزشی و تربیتی پیش دبستان از تولد تا پیش از ورود به دبستان جایی را اشغال کرده‌اند. نگاهی به بافت کودکان از جنبه‌های گوناگون ایجاب می‌کند که به این مکان‌ها همچون خانه تربیت، بازیابی، خودسازی، محرومیت‌زدایی، درمان‌یابی و البته آموزش و یادگیری درست نیز بنگریم. کودکان سرمایه هر کشوری هستند، در واقع ثروت یک ملت و کیفیت زندگی انسان‌ها را در چند دهه آینده می‌توان براساس وضعیت کودکان امروز و توانایی‌های آنها برای حل مشکلات خود، خانواده، جامعه و کشورشان پیش‌بینی کرد. تغییرات اخیر از جوانب گوناگون بر دنیای پر راز و رمز کودکان به‌عنوان مخاطبان اصلی اثر گذاشته و برای آنان نیازهای جدیدی به وجود آورده است. بالطبع، جامعه آموزشی و برنامه‌ریزی‌های گوناگون از هر نوع که باشند و در هر وضعیتی که به سر برند، باید در این زمینه پاسخ‌گو باشد؛ زیرا نیازهای جدید پاسخ‌های جدید می‌طلبند. شاید ما به‌طور خیلی دقیق ندانیم که در آینده غیرقابل پیش‌بینی، فرزندانمان با چه چالش‌هایی روبه‌رو خواهند شد اما می‌دانیم برای روبه‌رو شدن با این چالش‌ها باید خلاق و مبتکر بود و دیدی باز و مثبت داشت. کودکان ما باید به بزرگسالانی تبدیل شوند که بتوانند با وقایع و رویدادهای غیر مترقبه و بحران‌های احتمالی مقابله کنند. هدف‌های تربیتی و برنامه‌های درسی ملی باید بتوانند سبب خودشناسی مثبت کودکان شود؛ به جهان‌بینی سالمی دست یابند؛ علم موجود را در موقعیت‌های جدید به کار برند؛ نوآور و خطرپذیر باشند و نیز صد البته ذهنی کنجکاو برای پدید آوردن علم و ابتکارات نو پیدا کنند. و اینجاست که مأموریت سازمان‌های تربیتی و وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد تربیتی جایگاه و ارزش والای این دوره را باید نمایان سازد.

تا زمانی که با عبارات و کلمات سرشار از ابهام و ابهام همچون رسمی یا غیررسمی شدن، عمومی یا غیر عمومی، اجباری

کودکان سرمايه هر کشوری هستند، در واقع ثروت یک ملت و کیفیت زندگی انسان ها را در چند دهه آینده می توان بر اساس وضعیت کودکان امروز و توانایی های آنها برای حل مشکلات خود، خانواده، جامعه و کشورشان پیش بینی کرد

و الزامی یا غیر آن، خصوصی یا غیر خصوصی و دولتی و حتی بودن یا نبودن این دوره از آموزش ها و رکن اساسی زندگی انسان سخن رانده شود، در تحقق اهداف تربیتی از طریق برنامه درسی ملی و جایگاه کودکان در سند تحول بنیادین نظام آموزشی باید تردیدهایی داشت. به نظر من هر گونه سطحی نگری، سوءقصدی به نظام تعلیم و تربیت محسوب می شود.

و اما... زاویه دیگر سخن من، مربیان و پرورش کاران کودکان اند. در سفرهای استانی و نشستن پای صحبت آنها، بغض های نهفته و دل نگرانی های آنان بیشتر نمایان می شود. مربیان مراکز آموزشی پیش از دبستان و مهدهای کودک چه می گویند و چه می خواهند؟

حکایت تازه ای نیست که در نظام آموزشی، چارت سازمانی این دوره تربیتی در نقشه سازمانی ترسیم نشده است. از کجا می آیند؟ چگونه گزینش می شوند؟ متولی اصلی آماده سازی آنها کجاست؟ آموزش های اولیه، حین خدمت و دانش افزایی آنها را کجا باید به عهده داشته باشد؟ وظایف و مسئولیت هایشان را چه کسی تعیین می کند؟ ارتقای شغلی آنها چگونه باید صورت گیرد؟ آیا کارشان درست است؟ چه کسی ارزیاب عملکرد آنهاست؟ از همه مهم تر اینکه با همه سختی و مقابله با مصایب به ویژه در نواحی محروم و شهرستان ها، بودجه برای تأمین زندگی آنها و وضعیت سخت کاری، بازنشستگی، بیمه و دیگر نابسامانی های معیشتی و شغلی آنان را چه کسی پاسخگوست؟ چه کسی به حقوق آنها رسیدگی می کند؟ و نیز در حیرتم که چرا بین عرضه و تقاضای نیروی انسانی برای این آموزشگاهها ارتباط درستی نیست؟ فرمول غریبی است که از سال ۱۳۶۰ دانشگاهها در رشته آموزش و پرورش پیش دبستانی دوره کارشناسی داشته اند و از سال ۱۳۸۲ نیز دوره کارشناسی ارشد دارند و دانش آموختگان بی شماری را برای این مهم آماده ساخته اند. نیروهایی که عطش زیادی برای استخدام و کار با کودکان دارند. ولی رابطه ای اصولی بین جایگاه تأمین نیروی انسانی برای این دوره و دنیای کار و متولیان دست اندر کار ایجاد نشده است.

گفتنی است وقتی مربیان علاقه مند، پرانگیزه و پرنرژژی خود را ناامید و درمانده ببینند، باید به سرنوشت تربیتی کودکان تحت آموزش آنها نگاهی مسئولانه تر انداخت. زیرا رضایت شغلی به ویژه در این سطح و رضایت خانواده، شادی و آموزش کودکان و امنیت جامعه را بیشتر تأمین می کند.

آیا وقت آن نرسیده است که وزارت آموزش و پرورش برای نگر داشت آنان و جایابی و تأمین نیروهای خود از این افراد پرتوان، آگاه و علاقه مند و پرانگیزه استفاده کند؟ چرا باید به برخی از این آموزشگاهها فرصت سوء استفاده بدهیم که نیروهای خود را از هر جا و با هر ویژگی تأمین کنند و در جایی دیگر نیروهای آماده عاطل و باطل بمانند؟ آیا این هدرروی انرژی و سرمایه های انسانی نیست؟ جا دارد در این سال پربرکت، از این نیروهای خلاق و توانمند استفاده کرد و کودکان و خانواده ها را نیز در امنیت ذهنی بهتری از جهت بهره دهی مراکز پیش دبستانی نگه داشت.

تقاضای همه مربیان، دیدن کار و شغل خود در برنامه ریزی های نوین است. در این تغییرات باید زوایای پرامید را پیش روی مربیان و این زحمتکشان خاموش روشن ساخت. به این بهانه از مسئولان و دست اندر کاران نظام آموزشی نیز تقاضای جدی رسیدگی به وضعیت مربیان و این تأثیرگذاران اولیه در زندگی کودکان را داریم.

در این فصل زیبا، با تشکر از همه عزیزان پرتلاش، مربیان و والدین کودکان که مشوق فصل نامه هستند و نیز کارشناسان و دانشجو یان که با مطالب ارزنده خود در پربار کردن نشریه سهم شایان توجهی دارند، امید فراوان دارم که با اندیشه های سازنده خود هیئت تحریریه مجله و برنامه ریزان را یاری کنند.





دکتر مرجان گودرزی
پزشک عمومی خانواده

امنیت و بهداشت در مراکز پیش دبستانی



کلیدواژه: بهداشت محیط، سلامت کودکان، بهداشت کارکنان و مربیان، کارت سلامت، جعبه کمک‌های اولیه، دستگاه اطفاء حریق، کمر بند ایمنی، بلایای طبیعی.

بعضی افراد چنین فکری را اشاعه می‌دهند که مراکز پیش دبستانی به علت تعداد زیاد کودکان محیط مساعدی برای بروز بسیاری از بیماری‌های ویروسی است و سبب مواجهه کودکان با بسیاری از بیماری‌های شایع می‌شود. بعضی معتقدند که چنین مواجهه‌ای در سال‌های اولیه به کودکان کمک می‌کند تا مقاومت بدنی بیش‌تری پیدا کنند و بر این اساس، در آینده قوی‌تر و سالم‌تر خواهند بود؛ زیرا مصونیت‌های لازم را پیدا کرده‌اند. در مطالعه‌ای گسترده که در مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها^۱ در ایالات متحده و در سال ۱۹۹۷ صورت گرفت، این نتایج به دست آمد که اگر چه اطفال و کودکان نوپا در این سال‌ها و در مراکز با خطر بالاتر در معرض قرار گرفتن سرماخوردگی و ویروس‌ها قرار می‌گیرند، مراکز مراقبت اولیه عامل اصلی این خطرات و آسیب‌ها شناخته نشده‌اند و این مراکز را افزایش دهنده خطر بیماری‌ها در سنین مختلف ندانسته‌اند. البته والدین از شیوع بیماری‌هایی مانند آبله‌مرغان یا مشکلات عمومی چون شپش سر که ممکن است دیده شود باید مطلع شوند. معمولاً عفونت‌های نگران‌کننده والدین و بزرگ‌ترها، هیپاتیت A، آبله‌مرغان و سیتومگالوویروس (تب‌خال نوع ۲ - CMV)، چشم سرخی، آلرژی‌ها و آسم، چرکی شدن گلو و مواردی از این قبیل هستند که جا دارد به اهمیت بهداشت محیط، بالا بردن آگاهی مربیان و مراقبان و مادران توجه شود. در این موارد، مربیان لازم است آموزش‌هایی اولیه در خصوص واکنش به کودکان و جداسازی آنان و به‌ویژه استفاده از کمک‌های اولیه را دریافت کنند؛ زیرا دانش عملی و معمول در این موقعیت‌ها به بهبود وضعیت کودکان، رفع نگرانی‌های والدین و حفظ بهداشت محیط و کودکان دیگر کمک‌های شایان توجهی می‌کند. برای مثال، وقتی هنگام شن بازی کودکان، دانه‌های شن با دست کودک و یا کودکان دیگر به چشم آنان پاشیده می‌شود، علاوه بر بهداشت اولیه محیط، باید به کودکان تذکر داد که «چشم‌ها را مالش ندهند.» لازم است از کودک خواسته شود که دست‌هایش را بشوید و چشم‌ها را با دستمال تمیزی بپوشاند. اشک چشم معمول، دانه‌های شن را به کناره‌های چشم می‌آورد و در این هنگام باید محل را با دستمال تمیز پاک کرد. این مراقبت اولیه ضمن رفع نگرانی و اضطراب اطرافیان، کودک و والدین، اعتماد و اطمینان به مربی مراقب را بیشتر می‌کند. البته بسیار لازم است که در موارد حاد حتماً با آگاهی والدین کودک به مراکز بهداشتی و پزشک ارجاع داده شود. ضمناً لازم است به خانواده‌ها درباره علائم هشدار دهنده بعضی بیماری‌ها آگاهی داد و آنها را تشویق کرد تا برای حفظ سلامت خود و دیگران از کودکان بیمارشان در خانه نگهداری کنند.

اشاره

بسیاری از والدین برای انتخاب مرکز آموزشی ایمن، بهداشتی و استاندارد نگرانی‌هایی دارند. صرف‌نظر از آموزشی که در این مکان‌ها صورت می‌گیرد، والدین نگران بهداشت مربیان، ایمنی وسایل و تجهیزات، وجود وسایل لازم برای مقابله با بحران‌های طبیعی و غیرطبیعی و وجود وسایل کمک‌های اولیه و رسیدگی به رویدادهای لحظه‌ای برای کودکانشان هستند. این مقاله به پاره‌ای از پرسش‌های والدین در این موارد پاسخ می‌دهد.

سلامتی و بهداشت کارکنان و مربیان

یک مرکز مسئول در سال‌های اولیه مرکزی است که بتواند از بهداشت و سلامتی کارکنان خود اطمینان حاصل کند. مربیان و کلیه کسانی که به انحاء گوناگون با کودک سر و کار دارند، باید در وضعیت جسمانی خوب و بهداشت روانی سالمی باشند. بسیار اصولی است که آنها ضمن داشتن کارت سلامت جسمانی به‌ویژه دربارهٔ پاره‌ای از بیماری‌ها مانند بیماری‌های مرتبط با ریه، خون و پوست، به‌طور منظم و سالانه کارت سلامتی آنها بازبینی شود. در بسیاری از کشورها عکس‌برداری با اشعه ایکس از قفسهٔ سینه و ریه شرط اساسی استخدام است و مراکز باید برای اطمینان والدین سیاست‌های بهداشتی مربیان را به‌طور شفاف اطلاع‌رسانی کنند. گفتنی است مربی‌گری در دورهٔ پیش از دبستان شغلی حساس به حساب می‌آید و لازمهٔ آن داشتن ارتباط تنگاتنگ با بسیاری از افراد سنین مختلف و گذراندن اوقات طولانی با کودکان است. این شغل اغلب دستمزد پایین و خدمات رفاهی بسیار ناچیزی به همراه دارد. با توجه به آنچه گفته شد، خستگی، فرسودگی و استرس از پیامدهای چنین شغلی است که به بیماری‌ها یا مشکلات مرتبط با تنش و فشار کار منجر می‌شود.

گفتنی
 است مربی‌گری در دورهٔ پیش از دبستان شغلی حساس به حساب می‌آید و لازمهٔ آن داشتن ارتباط تنگاتنگ با بسیاری از افراد سنین مختلف و گذراندن اوقات طولانی با کودکان است. این شغل اغلب دستمزد پایین و خدمات رفاهی بسیار ناچیزی به همراه دارد



وسایل کمک‌های اولیه

هر مرکز باید رویهٔ درستی برای مواجهه با کودکانی که احتمالاً دچار آسیب، ضربه و کوفتگی می‌شوند، اتخاذ کند. مربیان ضمن بهره‌مندی از دستورالعمل‌های ساده در آموزش‌های ضمن خدمت، باید وسایل کمک‌های اولیه را در دسترس داشته باشند. آنها باید



یاد بگیرند که چگونه به ضربات وارد شده به سر و کوفتگی‌ها، زخم و خراش‌های جزئی، خون‌ریزی، گاز گرفتگی، شکستگی‌ها و حتی سوختگی‌های سطحی واکنش نشان دهند. بنابراین، مراکز و حتی بعضی کلاس‌ها باید با دو جعبه کمک‌های اولیه مجهز باشند: یکی برای استفاده در کلاس درس و فضای باز و حیاط و دیگری برای همراه بردن در گردش‌ها و مسافرت‌های علمی کودکان. هر جعبه باید به سهولت در اختیار بزرگ‌ترها قرار گیرد ولی از دسترس کودکان دور باشد و وسایل موجود در آن باید به‌طور منظم بازبینی و تمیز شوند. شماره‌های ضروری مانند آتش‌نشانی، پلیس، مراکز اورژانس، مراکز بهداشتی و بیمارستان‌های نزدیک محل و مشاوران متخصص را باید در جای مناسب نصب کرد. والدین بچه‌ها و مربیان را نیز باید از سیاست‌های سلامت کودکان آگاه کرد.

دستگاه اطفای حریق و مقابله با مصایب طبیعی

بسیاری از استانداردهای ایمنی مراکز آموزشی بر وجود دستگاه اطفای حریق و بازبینی منظم آنها و قرار دادنشان در جای مناسب همچون کنار کلاس‌ها و آشپزخانه تأکید دارند. روش استفاده از این وسایل به همراه علائم، آژیرها و راه‌های کمک‌رسانی باید به مربیان و خانواده‌ها آموزش داده شود.

در باره دیگر بلایای طبیعی بسته به موقعیت جغرافیایی، مانند کمک به آماده‌سازی کودکان برای مقابله با زلزله، رعد و برق و توفان، سیل و برف و کولاک باید آموزش‌های لازم ارائه شود. در این گونه موارد، تأکید بر دور شدن از وسایل بالقوه خطرناک مانند قفسه کتابخانه و برقراری ایمنی در محیط از جمله آموزش‌های لازم است. این تجربه‌ها باید هنگام نیاز به خانواده‌ها نیز گوشزد شود.

استفاده از صندلی‌های ایمنی در ماشین و کمربند مخصوص برای کودکان در وسایل نقلیه در سال‌های اخیر مورد توجه مسئولان در کشورهای گوناگون قرار گرفته است. حتی بعضی کشورها قوانینی برای استفاده از وسایل ویژه به منظور سفرهای ایمن‌تر برای کودکان را تصویب کرده‌اند

ایمنی در وسایل نقلیه کودکان

استفاده از صندلی‌های ایمنی در ماشین و کمربند مخصوص برای کودکان در وسایل نقلیه در سال‌های اخیر مورد توجه مسئولان در کشورهای گوناگون قرار گرفته است. حتی بعضی کشورها قوانینی برای استفاده از وسایل ویژه به منظور سفرهای ایمن‌تر برای کودکان را تصویب کرده‌اند. کودکان چه به‌صورت پیاده و چه با استفاده از وسایل مختلف به مرکز بیابند، باید از مقررات اساسی برای عبور از خیابان آگاهی پیدا کنند. وقتی کودکان و ماشین‌ها در یک فضا تجمع داشته باشند، همیشه خطرات بالقوه‌ای وجود دارد؛ برای مثال، نباید کودکان را در محل پارکینگ ماشین‌ها بدون توجه رها کرد.



پی‌نوشت

1. The Centers for Disease Control and Prevention



فاطمه حصارکی

کارشناس مسئول آموزش ابتدایی، منطقه ۵ تهران

تقویت اعتماد به نفس در کودکان

کودکان به داشتن خانواده‌ای سرشار از محبت، مهربانی و صمیمیت و با اعتماد به نفس نیازمندند تا بتوانند در پناه حمایت‌های آنها، ویژگی‌های شخصیتی خود را بهتر بشناسند و با اتکا به استعدادها و توانایی‌هایشان با مشکلات آینده روبه‌رو شوند.

اعتماد به نفس در بچه‌ها از سرمایه‌های مادام‌العمری است که می‌توان مثل میراثی ماندگار در آنها به وجود آورد. برای تأمین اعتماد به نفس کافی در فرزندانمان می‌توانیم از راهکارهای زیر بهره ببریم:

❁ بدون هیچ چشمداشتی به آنها محبت کنیم.

❁ محیطی را ایجاد کنیم که در آن بچه‌ها احساس امنیت و آرامش کنند.

❁ برای افکار و اندیشه‌های آنان ارزش قائل شویم.

❁ فعالانه و با شور و شوق به حرف‌های آنان گوش دهیم.

❁ حس شایستگی و لیاقت را در بچه‌ها تقویت کنیم.

❁ کارهای متناسب با سن و توان و جسم فرزندانمان را به آنها واگذار کنیم.

❁ افکار و احساسات و نگرش‌هایی را در آنها به وجود آوریم که با تکیه بر آنها خود را مثبت و ارزشمند بدانند و خودپنداره مثبت داشته باشند.

❁ آنها را تشویق کنیم که مسئله و مشکل خود را خودشان حل کنند تا برق موفقیت و شادابی را در چشم‌هایشان ببینیم.

❁ کاری کنیم که آنان احساس موفقیت و ارزشمندی داشته باشند.



اشاره

در تاریخ ششم خرداد ماه سال جاری در جلسه شورای برنامه‌ریزی پیش دبستانی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، سرکار خانم دکتر مفیدی، عضو این شورا و استاد دانشگاه علامه طباطبایی نظرات خود را در خصوص نقد و بررسی اهداف برنامه‌های پیش دبستانی بیان نمودند که در ادامه می‌خوانید. لازم به ذکر است که این نقد و بررسی در جلسات بعدی ادامه خواهد داشت.

داشته باشیم تا زمینه‌ای برای موضوع‌های بعدی فراهم شود.

در بخش مقدماتی، عرض می‌کنم که به هر حال در تربیت یک انسان باید این سؤال مهم را داشته باشیم که تربیت چه انسانی مورد نظرمان است؛ به ویژه انسانی که در سال‌های حساس، سرنوشت‌ساز نخست زندگی است. در این باره تعریفی که از هدف می‌توان داشت ضمن کمی پیچیدگی در هر جامعه، دارای مبانی عمومی و خاصی هم هست و بیشتر مشکل ما این است که پاسخ دهیم ما خواستار رسیدن به چه چیزهایی هستیم؟ پاسخ به این سؤال در جوامع گوناگون با زیربنای مختلف عملی است و معمولاً نیاز به هم‌اندیشی و رسیدن به یک پارچگی و وحدتی دارد تا در تربیت آن انسان ابهام زیادی پدید نیاید.

از این رو در همه کتاب‌هایی که در حوزه برنامه‌ریزی نگاشته می‌شوند هدف به صورت نقشه راه معرفی می‌شود و نگاهشان بیشتر به مبانی جامعه‌شناختی و اجتماعی، فلسفی، روان‌شناسی و فرهنگی معطوف است البته باید اضافه کنم که در وضعیت جدید، مبانی بومی و فرهنگی جایگاه

ضمن تشکر از همه عزیزانی که در شکل‌گیری هدف‌های برنامه درسی در دوره پیش از دبستان نقش داشته‌اند؛ امیدوارم که با پیش‌زمینه‌هایی اصولی نیز که فراهم آورده‌اند، به درستی تحقق یابند. با توجه به تکلیفی که از طرف شورای برنامه‌ریزی پیش دبستانی که بنده نیز افتخار عضویت در آن را دارم، محمول شده است نقد و تحلیل هدف‌های دوره پیش از دبستان را حضور همه عزیزان تقدیم می‌کنم.

البته موضوع‌های بسیاری مطرح است، اما با توجه به زمان و کاربرد کردن موارد، مطالب را در سه بخش ارایه خواهم داد. بخش مقدماتی درباره هدف‌ها و مأموریت‌های اساسی کار در این دوره است؛ بخش دوم بررسی هدف‌های یازده‌گانه ثبت شده در کتاب راهنمای برنامه پیش از دبستان و در بخش سوم و پایانی نیز به چند سؤال مهم و چالش‌هایی که اعضا می‌توانند دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود را نیز مطرح کنند. خواهم پرداخت. البته، در بخش سوم هدف این نیست که به پاسخ برسیم، بلکه در واقع نگاه این است که پیرامون سؤالاتی که مطرح خواهیم کرد، تفکر و اندیشه‌ای

مهمی دارد. افزون بر این ممکن است مبانی سلیقه‌ای و ذوقی و زیبایی‌شناختی نیز خود را در هدف ما نشان دهند. به عبارت بهتر در شکل‌گیری بعضی از هدف‌های جوامع سلیقه و اندیشه‌های خاصی هم محور قرار می‌گیرد، اما نه مانند سلیقه و رأی فردی بلکه همچون سلیقه‌ای که جا افتاده و پذیرفتنی است.

هدف من در اینجا ورود به این موضوع نیست، بلکه بیشتر جلب توجه دوستان به پایه‌های شکل گرفته از گذشته تاکنون در اندیشه صاحب‌نظران، کتاب‌ها و دیدگاه‌های افراد واثق است. در طرح تغییر نظام کشورمان که هدف‌هایش در سال ۱۳۷۳ در کتابی به ثبت رسیده و حاصل اندیشه افراد گوناگونی بوده است این گونه آمده است که هدف‌های فعلی و نیز هدف‌های حتی فرامرزی باید در شکل‌دهی به هدف‌های دوران تحول نقش داشته باشد و باید الگویی به دست دهد که برنامه‌ریزان هدف‌ها را با آنها معنا و بازسازی کنند تا به نوآوری منتهی شود.

به عبارت بهتر در شکل‌دهی به هدف‌های دوران تحول جامعه ما، باید به هدف‌های پیشین نگاه فرامرزی و درونی داشته باشیم تا بتوانیم به هدف‌هایی برسیم که حاصل آن تربیت انسان خواهان جامعه مورد نظرمان است. در نگاهی کلی این هدف‌ها در نهایت برای شکل‌دهی به همه جنبه‌های رشد انسان مثل بعد جسمی

نقد و تحلیل هدف‌های برنامه درسی دوره پیش از دبستان

دکتر فرخنده مفیدی

استاد دانشگاه علامه طباطبایی



مدرسه را مطرح کرده است باز هم جای سؤالی دیگر باقی است که مبانی سال‌های پایین‌تر چگونه است؟

متأسفانه در جامعه ما متولیان و تصمیم‌گیرندگان آموزش‌های پیش‌دبستانی متعدّدند و مشاهده می‌شود که مثلاً سازمان بهزیستی برای کودکان تا سه سال و یا ۴-۵ سال و حتی بالاتر هدف‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی دارد که با دوره‌های آمادگی آموزش و پرورش همخوانی مناسبی ندارد و گاه متفاوتند. این کار به نوعی در هم گسیختگی می‌انجامد یا گسستگی‌هایی را در هدف‌گذاری پدید می‌آورد که شایسته نیست. زیرا مبانی زیر ۵

سال و بالاتر هنوز هم معلوم نیست. نکته دیگر اینکه چه قسمت‌هایی از اهداف و در این دوره برجسته شده است و از چه اصولی تبعیت می‌کند؟ یعنی اگر مثلاً هدف دوره شناختی مانند یک هدفی کلی مد نظرمان بوده است، چه بخش‌هایی برای دوره آمادگی نسبت به سنین پایین‌تر برجسته شده یا در تداوم قرار گرفته است و

داریم ابهامات را بکاهیم و همه جنبه‌های انسان را باور کنیم و هدف‌های این دوره از اهداف دوره‌های بالاتر جدا نیست. چون انسان به سمت و سوی تعالی حرکت می‌کند، ایستا نیست، پویاست و در زمان‌هایی متوقف و ساکن نمی‌شود. در طی ۴۰-۵۰ سال گذشته همه کسانی که در زمینه سازماندهی هدف‌ها در جامعه‌مان مشغول به کارند، تلاش کرده‌اند تا این مطلب را جا بیندازند که آغاز یادگیری، آغاز مدرسه رفتن نیست و همه چیز از دوره دبستان شکل نمی‌گیرد، بلکه سال‌های پایه، سال‌هایی شکل‌دهنده یا پیش‌نیاز دوره‌های بعدی هستند.

با پذیرش این مهم، می‌پردازم به بخش دوم که تحلیلی بر هدف‌هایی است که در کتاب راهنمای برنامه پیش‌دبستانی آمده است.

اولین نکته‌ای که باید در ذهن پیروانیم این است که هدف‌های موجود در این کتاب بر پایه چه مبنایی شکل گرفته است؟ ضمناً این غلط مصطلح را نیز باید به گونه‌ای پاسخگو باشیم که پیش‌دبستان (Preschool) فقط یک سال قبل از ورود به دبستان و دوره آمادگی نیست، بلکه از تولد تا شش سالگی و آغاز یادگیری رسمی گسترده‌تری دارد و هر جامعه‌ای نیز با توجه به سن ورود کودکان تعاریف خویش را مورد نظر قرار می‌دهد. حالا اگر در این کتاب، فقط هدف‌های دوره یک ساله پیش از

- حرکتی، شناختی، روانی و هیجانی و اجتماعی و زبانشناختی و زبان و گفتار سازماندهی می‌شوند.

رویکرد فطرت‌گرا و نیز کل‌نگر می‌گوید که انسان موجودی یکپارچه است و همه جنبه‌های وجودی او به هم مربوطند. اشکال ما هم همین‌جاست و باید در مقدمه عرض کنم که عمدتاً این یکپارچگی گاه مغفول مانده است به طوری که جایگاهش در هدف‌های فعلی نیز خالی از ابهام نیست. مثلاً در گذشته به بعدشناختی ارزش زیادی‌تری داده‌ایم که تفکرورزی و خلاقیت در آن سهم مهمی نداشته است. در حقیقت گویی شناخت محض و معرفت‌های خاصی در تحقق هدف‌ها لحاظ شده است. در بعد روانی و هیجانی و حتی حرکتی و جسمی نیز کار پرحاصلی صورت نگرفته است. تصویری که از انسان و قابلیت‌هایش در برنامه‌ها بوده است ما را به سمت و سوی انسانی با قابلیت حرکت و مهارکننده هیجانات و مدیریت روان خود هدایت نکرده است و گاه نیز منع حرکات و رویکردهای دیگر مورد نظر قرار گرفته است که امروز دشواری‌هایش را نشان می‌دهد. و در نهایت هدف‌ها ما را به سمت و سویی نبرده که در سال‌های پایه کاری اصولی کنیم. ولی امروزه، خوشبختانه تربیت انسان‌هایی با قابلیت‌های گوناگون در اندیشه هدف‌گذاران و برنامه‌ریزان است و حد و مرز زیادی هم ندارد. یعنی از همان سال‌های اساس، سعی



یا اصولاً مبانی کار چیست؟ و هدف‌گذاری از چه الگوی پذیرفته‌شده‌ای پیروی می‌کند؟ طبیعتاً باید تناسب سن کودکان و رشد و توانایی‌های آنان نیز لحاظ شود نکته دیگر اینکه اگر تقویت همه حواس را ما به منزله هدفی شناختی از سطوح پایه در نظر بگیریم که بر پایه اندیشه‌های بزرگانی چون **مار بامونته سوری** استوار است باید دید که در دوره آمادگی به پاسخ کاملی می‌رسیم و آیا با توجه به سال‌های پایه در دوره آمادگی چنین هدفی برجسته و نیز محقق شده است؟

مورد دیگر طبقه‌بندی هدف‌ها به شکل عمومی، اختصاصی یا کلی و جزئی است. در بررسی هدف‌ها به این نکته می‌رسیم که نوعی ابهام و فقدان تجانس وجود دارد که به کجا متعلق اند. چرا در بعضی موارد خیلی اختصاصی و در موارد دیگر خیلی جزیی یا در پاره‌ای موارد کلی‌تر و بعضاً عمومی‌تر وارد شده‌ایم. مهم‌تر اینکه البته مشکل ردیفی و ترتیبی هدف‌ها مطرح نیست که اگر انسجام باشد، بهتر است. اما برای محقق شدن هدف‌ها

حتماً باید پس و پیش را بنگریم. به عبارت بهتر اگر در زمینه مثلاً هدف جسمی - حرکتی ما دو جنبه تقویت ماهیچه‌های درشت و ماهیچه‌های ریز و ظریف را در نظر داریم، باید دید کدام یک در ابتدا براساس خصوصیات رشد یا دیدگاه‌های مربیان بزرگ باید از اولویت برخوردار شود. رعایت نکردن اولویت‌ها آیا ایجاد مشکل نمی‌کند؟ البته این یک مثال است، ولی به هر حال باید مسیر و راه برای تحقق هدف‌ها هموار شود.

نکته دیگر هم این است که چرا برخی از هدف‌ها شکل توصیه‌ای دارند و هدف نیستند؟ به نظر می‌رسد با اندکی تأمل باید در تغییر و جابه‌جایی یا حذف مواردی از این دست اقدام شود.

مطلب مهم دیگر این که هدف‌ها باید توجیه‌کننده رویکرد بعدی ما هم باشند. آیا همه هدف‌هایمان به شکلی تنظیم شده‌اند که رویکرد خاصی را دنبال کنند؟ آیا در مقام برنامه‌ریز و تنظیم‌کننده هدف‌ها رویکردها را معنی کرده‌ایم؟ البته معنی ندارد که پاره‌ای از هدف‌ها با یک رویکرد و بعضی دیگر با رویکرد خاص دیگری پیش رود، اما به هر حال باید توجیه خاص خود را داشته باشد.

بعضی از هدف‌ها نیز به صورت جداگانه یا در حاشیه آمده‌اند و پیوند خود را با مجموعه هدف‌ها از دست داده‌اند.

مثل هدف محیط زیست. این قسمت زیرمجموعه کدام یک از هدف‌هاست؟ آیا دلیل خاصی برای جدایی آن بوده است؟ نکته بعدی نیز که به عقیده من از اهمیت بسزایی برخوردار است این است که بعضی موارد ذکر شده به شکل فعالیت آمده‌اند و اصلاً هدف نیستند. در این خصوص هم باید تصمیم‌هایی صورت گیرد. به ویژه این که هدف‌ها فرد را در مسیر تحقق یافتن باید فعال نگه دارند. شکل تولیدکننده به مخاطب بدهند. نگاه امروزی به برنامه‌ریزی این است که به گونه‌ای هدف را بنویسیم که در اجرا، مخاطب ما فعال باشد و نه مصرف‌کننده و تبعیت‌کننده. او را باید به اهداف متعهد کرد به طوری که در تحقق هدف‌ها سهم داشته باشد. در اینجا لازم می‌دانم که به نمونه‌هایی از کتاب اشاره کنم.

* هدف اول که در صفحه ۲۳ آمده است به صورت الف و ب، توجیه توانایی‌های جسمی و حرکتی و تقویت آن است، اما مسئله این است که از کلمات مهارت در هدف‌گذاری بسیار استفاده شده است. آماده‌سازی مهارت‌آموزی نیست. یا در خصوص آماده‌سازی نوشتن باید دید آیا به ایجاد مهارت کامل در این سطح می‌انجامد؟ در دوره آمادگی مهارت نوشتن حاصل نمی‌آید و شکل هدف باید تغییر یابد. در اینجا نیز ابهام و توالی اشتباه و نادرست‌نویسی دیده می‌شود. در کار خانم



هدف بعدی که یکی از هدف‌های زیبا می‌باشد، انس با قرآن و علاقه به یادگیری آن است که مبنای فرهنگی هم دارد. البته لازم است ذکر کنم و قبلاً نیز در جاهایی گفته‌ام که بعضی از فعالیت‌های ما ناخواسته کودکان را از قرآن‌شناسی و خدانشناسی دور می‌کند. از آنجا که این هدف شکل پالایش‌دهنده و تزکیه‌دهنده دارد؛ لازم است به شکل جدا نوشته شود که خوشبختانه همکاران به خوبی مطرح کرده‌اند.

البته من گاهی فکر کرده‌ام که این بخش می‌تواند زیرمجموعه تفکر منطقی قرار گیرد ولی در نهایت به این نتیجه رسیده‌ام که کاری فرهنگی و اصولی است و می‌تواند جداگانه هم بیاید.

هدف ششم «پرورش ذوق هنری و زیبایی‌شناسی» است و این هدف خلاقیت و فلسفه‌ورزی را نیز در بر دارد. تفکر انتقادی، اندیشه‌ورزی، مثبت‌نگری و زیبایی‌بینی جزئی از آن است. در این قسمت فکر می‌کنم باید روی هدف ششم حتماً کار بیشتری صورت گیرد. اگر بخواهیم فردی اندیشه‌ورز و فلسفه‌محور تربیت کنیم و تفکر انتقادی را در او شکل دهیم از همین سال‌های پایه جایگاهش را باید محکم کنیم.

هدف هفتم شامل «تقویت حس دینی و علایق مذهبی» است که به نظر می‌رسد که باید جایگاه خودش را در ارتباط با هدف پنجم بیابد و در قسمت انس با قرآن استقرار

است در صفحه ۲۵ کتاب اولویت‌هایی در نظر گرفته شود.

* هدف چهارم صفحه ۲۶ «پرورش صفات اخلاقی و رفتارهای اجتماعی» است که مشخص نیست چرا اخلاق و ویژگی‌های اجتماعی در هم آمیخته‌اند. اگر به رشد اجتماعی بپردازیم، طبعاً زیرمجموعه‌ای دارد و اگر به بعد اخلاقی نیز نظر بيفکنیم، زیرمجموعه ویژه‌ای را دنبال می‌کند. ادغام این صفات و رفتارها در محقق کردن هدف‌ها می‌تواند قدری اختلاف ایجاد کند و اصلاً مقصود همکاران از در هم آمیختن این دو بُعد چیست؟ از طرف دیگر در حوزه رشد اجتماعی، اگر به جامعه‌پذیری فرد توجه داریم، باید به دوستی، پذیرش آداب و رسوم اجتماعی، قوانین و مقررات و مواردی از این دست توجه کنیم. به هر حال لازم است در بازنگری، تغییراتی اصولی در این بخش صورت گیرد. نکته دیگر این که در ذیل حوزه اجتماعی که در قسمتی دیگر آمده است، باز هم همان‌گونه که در پیش ذکر کردم، اینها هدف نیستند و فعالیت تلقی می‌شوند و تا حدودی توصیه به حساب می‌آیند. صحبت من این است که وقتی می‌گوییم صفات اخلاقی یا رفتار اجتماعی، تعریف عملیاتی ما چیست؟ که اگر می‌خواهیم انسانی مقبول، مطلوب و جامعه‌پذیر تربیت کنیم، آیا اجازه گرفتن قبل از ورود به کلاس در این‌جا خیلی جزئی نیست؟ آیا شکل فعالیت ندارد؟

مونده‌سوری می‌بینیم که پرداختن به تقویت ماهیچه‌های درشت، گویی پیش‌نیاز مهارت‌های ظریف است، یا در کار آقای **فروبل**، پدر کودکستان، تقدم و تأخر هدف‌ها را در هدفمند کردن فعالیت‌های می‌توان دید، به طوری که شکل مرحله‌ای در کارهایشان دیده می‌شود. به هر حال در همه موارد آماده‌سازی محور است و دستیابی به مهارتی خاص هدف نیست.

* هدف دوم (صفحه ۲۴) «پرورش روحیه و رفتار عاطفی» به نظر می‌رسد باز هم تقدم و تأخرهایی لازم است. ما در واقع اول روی هیجانات شناخت پیدا می‌کنیم و اصلاً هدف‌مان این است که فرد را خودآگاه کنیم تا هیجانات شادی خشم، ترس و ناراحتی و غیره را بشناسد و خودآگاه شود، سپس بتواند در زمان و مکان مناسب آنها را مدیریت یا ابراز کند.

* هدف سوم «پرورش مهارت‌های ذهنی» است که به نظر می‌رسد در بعد شناختی ما می‌خواهیم فردی منطقی و خلاق تربیت کنیم. فردی که نسبت به مسائل معرفت پیدا کند، حل مسئله و نظم ذهنی هم محور است که **ژان پیاژه** سردمدار آن است و بحث‌های مفصلی در این باره دارد. به نظر من، این هدف مشکل خاصی ندارد جز این که در قسمت حواس پنج‌گانه پس و پیش‌هایی لازم است و پیش از منطقی فکر کردن و حل مسئله باید، فرد به حواس خود آگاهی کاملی بیابد و لازم





باید. و می‌توانند زیر مجموعه یکدیگر باشند و بنابراین باید هدف پنجم و هدف هفتم را یکجا دید تا دست همکاران در اجرا بازتر و روشن‌تر شود و به نظر من باید در این قسمت عمیق‌تر کار شود و حتماً در آن بازنگری صورت گیرد.

هدف هشتم «هویت ملی» است. در اینجا سؤالی مهم مطرح می‌کنم که تعریف ما از هویت ملی چیست؟ کودک در

به نظر من برنامه‌ریز و هدف‌گذار یک سیاست‌گذار تربیتی است. به همین جهت فکر می‌کنم که باید در تربیت هویت ملی و چگونگی آن کار عمیق‌تری انجام دهیم؟

سال‌های پایه می‌خواهد چه هویتی پیدا کند، باید به گونه‌ای عمل کنیم که او را از هویت خودش دور نگه نداریم. چگونه باید در جامعه‌های چند فرهنگی عمل کرد؟ در بسیاری از کشورها در بحث چند فرهنگی (Multicultural) کارهای عمیقی شده است. احترام به هویت همه واجب است و باید به گونه‌ای عمل کنیم که مبادا با شکل‌دهی به فعالیت‌های خاص، هویت فرهنگی دیگران را که در همان جامعه هستند، خدشه‌دار کنیم.

به نظر من برنامه‌ریز و هدف‌گذار یک سیاست‌گذار تربیتی است. به همین جهت فکر می‌کنم که باید در تربیت هویت ملی و چگونگی آن کار عمیق‌تری انجام دهیم؟ اگر هدف‌ها بیگانگی ملی و یا دوری هویت ایجاد کنند یا اگر بیزاری را شکل دهد؛ باز هم کار تربیتی کرده‌ایم؟ روی این هدف باید کار بیشتری انجام شود.

در حال حاضر در بسیاری از جوامع در مسئله چند فرهنگی مطالعه و تحقیقات بسیاری انجام شده است. شناخت فرهنگ آدم‌های جامعه، آداب و رسوم، عقاید و بافت فکری آنها به نزدیکی آنها منجر می‌شود. این یک حق است و در جایگاه تربیت هم

واقعاً جایگاه خوب و اصولی دارد.

کسانی که برنامه‌ریزی می‌کنند باید از تعصبات قدری دور باشند و احترام را معنای بیشتری کنند که مسلماً در جامعه اسلامی ما ارزشمند است.

هدف نهم «پرورش مهارت زبان فارسی» است. من این هدف را از جمله مصادیقی می‌دانم که نباید از هدف‌شناختی جدا شود. خواندن، نوشتن و حساب کردن و حتی استدلال کردن چهار محور اساسی هستند. چرا در این کتاب این هدف، جداگانه آمده است؟ استدلال در این سال‌های پایه چیست؟ از گذشته تاکنون در برنامه‌های برون‌مرزی و داخل با هم دیده شده‌اند. به نظر می‌آید این هدف، ضمن اینکه زیرمجموعه‌هایش شکل توصیه و فعالیت دارند، باید در خصوص جزئیات، کار کرد و نحوه اجراش کار شود.

هدف دهم یعنی تربیت انسان سالم، یکی از هدف‌هایی است که باید مبنا قرار گیرد. یعنی تربیت انسانی که بهداشت و ایمنی‌اش مدنظر است. چرا این اصل باید در اولویت دهم مطرح شود؟ از آنجا که در این کتاب، هدف‌ها شماره‌گذاری شده‌اند، این فکر پیش می‌آید که باید جایگاهی پیش‌تر داشته باشد. یعنی اگر ریاضی و خواندن و نوشتن هم به او یاد ندهیم، ولی باید سلامتی و ایمنی‌اش را تأمین کنیم.

من بخش پایانی بحث خود را در زمینه چالش‌ها مطرح می‌کنم و در قالب سؤالی‌هایی ارائه می‌دهم که امید است دوستان اندیشه‌کنند. در دنیا و در حال حاضر نیازهای ویژه (Special needs) در اهداف پایه قرار می‌گیرد. اینکه کجا شکل می‌دهند کاری ندارم. طالب آن نیز نیستم که هدف‌های آموزش استثنایی در این قسمت دیده شوند ولی وقتی هدف‌هایی برای کودک ایرانی می‌نویسیم به نظر می‌رسد برنامه‌ریز باید در حاشیه بدان‌ها هم نظر داشته باشد یعنی کودکان با نیازهای

ویژه هم در حاشیه هدف‌ها مطرح باشند. نظر شما چیست؟ می‌توان به این مهم نیز فکر کرد.

چالش دوم در زمینه چند فرهنگی است. برای گروه‌های مختلف در جامعه‌مان چه هدف‌هایی داریم. این کودکان از اقوام و بافت فرهنگی گوناگون چگونه خودشان را باید ببینند؟ نگرش‌ها، ارزش‌ها، زبان، عادات و آداب، رسوم و دیگر نشانه‌های گوناگون در هدف‌هایمان چه جایگاهی پیدا می‌کنند؟

البته لازم نیست فعلاً برایشان پاسخی فوری داشته باشیم ولی می‌تواند زمینه برای بحث‌های منطقی و مختلفی را پدید آورند. به این مهم نیز بیندیشیم؟

چالش بعدی در بحث تربیت این است که چه انسانی مورد نظرمان است؟ قصد ما تربیت انسان برای امروز است یا برای فردا؟ فکر می‌کنم در شکل فعلی همه هدف‌هایمان برای همین لحظه و برای بافت سنتی و فرهنگی و مقبول اجتماعی امروز مطرح شده‌اند و خیلی از این‌ها برای تربیت انسان فردا نیستند. در حال حاضر، بحث فناوری مطرح است و در دنیای هسته‌ای وارد شده‌ایم. خیلی مسائل نوین مطرح است. در کجای هدف‌هایمان نشان می‌دهیم که تربیت انسان را به صورت پیش‌برنده دیده‌ایم؟ مفهوم تحول و پیش‌رفت در هدف‌هایمان کجا خود را نشان می‌دهد؟ خیلی از این هدف‌ها با هدف‌های گذشته یا ۱۰-۲۰ سال پیش فرقی ندارند.

آیا نباید برای تربیت انسانی با توانایی فناوری‌های جدید، مقابله با آنها، تولید و مصرف آنها هدف‌گذاری کنیم؟

ضمن تشکر از توجه همه عزیزان، امیدوارم که صحبت‌ها را در این مجال به منزله نقد و تحلیل هدف‌های برنامه پیش‌دبستانی بپذیرا باشید که انعکاس نظراتم صرفاً پیرامون این برنامه است و امید است بتوانیم با هم‌اندیشی و افزون‌اندیشی پاسخگویی بیشتری داشته باشیم.

کلیدواژه‌ها: اضطراب، اختلال روان‌شناختی، بازی.

دختر پنج ساله‌ام مضطرب است، گاه در موقعیت‌های گوناگون احساس راحتی و شادی نمی‌کند و بازی‌های او هم تحت تأثیر این مسئله قرار دارند. راهی برای کاهش اضطراب او و شناخت دلیل آن به من معرفی کنید.

مادر عزیز!

رشد عاطفی و شناختی کودکان پیش‌دبستانی، تحت تأثیر عوامل گوناگونی از جمله استعدادهای ژنتیکی، اختلال روان‌شناختی، خانوادگی، ضربه‌ها و آسیب‌های قبلی، تاریخچه یا سابقه یادگیری، رفتاری و ویژگی ذهنی کودک و نیز روابط داخلی و متقابل او با همسالان و افراد خانواده قرار می‌گیرد. اما عوامل زیستی، شناختی، رفتاری و خانوادگی از بزرگ‌ترین عوامل دخیل در این مسئله به شمار می‌آیند و این عوامل البته دربارۀ دیگر اختلال‌های کودکان نیز می‌توانند صادق باشند. تحقیقات فراوانی عوامل بالا را تأیید می‌کند اما با توجه به اضطراب‌هایی که معمولاً در خانواده‌های دارای کودکان این سنین مشاهده می‌شود، باید گفت پروراندن انتظارات غیر منطقی و توقعات بیش از حد در ذهن والدین و عملی ساختن آنها در قبال کودکان می‌تواند در آنها ایجاد اضطراب کند. این مسئله می‌تواند باعث شود تا کودک مضطرب همیشه گرایش داشته باشد تا در موقعیت‌های گوناگون احساس تهدید و نگرانی کند و نگران باشد که نتواند انتظارات والدین را برآورده کند.

همان‌گونه که خودتان نیز اشاره کردید من نیز موافق هستم که کودک مضطرب موقعیت‌های امن و بالقوه راحت مثل بازی و شادی را نیز تهدیدآمیز تلقی می‌کند. همچنین اجتناب از انجام دادن کار ناخوشایند، گاه او را چنان مضطرب می‌کند که مانع کار و بازی او می‌شود. برای مثال، کودکی که والدینش در جلوی دیگران و در مهمانی‌ها تقاضای بازی و کشیدن نقاشی و رقابت‌های بالاتر از سن وی را دارند و توقعاتشان از او بیش از حد است، امکان دارد چنان ناراحت شود که دیگر به جمع مهمان‌ها تقاضای بازی و دوستان نیاید و در اتاق خود به تنهایی بازی کند و از دیگران نیز در جمع دوری کند. در نتیجه در آینده نیز ماندن در اتاق سبب کاهش اضطراب او می‌شود و می‌کوشد برای دوری از موقعیت ناخوشایند و کاهش اضطرابش با دیگران معاشرت نکند. از این‌رو درست مثل این است که پاسخ اجتنابی وی و درگیر نشدن با موقعیت نامطلوب برایش کارساز می‌شود. پس شما والدین عزیز باید با درک

با اضطراب کودکان چه کنیم؟



موقعیت و پاسخ‌های کودک توقعات خود را متناسب کنید تا از شدت اضطرابش رفته‌رفته کاهش یابد. البته الگو برداری نیز در ایجاد اضطراب کودکان نقش دارد. مطالعات نشان می‌دهد که کودک می‌تواند رفتار اضطرابی خود را با مشاهده واکنش‌های پدر و مادر و اطرافیان و با الگوهای رفتاری آنها یا شنیدن حرف‌ها و اظهار نظرهایشان درباره رویدادهای اجتماعی کسب کند. بنابراین لازم است بزرگ‌ترها به رسالت تربیتی خود پایبند باشند و در خصوص گفتارها و کلماتشان نیز در زمینه‌های گوناگون احتیاط لازم را به خرج دهند.

ضمناً لازم است چنانچه کودکان به مرکز پیش‌دبستان می‌روند با مربی او صحبت کنید تا گزارشی از ارتباط او با دوستانش در فضای بازی و فعالیت‌های روزانه به شما بدهد تا از نحوه تعامل و دوستی‌ها و موفقیت‌ها و ناکامی‌های او در پیش‌دبستان نیز باخبر شوید، در این صورت با پیدا کردن دلیل، راه‌جویی کنید.

اما به هر حال سعی کنید با فراهم آوردن موقعیت‌های شاد، راحت و نیز کم کردن توقعات و ارائه الگوهای کلامی خوب او را کمک کنید تا به تدریج از نظر روانی سالم‌تر شود و در این سن با کودکان دیگر و موقعیت‌های گوناگون بازی تعامل و مشارکت بیش‌تری پیدا کند. برای شما و فرزندتان روزهای خوش و شاد و راحتی را آرزو می‌کنم.

سر دبیر





دکتر مریم باریک‌بین

پیش دبستانی در جنگل درس‌هایی از طبیعت

ایده اصلی کودکان جنگلی این است که به کودکان فرصت داده شود تا فارغ از بازی‌های ویدیویی، رایانه‌ای، ورزش‌ها و بازی‌های سازمان یافته و تنظیم شده از پیش، در فضای آزاد و باز مشغول شوند و اوقاتی از روز را به غلتیدن در گل و لای و چاله‌چوله‌ها، جست‌وجوی دانه و میوه گیاهان مثل میوه کاج و بلوط و آشیانه پرندگان بپردازند یا با استفاده از قلاب‌های چوبی ماهی‌گیری کنند.

طرفداران این نوع آموزش معتقدند که عشق و محبت و دوستی با طبیعت در کودکان از این راه پایه می‌گیرد که در نهایت هدایتگر آینده و باعث رشدشان خواهد بود و نیز در آنها اعتماد به نفسی به وجود می‌آورد که از راه شناخت طبیعت پیرامونشان حاصل می‌شود.

محققان دانشگاه کلرادو و دنور نیز نشان داده‌اند که افزایش زمان حضور کودکان در فضای باز، جنگل یا در دل طبیعت می‌تواند تعادل کودک، تلاش و جدیت، تسلط و برتری و مهارت دستی و ادراک عمیق او را افزایش دهد.

بعضی از این پیش دبستانی‌ها در روزهای جمعه و به صورت یک روز تمام از صبح تا بعد از ظهر برگزار می‌شود. در آنجا یک سر معلم (مربی) با دستیار و یکی از والدین داوطلب به صورت چرخشی انتخاب می‌شوند و کار نظارت بر بازی‌ها، فعالیت‌های اکتشافی و کنجکاوی‌های کودکان را به عهده می‌گیرند. برای حفظ امنیت کودکان و شادی و یادگیری راحت‌تر آنان نسبت کودکان به بزرگسالان چهار به یک است. یعنی هر چهار کودک را یک بزرگسال همراهی می‌کند.

معمولاً غذایی ساده برای کودکان هنگام حضور در جنگل و فضای بیرون تدارک دیده می‌شود که شامل ساندویچ‌های سالم، آب‌میوه و بیسکویت و نان‌های مغذی است.

چینش و سازماندهی این محل‌ها نیز ساده و بی‌آلایش است. در این جا صندلی و میزی وجود ندارد و به جای صندلی و میزها، کودکان چهار و پنج ساله از صبح مقداری شاخ و برگ، خار و خاشاک از جنگل جمع‌آوری می‌کنند و برای خود پناهگاه، لانه و آشیانه‌ای درست می‌کنند تا بتوانند خوراک میان‌روشان را با آرامش در آنجا میل کنند. گاه از ظروف یک بار مصرف و بازیافتی، لانه‌ای برای پرندگان و بین شاخه‌ها و تنه‌های

اشاره

- آیا می‌دانید می‌شود برای کودکان در سبزه‌زار و جنگل و باغ و بیابان هم مراکز پیش دبستان به راه انداخت؟
 - این مراکز چه هدف‌هایی را دنبال می‌کنند؟
 - کودکان در این مراکز به چه کارهایی مشغول می‌شوند؟
- ...

کلیدواژه‌ها: طبیعت، جنگل، والدورف، کودکان جنگلی.

یکی از مشهورترین مدل‌های کودکان در سردترین و کم آفتاب‌ترین کشورها مانند آلمان، نروژ و دانمارک رواج دارد. نام این مراکز «پیش دبستان در جنگل»^۱ است.

در این گونه مراکز با وجود تغییرات جوی و فصلی، کودکان متجاوز از چهار ساعت از اوقات روز را در فضای آزاد و خارج از مراکز آموزشی می‌گذرانند. البته چنین کودکانی در جزیره واشون نزدیک سیاتل و در کلرادو، نیویورک و کارولینای شمالی نیز وجود دارند.

این کودکان جنگلی در همه جا از

رویکرد آموزشی و یادگیری والدورف^۲

و دیدگاه‌ها و آموزه‌های اشتاینر^۳

پیروی می‌کند.



جست‌وجو، بحث و مکاشفه راه و روش یادگیری کودکان در کودکان‌های جنگلی است



درختان سرسبز درست می‌کنند. تغییرات جوی، باد و باران نیز در برنامه‌های پایه این نوع از کودکان‌ها تأثیر زیادی نمی‌گذارد و در این اوقات نیز کودکان به مشاهده کرم‌ها و چگونگی فعالیت‌های حیوانات، حشرات و پرندگان کوچک می‌پردازند و فعالیت‌های کوچک اکتشافی خود را انجام می‌دهند.

والدین راضی این کودکان می‌گویند: «وقتی برای تحویل گرفتن کودکان می‌رویم، اگرچه ممکن است خیس و گلی باشند اما اطمینان داریم که روزی سرشار از شادی، یادگیری و آرامش و بازی داشته‌اند و در حقیقت با بازی و تفریح اوقات خود را سپری کرده‌اند.»

جست‌وجو، بحث و مکاشفه راه و روش یادگیری کودکان در این کودکان‌های جنگلی است. اغلب، صبح‌ها کودکان به دیدن و سَرک کشیدن در بین گیاهان، درختان و شاخ و برگ‌ها، کند و کاو زمین، دیدن لانه مورچه‌ها، حرکت کرم‌ها و حشرات و اردک‌ها و دیگر حیوانات مشغولند، گاه تخم شکسته پرنده‌گان و حتی گاهی برگ درختی غیرمعمول دنیایی از پژوهش و سؤال و فرضیه را به ذهنشان می‌آورد. از آنجا که در همه فصول این فرایند ادامه دارد، یادگیری کودکان و درس‌هایی که از طریق طبیعت می‌آموزند، می‌تواند ماه‌ها استمرار یابد به طوری که برای مثال شاهد رشد دانه‌هایی که کاشته‌اند می‌شوند و سبزی‌هایی را که پرورش داده‌اند، می‌چینند و می‌توانند شاهد خشک شدن و شکوفا شدن آنها در ماه‌های بعدی باشند.

فعالیت‌های هنری و حتی خواندن، آموزش اعداد، علوم و بحث‌های اجتماعی و محیطی نیز در میان فعالیت‌ها حضور دارد و کودکان به طور کاملاً غیررسمی و محیطی بدون تشنج و رسمیت و با فراغ بال یاد می‌گیرند. به گفته والدین این کودکان، چنین فضایی فرصت‌های شگفت‌انگیزی برای یادگیری کودکانشان فراهم می‌آورد تا اطلاعات خود را از طریق همه حواس و به طور طبیعی کسب کنند و در نهایت احساس پیوند عمیقی با ما در طبیعت پیدا می‌کنند و می‌توانند آنچه را به این طریق یاد گرفته‌اند در طول عمر خود پاسداری کنند.

پی‌نوشت

1. Preschool in the woods
2. waldorf
3. Rudolf steiner

اشاره

آموزش پیش دبستانی در کشور ما خیلی زود جای خود را باز کرد. اینک میلیون‌ها کودک شش ساله در کلاس‌های پیش دبستان جست‌وخیز کنان و شاداب آماده می‌شوند تا با اندوخته‌های علمی و عملی وارد دبستان شوند.

در این شماره قصد داریم گزارشی از فعالیت‌های پیش دبستان و دبستان رشد ۲ را در یکی از مناطق تهران به نظر خوانندگان محترم مجله رشد پیش دبستان برسانیم.

ارزیابی همیشگی

فعالیت‌های تعلیم و تربیت همیشگی و در راستای اصول آموزش و پرورش کشور است. آقای **رسول خوش‌دست**، مدیر پیش دبستان و دبستان رشد، ضمن اشاره به این اصول از اهمیت ارزیابی و سنجش مربیان آموزشی و کودکان مشمول آموزش در این واحد می‌گوید: «شرایط دعوت به کار مربیان در این واحد آموزشی داشتن تجربه‌های عملی و علمی و همچنین داشتن سلامت نفس و روح و روان و پیشینه مثبت خانوادگی است.»



مدیر این پیش دبستان به اهمیت ارزیابی یا سنجش می‌پردازد و درباره گزینش مربیان و پس از آن می‌گوید: «پس از گزینش، برای همکاران دوره‌های دانش‌افزایی برگزار می‌کنیم و طبیعتاً تشویق همکاران کوشا از نظر ما دور نمی‌ماند.»

ارائه برنامه سالانه از وظایف مربیان است که زیر نظر معاون آموزشی صورت می‌گیرد و در طول سال به آن عمل می‌شود. مدرسه در پذیرش دانش‌آموزان نیز شروطی دارد که آقای خوش‌دست به آنها اشاره می‌کند: «دانش‌آموزان داوطلب ورود به پیش دبستان رشد ۲ باید معیارهایی داشته باشند تا پذیرش شوند. بخشی از سنجش در ارتباط با خانواده‌هاست؛ از جمله مشارکت آنها در فعالیت‌های این پیش دبستانی. به اعتقاد ما تعلیم و تربیت کاری چندجانبه بین خانه، مدرسه و اجتماع است. ما طی جلساتی که با والدین داریم آن‌ها را متقاعد به همکاری داوطلبانه با مدرسه می‌کنیم. گاهی نیز خود آنها نوع همکاری را مشخص می‌کنند. در نتیجه ما می‌توانیم به نظامی پیشرفته در تعلیم و تربیت برسیم. دانش‌آموزان نیز باید این دو مشکل را نداشته باشند؛ یکی مشکل

یا عقب‌ماندگی ذهنی و دیگری بیش فعال بودن.»

مدیر دبستان با اشاره به اینکه داوطلبان از لحاظ سلامتی سنجش می‌شوند، در ارتباط با خدماتی که به افراد دارای مشکل داده می‌شود، می‌گوید: «ما آنها را به مراکز درمانی و بهزیستی راهنمایی می‌کنیم.»

آماده‌سازی ذهنی و روانی

با توجه به اینکه فعالیت‌های آموزشی و آماده‌سازی این پیش دبستان به صورت اردویی از تابستان برای کودکان شش ساله آغاز می‌شود، برای آشنایی بیشتر با فعالیت‌های آن با معاون آموزشی و پژوهشی پیش دبستان رشد صحبت می‌کنیم. **صدیقه جامی‌زاده** ضمن تأکید بر آماده‌سازی بچه‌ها به این نکته نیز اشاره می‌کند که این فعالیت تابستانی برای کاهش دغدغه‌های اول مهر و تعامل بین کودکان و اولیای خانه و مدرسه است.

در فعالیت‌های این واحد آموزشی به زبان آموزی فارسی اهمیت بسیاری داده می‌شود. معاون آموزشی رشد می‌گوید: «ما در هر سال حدود هفتاد دانش‌آموز پیش دبستانی داریم و این برای سومین سالی



علاقه و امید

گزارش فعالیت‌های آموزشی پیش دبستان رشد

منطقه ۲ شهر تهران

گزارش: اصغر ندیری
 عکس: غلامرضا بهرامی

ترغیب می‌شویم با یک یک مربیان به گفت‌وگو بپردازیم.

خانم مهسا عبدالله‌زاده کارشناس تکنولوژی آموزشی است و سیزده سال سابقه کار دارد. او که در فعالیت خود بر زبان‌آموزی تکیه دارد، می‌گوید: «زبان‌آموزی را در دل تمام واحد کارهای مرکز وارد کرده‌ایم. بچه‌ها از هم‌آغازها و هم‌پایان‌ها شروع می‌کنند و به تدریج به کلمات و جمله می‌پردازند. در اسفند ماه هر سال پس از بخش بخش کردن کلمه‌ها و پس از تمرین جمله به جمله، آنها می‌توانند خواندن کتاب را یاد بگیرند.»

درک رشد شناختی

وقتی کودک و رشد شناختی‌اش را درک کنیم، می‌توانیم او را یاری دهیم. خانم **نوشین طاعت** از دیگر مربی‌های پیش دبستان و لیسانس روان‌شناسی کودک است. او به اهمیت تحصیلات و رشته مرتبط در این حرفه می‌پردازد و می‌گوید: «از این طریق می‌توان به تفاوت‌های کودکان پی برد و از لحاظ رشد شناختی و عاطفی به

بیرون از کلاس نشسته است. بنابراین از مادر که خود را خانم **اسدی** معرفی می‌کند، می‌پرسیم: «چرا فرزند خود را به این واحد آورده‌اید؟»

می‌گوید: «چون در مقایسه با سایر پیش دبستانی‌ها فعالیت‌های اینجا را متنوع‌تر و بهتر دیدم.»
 - چرا اینجا نشسته‌اید؟

- پسر من دوست ندارد از من جدا شود؛ برای همین مسئولان مدرسه پذیرفته‌اند که من در کنار پسر من باشم تا به وضع جدید عادت کند.

می‌پرسیم: «آیا وضع فرزند شما تغییر خواهد کرد و به کلاس انس خواهد گرفت؟»

در پاسخ می‌گوید: «فکر می‌کنم با حوصله‌ای که مربی‌ها دارند، به تدریج او به کلاس عادت می‌کند. این جلسه چهارم حضور من است و رفتار فرزندم بهتر شده است.»

با مربیان رشد زبان‌آموزی

فعالیت و تلاش بسیاری در این مجموعه دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که

است که آنها زبان‌آموزی را به‌طور جدی دنبال می‌کنند. اگر در این دوره، این مهارت از راه گوش کردن و گفتن به درستی و در قالب‌های غیر رسمی آموخته شود، بستری برای پایه اول فراهم می‌آید. تجربه نشان داده است که آموزگاران پایه اول از نظر اعتماد به نفس و تقویت توان گفتاری از این دانش‌آموزان رضایت بیش‌تری دارند.»

انس با قرآن

جامی‌زاده می‌گوید: «در پیش دبستان، شروع هر کلاس با قرائت قرآن است و بچه‌ها هر هفته سوره‌ای را می‌شنوند و حفظ می‌کنند. بنابر اعتقاد ما انس با قرآن در هر فرصت ممکن است، معمولاً نیز بچه‌ها نواری را گوش می‌کنند که سن قاری به آنها نزدیک‌تر است و به این صورت مأنوس‌تر می‌شوند.»

حضور مادر و رفع اضطراب

در یکی از کلاس‌ها چهره مضطرب پسر بچه‌ای را می‌بینم که مدام از جایش بلند می‌شود و به بیرون کلاس نگاه می‌کند. سمت نگاه او به سوی مادرش است که



آنها کمک کرد تا رشد و بالندگی خود را به کمال برسانند.»

طاعت می گوید: «گذراندن این دوره، فرایندی برای آمادگی ورود به دوره ابتدایی تحصیلی است. هر قدر کودک برای ورود به مدرسه شناخت بیشتری داشته باشد، یادگیری او نیز بهتر خواهد شد. بچه‌هایی را دیده‌ام که این دوره را نگذرانده‌اند و در مقایسه با پیش دبستانی‌ها مشکلات تحصیلی بیشتری دارند.»

این مربی حوزه فعالیت‌های خود را به شناساندن محیط زندگی، آموزش‌ها، شناخت بهداشت فردی، شناخت طبیعت، موضوعات حمل و نقل و غیره پیوند می‌دهد و می‌گوید: «این نمایی کلی از شروع تحصیلات رسمی و ابتدایی است که ما ارائه می‌کنیم.»

با توجه به اینکه خانم مربی روان‌شناسی خوانده است، در مورد تشویق بچه‌ها می‌گوید: «اگر کار خاص و برجسته‌ای از بچه‌ها سر بزند، آنها را تشویق می‌کنیم. تشویق این بچه‌ها نباید عادی باشد؛ چون وقتی یک کودک شش ساله خلاقیتی بروز می‌دهد، ابزارها و روش‌های تشویق او متفاوت با هفت ساله‌ها و بزرگ‌ترهاست. در اینجا نوع نگاه و حتی خنده ما در قبال کار او باید خاص باشد. اینها تا آخر عمر در ذهن کودک می‌ماند.»

دوست داشتن بچه‌ها

خانم محبوبه عمید یکی دیگر از مربی‌های پیش دبستانی رشد است که سال سوم فعالیتش را در این مجموعه می‌گذراند. او که کارشناس رشته علوم تربیتی با گرایش مدیریت برنامه‌ریزی آموزشی است، می‌گوید: «بچه‌ها را دوست دارم. مگر می‌شود با آنها کار کرد و آنها را دوست نداشت؟»

وی نیز به حضور بچه‌هایی اشاره می‌کند که نمی‌توانند خود را با محیط پیش دبستان وفق دهند و می‌گوید: «این هنر مربی است که کودک را بشناسد و بتواند در روزهای اول جدایی کودک از محیط خانواده، او را به ماندن در این فضا ترغیب کند. از جمله این هنرها، شاداب‌سازی و برنامه‌ریزی در محیط آموزشی است. شناخت شخصیت هر کودک نیز یاری‌کننده مربی خواهد بود.»

خانم عمید به حضور کودکان پیش‌فعال نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر چنین کودکی در اینجا دیده شود، برایش برنامه‌ریزی می‌کنیم تا توانایی کسب تمرکز و دقت را بیابد. این کودکان تمرکز کمی دارند و بی‌هدف از کاری به کار دیگر می‌پردازند. برای افزایش دقت و تمرکز در

دستورزی و ایجاد تنوع کاری برای اینها کارگاه خلاقیت و طرح‌های ویژه‌ای داریم.»

ارتباط با خانواده‌ها

خانم الهام کوهی کارشناس علوم تربیتی و رشته پیش دبستان است. او می‌گوید: «آنچه خوانده‌ایم با آنچه عملاً با آن درگیریم، بسیار متفاوت است.» او در طراحی فضای پیش دبستان به محیط شاد و روحیه همکاری اشاره می‌کند و می‌گوید: «شخصیت هر کدام از این بچه‌ها با دیگری تفاوت دارد و با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها با هر کدام باید رفتار خاصی داشت. در این راه و ارائه آموزش‌ها لازم است با خانواده‌ها در ارتباط باشیم و حتی نظر آنها را اعمال کنیم. برای همین دفترچه رابطی تهیه شده است که طی سال تحصیلی بین مربی و اولیای دانش‌آموزان رد و بدل می‌شود تا با تحلیل آن به نوع رفتار آموزشی مناسب با کودک برسیم.»

پیش دبستان و دبستان

مربی دیگری به نام خانم مهتاب جهانی از تفاوت جدی بچه‌های پیش دبستان و دبستانی می‌گوید: «سن پیش دبستانی‌ها کمتر است و آموزش آنها با پایه





که از حضور در جمع ترس دارد. او گوشه‌ای کز کرده است و ترجیح می‌دهد وقت خود را خارج از کلاس و به چرت زدن بگذراند.

از خانم طاعت مربی سینا می‌پرسیم: «آیا این وضع ادامه خواهد یافت؟»

او می‌گوید: «بله. ممکن است تا چند ماه چنین باشد.»

از نحوه برخورد مربی با سینا می‌پرسیم. او می‌گوید:

«من هیچ‌گاه او را وادار به انجام دادن کاری نمی‌کنم.

باید خودش بخواند. فقط به او می‌گویم، سینا کیف تو اینجاست. خوراکی هم داری.

بیا بخور. او خوراکی‌اش را می‌خورد و سپس از کلاس خارج می‌شود. همین

که حرف مرا گوش می‌کند، به این معنی است که حرکتی رو به جلو داشته‌ایم. ما از او

کار گروهی نمی‌خواهیم و در عین بی‌توجهی به او توجه می‌کنیم. متأسفانه، حضور پدر و

مادرش در مدرسه وضع را بدتر می‌کند اما باید صبر کنیم.»

ما که به رفتار او علاقه‌مند شده‌ایم، سعی می‌کنیم با او حرف بزنیم. از او می‌پرسیم:

«مدرسه چطور جایی است؟» و او می‌گوید:

«اول فکر می‌کردم مدرسه خوب است اما الان خوشم نمی‌آید!»

توجه به مناسبت‌ها

مناسبت‌های روز می‌تواند الهام‌بخش برخی فعالیت‌های دانش‌آموزی برای کسب

تجربه و اطلاعات باشد.

خانم شریف کلانتری با ۲۵ سال سابقه تدریس و آشنایی با مسائل پیش‌دبستانی،

مسئول این واحد آموزشی است. او می‌گوید: «به ازای هر مناسبت مهم یک فعالیت یا

واحد کار در نظر گرفته شده است؛ مثلاً در روز آتش‌نشانی، بچه‌ها با خدمات ایمنی و

آتش‌نشانی آشنا می‌شوند. وقتی واحد کار آب را می‌خوانند، آنها را به موزه آب می‌بریم.

در اردیبهشت ماه، جشن شکوفه‌های نماز را برگزار می‌کنیم و هر سه ماه یک بار هم

برای بچه‌های متولد آن فصل جشن تولد می‌گیریم و عکسشان را روی دیوار نصب

می‌کنیم. اینجا آموزش ارتباط کلامی مهم است و حدود یک ماه را به آموزش سلام کردن از

راه‌های متنوع مثل نمایش می‌پردازیم. بچه‌ها به ورزش علاقه‌مندند و به این دلیل ما، آنها را

به نزدیک‌ترین زمین تمرین فوتبال می‌بریم. آموزش زبان انگلیسی نیز از برنامه‌های این

پیش‌دبستان است.»

ترس از جمع

سینا از دانش‌آموزان شش ساله‌ای است

بالاتر فرق دارد. بازی، کاردستی، شعر و قصه‌خوانی و نمایش در این دوره اثربخش‌تر است.»

خانم جهانی همکاری خانواده‌ها با پیش‌دبستان را مهم ارزیابی می‌کند و خود

را به‌نوعی رابط کودک و خانواده کودک می‌داند. او معتقد است که اساس کار

پیش‌دبستان بر محبت استوار است.

کمک به مربی‌ها

معمولاً در کنار مربی‌ها، افراد مجرب دیگری به نام کمک مربی حضور دارند که

به درست اجرا شدن فعالیت‌های کلاسی مثل نقاشی یا نمایش توسط بچه‌ها کمک

می‌کنند. خانم مهین غفاری از جمله کمک مربی‌های فعالی است که هفت سال

در این مرکز سابقه فعالیت دارد. او با زیر نظر داشتن دست‌ورزی‌های کودکان، در

اصلاح آنها می‌کوشد.

از خانم غفاری می‌پرسیم: «با توجه به وجود رایانه، رسانه‌های دیجیتال و لوح‌های

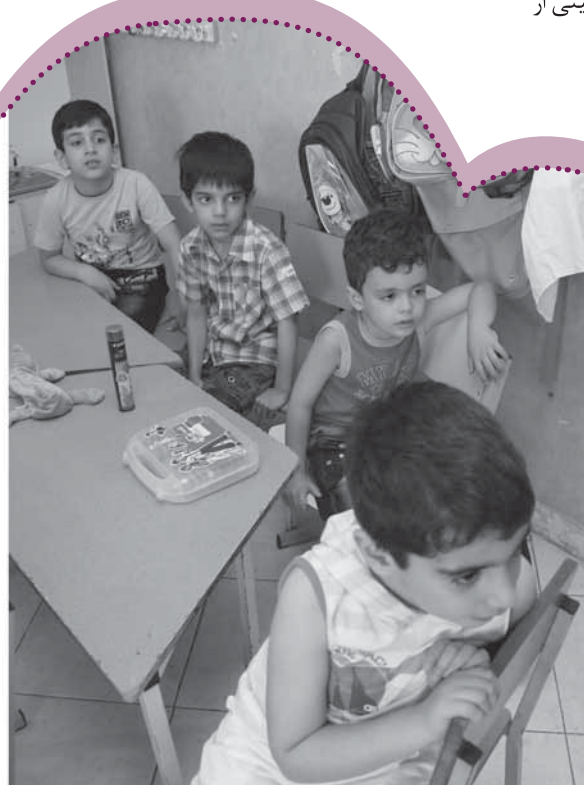
فشرده، آیا آموزش‌های شما به روز شده است و بچه‌ها در این سن و سال چنین

امکاناتی را در اختیار دارند؟» او می‌گوید: «بله. ما اینجا رایانه داریم.

بچه‌ها می‌توانند با برنامه‌های مخصوص خود بازی کنند و در حد توان خود با رایانه

آشنا شوند. در واقع برای هر فعالیتی از جمله رایانه، واحد کار دارند.»

فعالیت‌های آموزشی و آماده‌سازی این پیش‌دبستان به صورت اردویی و از تابستان برای کودکان شش ساله آغاز می‌شود





مستندسازی بازی‌های اجرا شده با یک کودک توسط والدین او

مر ترضی مجدفر

اشاره

مؤلف این نوشته در مقام یک پدر، تعدادی از بازی‌هایی را که به تنهایی یا همراهی همسرش با دختر پیش دبستانی خود طی سال جاری یا سال‌های پیش انجام شده، به رشته تحریر درآورده است. همان‌طور که در این بازی‌ها می‌خوانید، پدران و مادران می‌توانند از تمامی وسایل و امکانات پیرامونشان برای طراحی و اجرای بازی‌های کودکانه استفاده کنند.

* جابه‌جایی سایه‌ها

یکی از بازی‌هایی که تقریباً از وقتی بهار راه افتاد و نیز بعدها با او انجام دادیم، بازی **جابه‌جایی سایه‌ها** بود. بهار حدوداً یک سال و هشت ماه داشت و می‌توانست راه برود. هم پاشدندش با من سخت بود و مجبور بودم سرعتم را بسیار کم کنم ولی بالاخره راه می‌رفت و می‌توانست حتی مسیرهای دور را نیز با من راه برود و در اثنای راه هم‌زمان با حرف زدن، می‌توانستیم بازی هم بکنیم. هنگام غروب یکی از روزهای تعطیلات نوروز، وقتی در حال رفتن به سوی نانوایی بودیم، بهار متوجه سایه خودش و سپس سایه من شد که روی زمین افتاده بود و همراه ما حرکت می‌کرد. بهار سرعتش را زیاد کرد تا به سایه برسد و البته طبیعی بود که سایه هم حرکت می‌کرد و ایستا نبود. وقتی بهار سایه‌اش را تعقیب می‌کرد، در یک آن به دلیل جابه‌جایی نوری که سایه ایجاد می‌کرد، سایه بهار از او عقب افتاد و او پیروزمندانه اعلام کرد که برنده شده و از سایه‌اش جلو زده است. وقتی به او گفتم برگردد و پشت سرش را نگاه کند، دوباره سایه‌اش را دید و مسابقه جلو زدن از سایه را بر خلاف مسیرمان - که البته هم برای من و هم او دردسرساز بود و مسیرمان را اندکی از نانوایی دور می‌کرد- ادامه داد و به این ترتیب بازی جابه‌جایی سایه‌ها شکل گرفت. از آن پس

بازی‌های خلاق برای کودکان پیش دبستانی



پیش دبستانی بود.^۲

* بازی تمام نشدنی تصویرخوانی و ساختن قصه برای تصاویر

کودکان عاشق شنیدن قصه‌اند و به اقتضای سنشان در سال‌های پیش از دبستان حتی ممکن است قصه‌ای را صد بار بشنوند و خم به ابرو نیاورند. روان‌شناسان تربیتی معتقدند کودکان هر بار که به قصه‌ای تکراری گوش می‌سپارند، آن را از زاویه‌ای جدید می‌نگرند و از این رو قصه همیشه برای آنها تازه است. در واقع جست‌وجو و کشف نکته‌های جدید و دقیق شدن در عوامل و پدیده‌های گوناگون، در هر نوبتی که قصه برای آنها بازگو می‌شود، از دلایلی است که حتی شنیدن قصه‌های تکراری را برای آنها جذاب می‌سازد.

یکی از بازی‌های جذابی که بارها با بهار انجام می‌دادیم و با توجه به در دسترس بودن تعداد بی‌شماری از تصویرهای گوناگون، امکان طراحی و اجرای بازی‌های متنوعی از آن امکان‌پذیر بود، بازی تصویرخوانی و قصه‌پردازی برای تصاویر نشان داده شده از سوی بهار بود.

شیوه کار به این صورت بود که تصویری به بهار نشان می‌دادیم و ابتدا از او می‌خواستیم تصویر را برایمان توضیح دهد. در مرحله بعدی، که می‌توانست همان روز یا روزها و ماه‌ها و حتی چند سال بعد باشد، از او می‌خواستیم برای تصویری که دیده است، قصه‌ای بسازد. شاید ذکر مثالی مفید باشد. بهار پتویی داشت که مربوط به دوران نوزادی او بود. پتویی که روی آن تصویر فیلی بزرگ (احتمالاً فیل مادر) همراه فیلی کوچک که در حال حرکتند، دیده می‌شود. روی فیل بزرگ، دو خرس کوچولو نشسته‌اند و یکی از آنها چتری را به سر گرفته است. از آسمان بالای پتو هم روی خرس‌ها و فیل‌ها ستاره و قلب می‌بارد؛ درست مانند آن که باران ستاره و قلب در حال باریدن باشد.

دفعه اول که تصویر این پتو را به او دادیم، بهار سه ساله بود. او صرفاً به لایه آشکار تصویر اشاره کرد و گفت: «یک فیل بانی‌نی کوچولوش، راه می‌رود و دو تا خرس هم، اون بالا هستند.» دفعه دوم که حدوداً پنج ساله شده بود، جزئیات بیشتری را تشخیص داد و باریدن باران، چتر روی دست خرس کوچولو و قلب‌ها و ستاره‌ها را هم یادآور شد.

وقتی وارد دوره پیش دبستانی شد، به‌ویژه بعد از اجرای مکرر بازی مری می‌شدن برای قصه‌گویی، برای تصویر پتو تقریباً داستان کاملی ساخت که این‌گونه بود: «یک روز یک فیل کوچولو با مامانش در جنگل راه می‌رفتند. فیل کوچولو خیلی خوشحال بود. ولی یک دفعه باران بارید. آنها دو تا خرس کوچولو دیدند که دوست فیل کوچولو بودند. خرس‌ها چتر داشتند. مامان فیل کوچولو به خرس‌ها گفت

هر گاه روز یا شب، در مسیری راه می‌رفتیم و امکان تشکیل سایه و مشاهده آن در مسیر بود، این بازی را به انحای گوناگون انجام می‌دادیم. مقایسه طول سایه‌های همدیگر، ایستادن من و جلورفتن بهار برای قراردادن پاهایش روی سایه سر، دست یا جاهای دیگری که به او اعلام می‌کردم، مسابقه گذاشتن برای دویدن سایه‌ها با یکدیگر، رفتن سایه‌ها روی دیوار و بلند و کوتاه شدن آنها همراه با جابه‌جا شدن چشمه‌های نوری که سایه ایجاد می‌کردند و... از بازی‌های جذابی بود که لحظه‌هایی زیبا برایمان ایجاد می‌کرد و مدت‌ها، به‌ویژه هنگامی که مسیری را با هم طی می‌کردیم، سرگرممان می‌ساخت. این بازی را توانستیم سال‌ها ادامه دهیم.

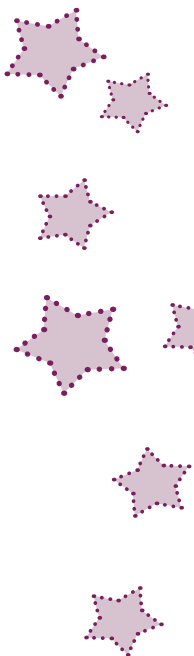
* مری می‌شدن برای قصه‌گویی

بهار وارد دوره پیش دبستانی شده بود. یکی از فعالیت‌های مری بهار قصه‌خوانی بود. مری محترم برای آن که قدرت انتقال مفاهیم و نیز حافظه کودکان را تقویت کند، دوشنبه‌ها برای شاگردانش قصه‌ای تعریف می‌کرد و می‌خواست در منزل قصه را به پدر یا مادرشان بگویند. در ادامه والدین می‌بایست خلاصه یا شرح داستان را بنویسند و نوا موزان آن را سه‌شنبه‌ها به مری تحویل دهند. آن‌طور که از گفته‌های مری‌اش در یکی از دیدارهای اولیا با مری دریافتیم، بچه‌ها قصه‌ها را بسیار خلاصه و در واقع به کلی‌واژه‌هایی ساده تبدیل می‌کردند که به‌طور عمده شخصیت‌های اصلی قصه را در برمی‌گرفت. برای مثال: «یک خروس بود، یک مرغ که چند جوجه داشتند. روزی برای جوجه‌هایشان تولد گرفتند.» فقط همین.

بهار نیز همین مشکل را داشت. قصه‌های بسیار کوتاه و خلاصه بود و نوشته‌های که باید من و مادرش می‌نوشتیم، از چند خط بیشتر نمی‌شد. قرار شد مری کلاس هنگام تعطیلی مدرسه در روزهای دوشنبه، به‌طور خلاصه کلی‌واژه‌های داستانی را که برای بچه‌ها گفته است، به اولیا یادآوری کند.^۱

از آن پس، بازی جدیدی را با بهار انجام می‌دادیم و آن مری می‌شدن بهار برای قصه‌گویی بود و چون کم و بیش از محتوای داستان باخبر بودیم، می‌توانستیم وقتی او را در نقش مری و در حال قصه‌گویی به عروسک‌هایش، در نقش هم‌کلاسی‌های بهار، راهنمایی کنیم.

بهار مری می‌شد و با راهنمایی ما، قصه‌ای که خانم مری در کلاس برای آنها تعریف کرده بود برای عروسک‌هایش باز می‌گفت. البته به فراخور ذوق و خلاقیت خود و موقعیت‌هایی که پدید آمده و نیز حافظه کوتاه مدت‌اش از زمان شنیدن قصه، آن را باز تعریف می‌کرد. قصه‌گویی کودکان با توجه به اهمیت نقش‌پذیری در کودکان و نیز علاقه و آفری که در این سن و سال به مریبان خود دارند، از بازی‌های محبوب بهار در ماه‌های آغازین دوره





بیا بید
سوارم شوید،
برویم. شما روی
سر ما چتر بگیرید؛
من هم تند و تند راه

می‌روم.»

او به ستاره و قلب بودن قطره‌های
بارانی که می‌بارید، اشاره نکرد. به خاطر
همین پرسیدم: «چرا قطره‌های باران،
ستاره و قلب هستند؟» در پاسخ گفت: «چون که خیلی
خوشحال هستند!»

حتی در مراحل پیشرفته‌تر تصویرخوانی و ساختن قصه، بهار
به مواردی اشاره کرد که برایمان جالب بود. یک بار وقتی خواست
تصویر و قصه‌بازی کنیم و تصویری دم‌دست نداشتم، به پیراهن
سفیدی که تنم بود، اشاره کردم و گفتم: «خوب! بگو ببینم اینجا
چه می‌بینی؟»

قدری مکث کرد، ولی بعد از اندکی به یک مورد و بعد به
موردی دیگر اشاره کرد. اول گفت: «اینجا آسمونه. ابرهای سفید
همه جا را پر کرده!» بعد ادامه داد: «یک کوچه است که همه‌جاش
پر از برفه!» البته آن روزها برف نسبتاً خوبی باریده بود و مطمئن
بودم که از ویژگی **تداعی معانی** در یادآوری استفاده کرده است و
گرچه اگر تابستان بود، به‌طور قطع به‌راحتی ذهن او معطوف کوچه
برفی نمی‌شد.

تصاویری را که می‌توانند در این بازی استفاده شوند، از این
راه‌ها می‌توان به دست آورد:

● تصویرهای موجود روی ملحفه، لحاف، بالش، لباس‌های
کودکان، پیراهن و لباس‌های اطرافیان و هر چیزی که بتوان در
وسایل شخصی، اسباب‌بازی‌ها و ابزارآلات در دسترس او مشاهده
کرد. برای این منظور و برای جلب توجه کودک به تصویرخوانی،
شروع کردن از توضیح و نیز قصه‌سازی درباره لباس‌های شخصی
کودک که این روزها عموماً به تصاویر زیبایی از لحاظ گرافیکی
مزین می‌شوند، مناسب است.

● تصویرهای موجود در مجلات آموزشی کودک و نوجوان.
● تصویرهای موجود در کتاب‌های داستانی، علمی و آموزشی
ویژه گروه سنی کودک، به‌خصوص اگر تصاویر آنها رنگی باشد. در
این زمینه فرهنگ‌نامه‌های ویژه کودکان و نوجوانان، به‌ویژه اگر
هدفمند و حرفه‌ای تهیه شده باشند، از ابزارهای مطمئنی هستند که
می‌توان همراه با تصویرخوانی، با استفاده از آنها در افزایش دانش و

بینش

کودکان هم تلاش کرد.^۲

● بریده‌های هدفمند از جراید

(عده‌ای معتقدند هر تصویر برای خود داستانی

دارد، حتی اگر تصویر تعدادی رایانه در یک آگهی بازرگانی در
صفحه‌ای از روزنامه باشد.)

● تابلوها، دیوار نوشته‌ها و تصاویر دیواری. برای مثال، اکنون
روی دیوار اکثر مهدهای کودک و واحدهای پیش‌دبستانی و نیز
حول و حوش زمین‌های بازی بوستان‌های شهر تصویری کودکانه،
کارتونی و آموزنده وجود دارد که می‌توان از آنها به مثابه اجزای
داستان استفاده کرد.

● تابلوهای نقاشی، فرش و صنایع دستی نصب شده به
دیوارهای منازل (در بسیاری از منازل، تابلوهای گوناگون نقاشی
یا فرش‌هایی از طبیعت و منظره‌ها، اماکن مذهبی، بزرگان فامیل،
کوبلن‌های یافته شده توسط برخی از اعضای خانواده و صنایع
دستی مانند مینیاتورها، بشقاب‌های طراحی و حکاکی شده و... به
چشم می‌خورد).

✱ جابه‌جایی در کف اتاق و سفر با قالیچه دوار

یکی از بازی‌هایی که اغلب کودکان از انجام دادن آن لذت
می‌برند، سوار کردن آنها بر وسیله‌ای قابل حمل و حرکت دادنشان
در اتاق است. بسیاری از پدران و مادران از سال‌های خردسالی،
کودکان خود را داخل تشتهای پلاستیکی، سینی‌های بزرگ،
وسایل و ظروف دیگری که بتوانند به‌راحتی روی فرش یا برای
مثال روی سرامیک یا سنگ کف اتاق بلغزند، قرار می‌دهند و با
تکان دادن و به حرکت درآوردن آنها در مسیرهای کوتاه، لحظات
دل‌نشینی برای آنان فراهم می‌کنند. بهار هم، چنین بازی‌هایی را از
یک سالگی و از هنگامی که توانست تعادل خود را نگه دارد، تجربه
کرده است. ولی با او علاوه بر این بازی‌های آشنا و عمومی، بازی
دیگری هم انجام داده‌ایم که الگوبرداری شده از همان بازی ساده
حمل و جابه‌جایی در کف اتاق است. قالیچه دایره‌ای کوچکی
داریم که در قسمتی از کف منزل محل سکونتمان، روی زمین
قرار گرفته است. وقتی بهار از سنین خردسالی گذر کرد و به چهار
پنج سالگی رسید، این قالیچه جایگزین وسایل دیگری شد که در
بازی‌های ساده حمل و جابه‌جایی در کف اتاق استفاده می‌شدند.
با توجه به این که قالیچه دایره‌ای شکل است و امکان چرخاندن آن
حین حرکت وجود دارد، با تلفیق قصه قالیچه پرنده یا دوار با این

تعریف کرد و ما برای مربی‌اش نوشتیم داستانی بود با عنوان «علف تازه می‌خوام» که برای افزودنی‌های خلاقانه توسط مربی تمجید شد. قصه بهار چنین بود: «بی‌بی نعناع یه گوسفند داشت. هر وقت برای گوسفندش علف می‌گذاشت، گوسفند نمی‌خورد و وقتی بی‌بی نعناع می‌پرسید: «چرا نمی‌خوری؟» می‌گفت: «من علف تازه می‌خوام.» ولی بی‌بی نعناع جواب می‌داد: «الآن زمستونه. باید صبر کنی تا بهار بیاد و علف تازه در بیاد.» با این همه گوسفند می‌گفت: «من علف تازه می‌خوام، این‌ها رو نمی‌خورم.»

در روزی سرد و برفی بی‌بی نعناع در خانه نشسته بود و بافتنی می‌بافت. ناگهان صدای گوسفند را شنید که بعرع می‌کرد. بی‌بی نعناع لباس گرم پوشید و بیرون رفت و گوسفند را پیدا کرد که در کوجه‌های روستا بود. بی‌بی نعناع گوسفند را پیش حیوانات دیگر به طویله برد. در آنجا گوسفند دید که همه حیوانات علف می‌خورند و گوسفند که گرسنه بود، همراه آن‌ها شروع کرد به خوردن علف‌ها.

۳. در این مورد، از فرهنگ فارسی خردسال (از آثار انتشارات محراب قلم) در بازی کتاب‌خوانی با بهار استفاده کردیم و نتایج مثبت و علاقه او به استمرار بازی و خواندن کتاب را به چشم دیدیم. این فرهنگ حاوی ۴۰۰ واژه و صدها تصویر رنگی است که مهناز عسگری مؤلف آن است. در این کتاب، نویسنده کوشیده است معنای واژه‌ها را از طریق داستان‌هایی ساده بیان کند. تصویرهای مربوط به هر کلمه فرصت بیشتری را در اختیار مربی و پدر و مادر قرار می‌دهد تا با استفاده از آنها ارتباط و گفت‌وگوی بیشتری را با بچه‌ها انجام دهند. فرهنگ خردسالی از دیگر آثار این ناشر است که چنین ویژگی‌هایی را دارد.

بازی و اعلام اینکه در زمان‌های قدیم چنین قالیچه‌های واقعاً وجود داشته است، به بهار گفتیم که می‌شود با این قالیچه به سرزمین‌های دیگر رفت و از جاهای گوناگون دیدن کرد. وقتی قالیچه را روی زمین این‌ور و آن‌ور می‌کشیدیم، برای جذاب‌تر شدن بازی، گاهی هم قالیچه را می‌چرخانیم و برایش از شهرها، دریاها، کوه‌ها، دریاچه‌ها، جنگل‌ها و حیوانات سخن می‌گفتیم. به واسطه فعالیت فیزیکی ناشی از این بازی، پدر و مادر اجرا کننده آن به زودی خسته می‌شوند و از این‌رو زمان بازی بسیار کم است، ولی سفر با قالیچه دوار (یا پرنده) برای کودک جذابیت فراوانی دارد و مدام خواهان تکرار اجرای آن است. ما برای آنکه خستگی از پا درمان نیابد، بعد از یک یا دو گشت ساده و گفتن قصه‌ای خیالی، از بهار به‌ویژه در سال‌هایی که بزرگ شده بود، می‌خواستیم بنشینند و نقاشی سفرش را هرطور که تصور می‌کند، بکشد. این بازی، چه نوع ساده آن و چه شکل پیشرفته‌ترش که با قصه‌گویی توأم است، قابلیت اجرایی بسیار خوبی دارد و می‌توان به راحتی از آن در همه منازل استفاده کرد.

پی‌نوشت

۱. در مدرسه‌هایی که وبلاگ دارند، مربی کلاس می‌تواند از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی مدرسه، در صفحه شخصی خود خلاصه‌ای از آنچه را که در قالب داستان برای بچه‌ها گفته است، به اولیا اطلاع دهد.
۲. یکی از قصه‌هایی را که بهار برایمان





ضرورت

از آنجا که تلفیق برنامه‌های واحد کار نوآموز با موضوع انس با قرآن کریم از مهم‌ترین برنامه‌های کارشناسی پیش‌دبستانی و در رأس آن معاونت آموزش ابتدایی در سال ۹۰-۸۹ بوده است، لذا با اهداف زیر تصمیم به تغییر محتواها گرفته شد. در اسفند ماه ۸۹ با تشکیل کمیته تولید محتوا متشکل از افراد مجرب، مقدمات اجرا آماده شد. پس از دریافت شیوه‌نامه اجرایی دوره پیش از دبستان به شماره ۲۰۰/۱۰۳۴۰۷ مورخ ۹۰/۵/۱۶ از دفتر پیش دبستانی وزارت متبوع (در بند ۳۰ این شیوه‌نامه قید شده است که

هرگونه تولید محتوای آموزشی و پرورشی بر عهده کمیته تولید محتواست که پس از تأیید دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی قابلیت اجرا خواهد داشت) این طرح با قوت ادامه یافت.

تولید محتوا در دو بخش دو زبانه و یک‌ساله با همت اعضای کمیته تولید محتوا استان صورت گرفته است که بخش دو زبانه در بهمن ۸۹ اولین بار اقدام به تولید محتوا کرد و پس از پایان کار به دفتر تألیف کتب پیش‌دبستانی برای بررسی و اعلام نظر ارسال شد.

و در بخش یک‌ساله با این اهداف کار تولید صورت گرفت:



برنامه‌ریزی کتب درسی پیش دبستانی در قسمت‌های مختلف (قرآنی، قصه، شعر، فعالیت علمی و...) وزارت متبوع به خاطر سرعت و دقت در بررسی و اعلام نظر در خصوص محتواهای تولید شده

محتواهای تولید شده در استان در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ برای دوره یک‌ساله و دو زبانه به شرح زیر است:

- کتاب کار نوآموز مخصوص مناطق دو زبانه
- کتاب کار مریبی مخصوص مناطق دو زبانه
- کتاب کار نوآموز در ۸ موضوع و ۴ جلد شامل:
- جلد شماره یک: پیش دبستانی و خیابان
- جلد شماره دو: انسان و خانه
- جلد شماره سه: ایران و آب
- جلد شماره چهار: گیاهان و جانوران
- لوح فشرده صوتی و تصویری شامل: سوره‌ها و نماز و آیات قرآنی موجود در کتاب کار نوآموز؛
- لوح‌های کاغذی کوچک (پی‌وی‌یو شده) برای ارسال به منازل به منظور آشنایی اولیا با آیات در حال تدریس در مراکز پیش دبستانی پس از تدریس هر آیه؛
- لوح‌های بزرگ مقوایی برای نصب در کلاس موقع تدریس
- کتاب کار مریبی در همان هشت موضوع و چهار جلد

خدایا چنان کن سرانجام کار
تو خشنود باشی و ما رستگار

- مهارت‌های انتخاب شده در این دوره با توجه به اهداف دوره پیش دبستانی از سوی کمیته علمی دوره پیش دبستانی مشخص شد (لازم به ذکر است کتاب‌های کار مریبی که در سال‌های قبل در کمیته تولید محتوای استان تدوین شده بود بررسی شد و فعالیت‌های مناسب در برنامه استفاده شد و البته هر جا نیاز به تولید مجدد یا افزودن فعالیت‌ها بود این کار صورت گرفت.)

- انتخاب آیات مناسب با توجه به اهداف و مهارت‌هایی که کمیته علمی و کمیته قرآنی تعیین می‌کند (در قسمت بالا در خصوص چگونگی تعیین این مهارت‌ها و اهداف توضیح داده شده است)

- تولید فعالیت براساس آیات اعلام شده توسط کمیته علمی (تولید محتوای استان) با توجه به اهداف پیش دبستانی و شیوه‌نامه و کتب روش تدریس قرآن در دوره ابتدایی (ویژه تربیت معلم)

مراحل پایانی فعالیت کار گروه تولید محتوا

- ارسال فعالیت‌ها به دفتر تألیف کتب درسی
- بررسی مجموع فعالیت‌ها در دفتر تألیف کتب درسی پیش دبستانی وزارت متبوع در اسرع وقت و بازگشت به اداره کل استان برای چاپ و ارسال به مناطق و نواحی
- ضمن تشکر از همکاران دفتر تألیف و

- استفاده از محتوای تولید شده در کمیته تولید محتوای استان به جای استفاده از محتواهای مؤسسات دیگر

- تولید محتوا با رویکرد پرورش فطرت الهی

- تلفیق محتوای واحدهای کار با قرآن کریم

- کاربردی ساختن آیات قرآنی برای نوآموزان

- درگیر کردن خانواده‌ها با آموزش قرآن نوآموزان به منظور آشنایی آنها با کاربرد آیات در زندگی.

مراحل اجرایی برنامه

- تصویب طرح در شورای نظارت و برنامه‌ریزی اداره کل استان
- دعوت از بزرگان علوم قرآنی استان (استادان دانشگاه و تربیت معلم، نماینده حوزه علمیه اصفهان، نماینده دفتر تبلیغات و ارشاد اسلامی) استاد زبان‌آموزی، اعضای کمیته تولید محتوای استان، دو نفر از آموزگاران کلاس اول و دو نفر از مربیان پیش دبستانی
- بررسی محتوای قرآنی مراکز و مؤسسات مختلف در سطح کشور که در سال ۹۰-۸۹ در حال اجرا در مراکز پیش دبستانی بود. (از قبیل شکوفه‌های بهشت، مه‌الرضا و مکتب القرآن و...)
- تعیین اعضای کمیته تولید محتوا طبق بند ۲۷ شیوه‌نامه اجرایی دوره پیش از دبستان (فوق‌الذکر)
- تشکیل کمیته قرآنی و کمیته علمی که در ادامه به شرح آن پرداخته شده است.

گزارش کمیته تدوین فعالیت‌های یاددهی - یادگیری دوره پیش از دبستان استان اصفهان

کار با کودک پیش دبستانی از جنس کار با طلاست

مجید گل‌بیدی

رئیس گروه آموزش پیش دبستانی و دبستان استان اصفهان

نقش ادبیات کودک در آشنایی کودکان با مساجد

تحلیل محتوای کتاب «داستان راستان» اثر استاد شهید مطهری

دکتر فریبا خوشبخت

استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز

کلیدواژه‌ها: مسجد، ادبیات کودک، کتاب داستان راستان.

مقدمه

سنین کودکی دوران پراهمیتی است که غفلت از آن می‌تواند علاوه بر هدر دادن فرصت‌های طلایی به از دست رفتن قطعی فرصت‌ها منجر شود. فرصت‌هایی که نتوان در بقیه عمر آنها را یافت و از آنها بهره برد. بنابراین استفاده از این فرصت برای آموزش و آگاهی دادن به کودکان در زمره اهداف تعلیم و تربیت هر کشوری قرار دارد.

تعلیم و تربیت هر کشوری متشکل از اهداف، اصول، مبانی و محتواست. مبانی تعلیم و تربیت مشخص می‌کند که کلیت تعلیم و تربیت باید براساس چه مواردی برنامه‌ریزی شود. مبانی جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زیست‌شناسی و فلسفی، مبناهای تعلیم و تربیت هستند. از جمله مواردی که در مبانی فلسفی مطرح می‌شود رویکردهای مذهبی هر نظام تعلیم و تربیتی است که به برنامه‌ریزان و متخصصان تعلیم و تربیت می‌گوید: «آنچه به کودکان آموزش داده می‌شود، باید بر مبنای ملاک‌های مذهبی هر کشور باشد» (شکوهی، ۱۳۸۶). از این رو و براساس مبانی فلسفی، در تعلیم و تربیت کشور ما نیز آموزش و آشنایی با مفاهیم مذهبی کشور، دین مقدس اسلام، مد نظر قرار می‌گیرد. پس کودکان ما باید با مفاهیمی همچون خدا (که رکن اصلی دینداری است)، نماز، مسجد و... آشنا شوند.

مفاهیم مذهبی اصولاً انتزاعی هستند و از طرف دیگر کودکان از نظر رشد شناختی به سطحی از رشد نرسیده‌اند که بتوانند مفاهیم انتزاعی را درک کنند» (شکرالله‌زاده و خوشبخت، ۱۳۹۰). برای مثال در خصوص ادراک مفهوم خدا، کودکان کوچک‌تر ادراک آنتروپومورفیک دارند؛ با قدری بزرگ‌تر شدن ادراک آنها نمادین می‌شود و تازه در حدود یازده، دوازده سالگی ادراک انتزاعی به معنای واقعی شروع به شکل‌گیری می‌کند (خوشبخت و مزیدی، ۱۳۸۳). درباره مفهوم مسجد نیز چنین است. ممکن است کودک با شنیدن «مسجد خانه خداست» در جواب سؤالش که مسجد چیست (یا کجاست)؟ آن را نفهمد. پس باید چه کاری انجام داد؟ آیا زمان کودکی را باید رها کنیم که میزان فراگیری کودک بسیار بالاست و منتظر رسیدن سن تفکر انتزاعی (یازده سالگی) شویم؟ مسلماً پاسخ خیر است. کریمی (۱۳۸۵) در کتاب پرورش حس



شناختی) در آموزش کودکان مؤثر است. نیز همان طور که ذکر شد آموزش دین از طریق شناختی برای کودکان میسر نیست اما به دلیل اینکه دین داری به صورت فطری در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است، شیوه شهودی می تواند در پرورش حس مذهبی کودکان و آشنایی آنان با مفاهیم مذهبی مورد استفاده قرار گیرد (کریمی، ۱۳۸۵).

با توجه به مطالب بالا و نیز توجه به نیاز کشورمان برای طراحی فرصت‌هایی برای پرورش مذهبی در کودکان، مقاله حاضر به بررسی داستان‌های کتاب **داستان راستان** (جلد اول و دوم) از بعد توجه به موضوع مسجد پرداخته است تا بتواند از این طریق داستان‌هایی معرفی کند که برای آشنایی کودکان با مفهوم مسجد مناسب است. در نتیجه، این مطالعه در جهت پاسخگویی به سؤال زیر است:
مسجد در کتاب **داستان راستان** (جلد اول و دوم) چگونه معرفی شده است و چه ویژگی‌هایی دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش مطالعه حاضر از نوع کیفی است که با استفاده از شیوه تحلیل محتوا انجام گرفت و کتاب مورد بررسی در این پژوهش، جلد‌های اول و دوم کتاب داستان راستان اثر استاد مرتضی مطهری (۱۳۶۲) است.

واحد تحلیل در مطالعه حاضر داستان است، بدین صورت که هر داستان توسط محقق خوانده شد و اگر واژه مسجد در آن به کار رفته بود، کل داستان با توجه به چگونگی معرفی مسجد مورد بررسی قرار می‌گرفت.

نتایج پژوهش

از مجموع ۱۲۵ داستان هفده داستان به واژه مسجد اشاره کرده بودند. این داستان‌ها عبارت‌اند از: رسول اکرم و دو حلقه جمعیت، اعرابی و رسول اکرم، بازاری و عابر، تازه مسلمان، جوان آشفته‌حال، همسایه نو،

مذهبی، بهترین شیوه برای آموزش مذهب به کودکان را روش نمادین مطرح می‌سازد که همان تأثیر از طریق دل است. به نظر می‌رسد شیوه آموزش غیررسمی از نوع اکتشافی که به خصوص برای کودکان کوچک‌تر بسیار مفید است می‌تواند در این باره کارساز باشد، این شیوه شبیه پرورش نمادین است. آموزش به دو شیوه رسمی و غیررسمی صورت می‌پذیرد: آموزش رسمی که در قالب کتاب و برنامه درسی است و آموزش غیر رسمی که چارچوب مشخصی ندارد و در چارچوب فعالیت‌های غیردرسی از جمله بازی، قصه خوانی، دیدن فیلم و... به کودکان آگاهی داده می‌شود و در نوع اکتشافی مربی یا والدین فرصت مناسب را فراهم می‌سازد و کودک در خور فهم خود و با فعالیت خود به کشف امور و مفاهیم می‌پردازد (پولارد و تن، ۱۹۹۴). از آن جا که دنیای کودک، دنیای قصه، بازی و شادی است، بنابراین آموزش غیررسمی می‌تواند در این سنین بسیار مؤثر باشد.

در نتیجه، یکی از شیوه‌های تأثیرگذار در تعلیم و تربیت کودکان استفاده از روش‌های غیر رسمی از جمله استفاده از ادبیات کودک است. ادبیات کودک به مجموعه‌ای از آثار گفته می‌شود که جنبه ادبی دارند و مخاطب آنها کودکان است (فزل‌ایغ، ۱۳۸۵). انواع کتاب‌های داستانی، شعر، قصه، کتاب مصور مخصوص کودکان در زمره ادبیات کودک است (نورتن، ۱۳۸۲). از آنجا که در ادبیات کودک جنبه زیبایی‌شناسی لحاظ می‌شود، بنابراین می‌تواند با برانگیختن عواطف بر مخاطب تأثیرگذار باشد (حجوانی، ۱۳۸۹). پس ادبیات کودک

به دلیل ایجاد حس زیبایی و

برانگیختن عواطف به

صورت غیررسمی

(و نه از طریق

رسمی و

**آموزش
دین از طریق شناختی
برای کودکان میسر نیست اما
به دلیل اینکه دین داری به صورت
فطری در وجود انسان به ودیعه
نهاده شده است، شیوه شهودی
می تواند در پرورش حس مذهبی
کودکان و آشنایی آنان با مفاهیم
مذهبی مورد استفاده قرار
گیرد**

در جست‌وجوی حقیقت، پسر حاتم، جو بیر و زلفا، توحید مفضل، مصونیتی که لغو شد، اولین اشعار، برنامه کار، کابین خون، پندآموزگار، حتی برده‌فروش و اذان نیمه شب.

در ادامه، تحلیل هر داستان خواهد آمد.

۱. رسول اکرم (ص) و دو حلقه جمعیت

در این داستان، مسجد محلی است که در آن عبادت و ذکر صورت می‌گیرد و نیز محل تعلیم و تعلم معرفی می‌شود.

۲. اعرابی و رسول اکرم (ص)

این داستان بیان می‌کند که مردم برای برآوردن حاجت خود به مسجد می‌رفتند. همچنین پیامبر مردم را در مسجد به خداپرستی دعوت می‌فرمودند.

۳. بازاری و عابر

در این داستان بیان می‌شود که مسجد مکانی است که مؤمنان در آنجا از خداوند هدایت دیگران را می‌خواهند و به دعا برای دیگران می‌پردازند.

۴. تازه مسلمان

مسجد محلی است برای انجام دادن عبادات مسلمانان. از جمله: خواندن نماز و قرآن.

۵. جوان آشفته حال

مسجد علاوه بر جایگاه خواندن نماز مکانی است که مؤمنان در آن به احوالپرسی یکدیگر می‌پردازند و از حال یکدیگر باخبر می‌شوند. بنابراین مسجد تنها مکان بجا آوردن اعمال انفرادی نیست.

۶. همسایه نو

در این داستان در مسجد به بیان مشکل مردم آزاری و توصیه به احترام به حقوق همسایگان پرداخته می‌شود. بنابراین، از منظر این داستان در مسجد به مسلمانان آداب اجتماعی آموزش داده می‌شود.

۷. در جست‌وجوی حقیقت

این داستان بیان می‌کند که افراد وقتی دلتنگ می‌شوند و احساس تنهایی می‌کنند به مسجد می‌روند و با خدا راز و نیاز می‌کنند.

۸. پسر حاتم

در مسجد حاکمان غیرمسلمان نیز برای آشنایی با پیامبر به ایشان رجوع می‌کردند.

۹. جو بیر و زلفا

اگرچه مسجد پناهگاه مستمند می‌تواند باشد اما محل اقامت و سکونت نیست.

۱۰. توحید مفضل

مسجد جای تفکر و مباحثات علمی است. حتی مباحثی که ممکن است با اندیشه‌های مسجد مخالف باشد از جمله بحث مادی بودن جهان هستی.

۱۱. مصونیتی که لغو شد

حتی در زمان جاهلیت مسجد (مسجدالحرام) مکانی بوده که اخبار به گوش عموم مردم می‌رسیده است. یعنی مسجد بلندگوی اجتماع است.

۱۲. اولین اشعار

مسجدالحرام مرکز اعلام اخبار و وقایع بوده است.

۱۳. برنامه کار

مسجد جای تعیین سهمیه بیت‌المال بوده است؛ یعنی، در آن به امور مالی و اقتصادی پرداخته می‌شده است. همچنین حضرت علی با رفتن به مسجد همراه با شمشیر و لباس رزم، دفاع از اسلام را در مقابل کسانی چون طلحه و زبیر اعلام کرد.

۱۴. کابین خون

مسجد مکان عبادت و زهد است. مکان برگزاری نماز و اعلام هنگام نماز به همگان.

۱۵. پندآموزگار

در این داستان بیان می‌شود که مسجد محل تبلیغات، آموختن درس، قرائت وصیت‌نامه حاکم فوت شده و تعیین ولیعهد است.

۱۶. حتی برده‌فروش

در این داستان فقط نام مسجد آمده و به کارکرد آن اشاره‌ای نشده است.

۱۷. اذان نیمه شب

مسجد محل اذان گفتن و اعلام وقت نماز است. نیز از طریق گفتن اذان بی‌موقع مردم از واقع شدن بی‌عدالتی آگاه می‌شدند.

بحث و بررسی

همان‌طور که نتایج این پژوهش نشان داد در کتاب داستان و راستان (جلد اول و دوم) هفده داستان به واژه مسجد اشاره کرده‌اند. در یک داستان (حتی برده‌فروش) فقط به واژه مسجد اشاره کرده است و هیچ اطلاعاتی در رابطه با معرفی مسجد به مخاطب ارائه نمی‌کند. شانزده داستان به معرفی کاربرد مکانی مسجد می‌پردازد که می‌تواند برای کودکان آشنایی با مسجد را از طریق شنیدن قصه فراهم سازد که موقعیتی فرخ‌بخش است. آنچه این داستان‌ها درباره مسجد بیان می‌دارند، در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است. با نگاهی دقیق‌تر به نمودار شماره ۱ می‌توان موارد استخراجی از تحلیل کتاب داستان راستان را به مؤلفه‌های کلی‌تر به قرار زیر طبقه‌بندی کرد.

• بعد مذهبی مسجد

محلی برای عبادت، بجا آوردن نماز، خواندن دعا و ذکر، گفتن اذان و اعلام وقت نماز و دعوت مردم به خداپرستی؛

• بعد تعلیم و تربیتی مسجد

مسجد مکان تفکر، تعلیم و تعلم و مباحثات عمیق علمی؛

• بعد اجتماعی مسجد

مسجد محل آموزش آداب اجتماعی؛ مشورت؛ کمک به یکدیگر؛ از حال یکدیگر باخبر شدن؛ خبر رسانی به عموم؛ تبلیغات؛

• بعد سیاسی مسجد

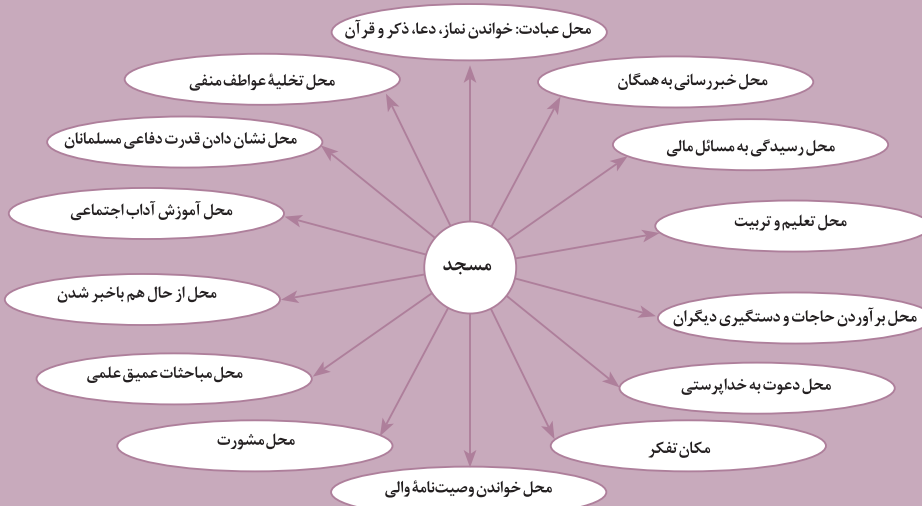
مسجد مکان خواندن وصیت‌نامه حاکم فوت شده؛ تعیین ولیعهد، نشان دادن قدرت دفاعی به دشمنان؛

• بعد روانی مسجد

مسجد مکان تخلیه عواطف منفی و تزکیه روح و تحصیل روحیه و نشاط روانی.

• بعد اقتصادی مسجد

مسجد محل تعیین مسائل مالی مملکت اسلامی. نتایج این پژوهش در قالب مؤلفه‌های مذکور در نمودار شماره ۲ آورده شده است.



نمودار شماره ۱: موارد مربوط به معرفی مسجد مستخرج از کتاب داستان راستان (جلد اول و دوم)

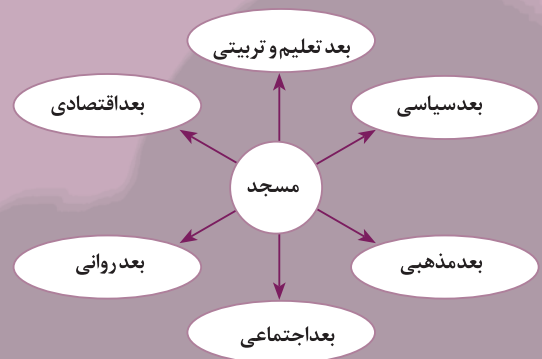
نتیجه‌گیری

کتاب داستان راستان شامل داستان‌های کوتاه مستندی است که براساس رویدادهای صدر اسلام شکل گرفته‌اند و می‌توانند موقعیت خوبی را برای آشنایی مخاطبان با مفاهیم مذهبی فراهم سازند. هفده داستان این کتاب به معرفی مسجد به صورت غیرمستقیم و در روند رخداد حوادث می‌پردازد و بیان می‌دارد که مسجد فقط محل پرداختن به اعمال مذهبی نیست، بلکه کارکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، تعلیم و تربیتی و روانی برای مسلمانان دارد. چون این داستان‌ها کوتاه هستند می‌توانند برای کودکان مناسب باشند. البته برخی از داستان‌ها مانند **توحید مفضل** به

لحاظ موضوعی مناسب درک کودکان نیستند و برخی از داستان‌ها مانند کابین خون به دلیل طولانی بودن و وجود چند حادثه در طرح داستان، مناسب این گروه سنی نیستند. همچنین از آنجا که کتاب کودک بدون تصویر بی‌معنی است (نیکولایا و اسکات، ۲۰۰۶) این داستان‌ها برای استفاده کودکان به تصویرگری مناسب نیاز دارد تا از سواد بصری آنها نیز استفاده شود. در نتیجه با در نظر داشتن مواردی که ذکر شد بازنویسی این داستان‌ها می‌تواند داستان‌هایی را برای ساعات قصه‌گویی کودکان در مراکز مهدهای کودک یا در منزل فراهم آورد. البته نباید از نظر دور داشت که این داستان‌ها علاوه بر مسجد به مفاهیم دینی دیگر هم اشاره کرده‌اند که تحلیل آنها می‌تواند موضوع مطالعات آتی باشد.

منابع

۱. حجوانی، مهدی. زیبایی‌شناسی ادبیات کودک. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹.
۲. خوشبخت، فریبا و مزیدی، محمد؛ بررسی شکل‌گیری مفهوم خدا در کودکان ایرانی. همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی، ۱۳۸۳.
۳. شکرالله‌زاده، سودابه و خوشبخت، فریبا؛ بررسی راه‌های خداشناسی از طریق آفرینش طبیعت در شعر کودک از جنبه‌های دینی فلسفی، روان‌شناختی کودک و زیباشناسی شعر. شیراز، سومین همایش مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، ۱۳۹۰.
۴. شکوهی، غلامحسین؛ مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد، به‌نشر، چاپ بیست‌ونهم، ۱۳۸۶.
۵. کریمی، عبدالعظیم. رویکردی نمادین به تربیت دینی با تأکید بر روش‌های اکتشافی. تهران: قدیانی، ۱۳۸۵.
۶. مطهری، مرتضی؛ داستان راستان. ج اول و دوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
۷. نورتون، دانا و نورتون، ساندرا؛ شناخت ادبیات کودکان: گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک، مترجم: منصوره راعی و دیگران. تهیه شده در مؤسسه فرهنگی هنری خانه ترجمه کودکان و نوجوان، تهران، قلمرو، ۱۳۸۲.
8. nikolajeva, M.& Scott, C. 2006. **How picturebooks work**. New York. Routledge.
9. Pollared, A. & Tann, S. 1994. **Reflective teaching in the primary school**. London, Cassell.



نمودار شماره ۲: مؤلفه‌های استخراجی مربوط به معرفی مسجد در کتاب داستان راستان (جلد اول و دوم)

کلیدواژه‌ها:

رنگ، نقاشی، خلاقیت.

اشاره

رنگ‌ها در شخصیت انسان به‌ویژه کودکان تأثیر بسزایی دارد و تجربه‌های هیجانی از قبیل شادی، خنده، غم، اندوه، آرامش، تحریک‌پذیری، سکون و هیجان ایجاد می‌کند. در کودکان این خصیصه شدت می‌یابد، آنان به سبب روح پاک و بی‌آلایش و شاد و پرطراوت خویش رنگ‌های زنده و آنهایی را که در ترکیبی مناسب با هم قرار گرفته باشند، ترجیح می‌دهند، این موضوعی است که در طراحی و تزئین و رنگ‌آمیزی فضاهای داخلی و ترکیبات مناسب رنگی فضاهای طبیعی باید مورد توجه قرار گیرد. با رنگ‌های مختلف می‌توان اندازه و وزن یک شیء معین را کوچک یا بزرگ، سبک یا سنگین جلوه داد. اصولاً رنگ‌های گرم و روشن موجب توسعه اشیا می‌شود و برعکس رنگ‌های سرد و تیره موجب می‌شوند که اشیا از اندازه خود کوچک‌تر به نظر آیند.

کودکان و روان‌شناسی رنگ‌ها

رنگ‌ها سه دسته‌اند:

۱. رنگ‌های اصلی که شامل سه رنگ قرمز، آبی و زرد می‌شود.
۲. رنگ‌های فرعی که از ترکیب سه رنگ اصلی به دست می‌آید، مثل سبز، نارنجی و بنفش.

دریافت رنگ‌ها

کودکان به رنگ‌های اشباع شده اولیه توجه بیشتری دارند. چنین به نظر می‌رسد که عکس‌العمل‌های اولیه کودکان نسبت به رنگ‌ها بر اثر خصوصیات عاطفی بروز می‌کند ولی با گذشت زمان کودکان یاد می‌گیرند آنها را مشاهده و دقیقاً درک کنند.

با وجود این باید اذعان کرد در آزمایشی روی نوزادان ۱۵ روزه، آنها توانستند نورهای رنگی منعکس شده روی دیوار را از همدیگر تمیز دهند. رنگ قرمز نخستین رنگی است که کودکان به‌طور صحیح از آن نام می‌برند. در برخی مواقع کودکان رنگ‌ها را با اشیائی که بدان رنگ‌ها هستند به خاطر می‌آورند و مثلاً می‌گویند زرد مانند زرده تخم‌مرغ.

موضوع فوق نشان می‌دهد کودکان به‌کندی قادر خواهند بود رنگ‌ها را از اشیا جدا کنند و آنها را همچون خصوصیات مستقلی به خاطر آورند.

تأثیر رنگ‌ها بر تفکر و خلاقیت

حال به بررسی تأثیر رنگ‌ها بر خلاقیت فکری و ذهنی کودکان و رشد تفکر در آنها می‌پردازیم چرا که می‌توان از رنگ‌ها مثل ابزاری در خدمت رشد تفکر کودکان استفاده کرد.

● رنگ قرمز

رنگ قرمز، یکی از سه رنگ اصلی، بسیار هیجان‌انگیز است و خطر و آتش را تداعی می‌کند. در ضمن حواس را تحریک می‌کند و انرژی‌های متمرکز، جاه‌طلبی، شهامت و اشتها را افزایش می‌دهد. قرمز رنگی است هیجانی و ذهن منطبق‌گرا را به زانو درمی‌آورد. این رنگ انرژی و شادابی را در زندگی افزایش می‌دهد. رنگ قرمز در معماری کلاس‌های درس کاربردی ندارد، زیرا دیوارهای قرمز کودکان را آشفته حال و بدخلق می‌کند و به

۳. رنگ‌های میانه که از ترکیب رنگ اصلی به علاوه رنگ فرعی به دست می‌آید که شامل شش رنگ می‌شود مثل زرد مایل به سبز، آبی مایل به سبز و غیره از رنگ‌ها می‌توان به دو طریق استفاده کرد:

۱. **نمونه‌سازی طبیعی و عینی:** مثلاً دریا به رنگ آبی و چمن به رنگ سبز رسم می‌شود.

۲. **استفاده از رنگ‌هایی که ناخودآگاه به ذهن می‌رسند و قانون خاصی ندارند.**

در مبحث هنر، رنگ به خودی خود وسیله پرقدرتی برای بیان و نشان دادن حالت‌های عمیق درونی است. نقاشی کودکان نمونه روشنی از ارائه رنگ‌های متنوع در سطح وسیع است. فقدان رنگ در تمام یا قسمتی از موضوع نقاشی کودکان نشانگر خلأ عاطفی یا گاهی دلیل بر گرایش‌های ضداجتماعی اوست.

کودکان سازگار در نقاشی‌های خود از رنگ‌های متنوع و بیشتری استفاده می‌کنند، در حالی که کودکان گوشه‌گیر یا آنها که ارتباط با دنیای خارج را دوست ندارند، رنگ‌های کمتر و کم‌تنوع‌تر را به کار می‌برند. رنگ‌های گرم تحریک‌کننده سبب فعالیت، جنب‌وجوش و الهام‌دهنده روشنی، شادی زندگی و مولد حرکت می‌شوند، در حالی که رنگ‌های سرد موجب حالت‌های انفعالی، سکون، بی‌حرکتی و تلقین‌کننده غم و اندوه هستند.

تماشای رنگ‌های گرم میزان ضربان قلب را تشدید می‌کند و برای فضاهای پرهیجان کاربرد دارد. در میان رنگ‌های گرم، رنگ قرمز به‌قدری نافذ و سریع‌الحرکت است که از هر رنگ دیگری زودتر به چشم می‌خورد.

رنگ‌های دنیای کودکان

دنیای محمدزاده دوگانه
دانشجوی کارشناسی ارشد
آموزش و پرورش پیش دبستانی

سبب روح هیجانی که در این رنگ نهفته است کودک را از حالت آرام خارج می‌سازد و به جنب و جوش و ناآرامی می‌کشاند و از تمرکز او جلوگیری می‌کند. لذا بهتر است از رنگ قرمز در فضای کلاسی استفاده نشود اما می‌توان از این رنگ در محیط‌های بازی، نمایش و ورزش استفاده کرد.

● رنگ زرد

در میان رنگ‌ها، زرد بالاترین بازتابش را دارد و محرک فکر است. این رنگ نماد طبیعی آگاهی و روشنی است و روی ضمیر انسان، خلاقیت و مثبت‌اندیشی او اثر می‌گذارد به طوری که مثبت بودن را تداعی می‌کند. زرد نماد سرعت و به‌ویژه سرعت تفکر و تصمیم‌گیری در ارتباط است و تمرکز حواس را بالا می‌برد. استفاده از رنگ زرد در دکوراسیون داخلی فضا را روشن و شاد می‌سازد ولی مشاوران و مددکاران اجتماعی که سروکارشان با کسانی است که از لحاظ احساسی آسیب‌پذیرند باید در انتخاب این رنگ با احتیاط عمل کنند؛ زیرا این رنگ هم برای احساسات خوب و هم برای احساسات بد بسیار تحریک‌کننده است. لازم به ذکر است که طراحان اتاق‌های آموزشی هم از این امر مستثنی نیستند و باید در انتخاب رنگ فضای آموزشی توجه لازم را داشته باشند.

● رنگ نارنجی

رنگ نارنجی مخلوطی از قرمز و زرد است و گفته شده شوق را با استعداد ترکیب می‌کند. در ضمن رنگ یادگیری، قضاوت، پذیرش یا رد مطلب هم هست. نارنجی احساسات متلاطم و هیجانی را تسکین می‌دهد و برای رسیدن به آرامش بسیار مؤثر است چرا که قسمت زرد آن با خنثی کردن انرژی و هیجان رنگ قرمز، اجرای این فرایند را به صورت عقلانی و منطقی تضمین می‌کند.
رنگ نارنجی به دلیل اینکه رنگی زنده و

قوی

است بهتر است

با رنگ‌هایی همچون رسی

یا زردآلویی مخلوط شود تا کلاس را از حالت پرتنش خارج و به محیطی آرام و دوستانه‌تر تبدیل کند.

استفاده از این رنگ در فضاهای آموزشی بسیار ایده‌آل است چرا که از یک طرف دانش‌آموزان را سرزنده، نیروبخش، گرم و آرامش‌طلب می‌کند و از طرف دیگر از خواب‌آلودگی و بی‌علاقگی کودک به یادگیری، خصوصاً در ساعات اولیه صبح جلوگیری می‌کند.

● رنگ سبز

رنگ سبز می‌تواند در دوران ساختار روان‌شناختی ما تعادل ایجاد کند و در بین همه رنگ‌ها از همه آنها خوشایندتر است؛ زیرا چشم برای تمرکز کردن روی آن هیچ نیازی به تنظیم شبکه ندارد. روان‌شناسان بر این عقیده‌اند که سبز حالتی از نگرش ذهنی مثبت را ایجاد می‌کند و چون با رنگ‌های طبیعت بیشتر سروکار دارد احساس ثبات و امنیت را در ما تقویت می‌کند.

سبز رنگی فرعی است که از ترکیب دو رنگ متضاد زرد و آبی به دست می‌آید. این رنگ چون با طبیعت در ارتباط است، رنگی متعادل محسوب می‌شود و به اتاق و کسانی که در آن فضا قرار دارند آرامش متعادلی می‌دهد. اگر سبز را با انواع کرم و سفید مخلوط کنیم و در رنگ‌آمیزی اتاق و فضای آموزشی به کار ببریم، فضای آرام‌بخش و تفکرآمیزی خواهیم داشت که اگر با رنگ قرمز ترکیب شود، به شکوفایی خلاقیت افراد در آن فضا کمک می‌کند و از خود ترکیبی قوی می‌سازد.

رنگ آبی با رنگ سبز ترکیبی دلنشین و هماهنگ دارند و به کلاس فضایی متعادل و آرام می‌بخشد و به تقویت تمرکز افراد

می‌انجامد که

برای اتاق‌های مطالعه

بسیار ایده‌آل است.

● رنگ آبی

آبی یکی از رنگ‌های اصلی است که به رنگ حقیقت شهرت دارد. این رنگ نشانگر ذهن عالی و هوش سرشار است و با احساسات و معنویت ارتباط دارد. این رنگ آرامش‌بخش و تسلی‌دهنده است. از آن‌جا که رنگ آبی کیفیتی سرد و رسمی دارد، فضا را به آرامش می‌کشاند و البته از حالت دوستانه و گرمی‌بخش دور می‌کند لذا بهتر است در فضاهای آموزشی این رنگ را با تلفیق رنگ‌های دیگر استفاده کرد. شایان ذکر است که بدانیم غریزه ایجاد هارمونی و هماهنگی در استفاده از رنگ‌ها هدیه‌ای است که در برخی افراد از بدو تولد به‌طور ذاتی نهاده شده است؛ ولی کسانی که از این خصوصیت برخوردار نیستند هم می‌توانند قوانینی را در خصوص مدیریت رنگ‌ها بیاموزند و به کار گیرند. برای مثال سایه‌ها، توناژها و تهرنگ‌ها به دلیل ارتباط تصویری طبیعی‌شان در کنار هم می‌نشینند و قوانین ساده‌ای را به وجود می‌آورند که می‌توان آنها را با هم مخلوط و هماهنگ کرد.

دنیای رنگ‌ها آنقدر وسیع و پرجاذبه است که مورد توجه و استفاده همگان قرار می‌گیرد.

منابع

۱. رستمی، مروارید؛ آنچه که از معماری برای کودکان می‌سازیم، ۱۳۸۸.
۲. جاناناتان دلی و لسلای تایلور؛ روان‌شناسی رنگ‌ها، ترجمه مهدی گنجی، تهران، ۱۳۸۳.

کلیدواژه‌ها: هنر، زبان کودک، نقاشی.

مقدمه

انسان چه بر کرده خود آگاه باشد و چه ناآگاه، طالب زیبایی است. کسی که محیط کار یا زندگی اش را به محیطی دلپذیر، منظم و آراسته تبدیل می کند، مادری که با وسواس زیاد در صدد انتخاب لباس با طرح، رنگ و شکل مناسب و دلخواه کودک خود است، همه به نوعی هنرمندند؛ چه بدانند و چه ندانند. خلقت پر از جلوه‌های هنری است؛ رعد و برق، باران، برف، جویبارها، گل و گیاه، پرندگان و آوازهای زیبایشان و... انسان نیز به جهت ذات انسانی خود به طرف آن تمایل داد و چون ماهیتاً شوق و ذوق، کنجکاو، ابداع، ابتکار و خلاقیت دارد، این دو را در هم آمیخته و صاحب انواع مختلفی از جلوه‌های هنر، اعم از دو بعدی و سه بعدی یا تصویری و صوتی می شود که با افزایش کمال خود، آنها را کامل تر و متنوع تر می کند. همه ما خلقت هنرمندانه‌ای داریم و به این دلیل به انواع و اقسام جلوه‌های هنری تمایل داریم. نه اینکه فقط تمایل داشته باشیم، بلکه برای آرایش مطبوع و آرامش مطلوب زندگی و غنای هر چه بیشتر آن به هنر نیازمندیم. (جان لنکستر، ۱۳۷۱)

پس، هنر زمینه‌ای است که جاذبه خاصی در انسان‌ها و بالخصوص در کودکان ایجاد می کند؛ بنابراین وجودش در مدارس برای آشناسازی کودکان با انواع مختلف کارهای هنری و مهم‌تر از آن، ایجاد دید و بینش هنری از جانب آنان ضروری و به حق مورد توجه همه نظام‌های تربیتی دنیا از جمله نظام تربیتی در کشور ایران به عنوان یک ماده درسی است.

هنر برای کودکان جلوه دیگری نیز دارد. کار هنری برای کودکان نوعی بازی است. ولی بازی‌ای که خود ویژگی‌های بسیار ظریفی دارد که نباید از آن غافل بود. نقاشی، طراحی و موسیقی به کودکان کمک می کند تا خودشان را ابراز کنند. برای مثال، رنگ و تصویر بیش از هر چیز، ذهن بچه را متوجه خود می کند و در عین حال وسیله‌ای است که کودک بیش از هر چیز می تواند دست به خلق آن بزند. برای درک رنگ و تصویر کفایت چشم ببیند و برای خلق آن کافی است که کودک دست در رنگ کند و آن را بر در و دیوار یا هر چه که دم دست او باشد و حتی سر و صورت و لباس خود بمالد. کودک تجربه و طرز فکر خود را از روی واقعیت، با شکل‌ها و رنگ‌ها بیان می کند که نشان دهنده دید اوست. در حقیقت، نقاشی زبان کودک است. به همین دلیل است که روان‌شناسان

کودک برای درک دنیای کودکان از نقاشی‌های آنان بهره می گیرند.

الیور فراری

روان‌شناس در

«کتاب نقاشی کودکان و مفاهیم

آن» در این باره می گوید: «در نقاشی همانند خواب و رؤیا، کودک خود را از ممنوعیت‌ها رها می سازد و با ما در حالتی ناخودآگاهانه، درباره مسائل، کشفیات و دلهره‌هایش صحبت می کند.» (محمد اسماعیل، ۱۳۸۶)

در ایران، غالباً معلمان و والدین پیشرفت هنری سال‌های اولیه کودکان را مهم تلقی نمی کنند. آنها کار کودکان را صرفاً رنگ مالی یا ایجاد توده بی‌شکلی از گل رس می دانند و تصور می شود که کودک خردسال قادر نیست از مفاهیم هنر

پایه چیزی کسب کند. بنابراین، آموزش کودکان خردسال به کسانی واگذار می شود که تجربه آنها در هنر کم یا هیچ است. تحقیقات نشان داده است که سه تا پنج سالگی از حیاتی‌ترین و پر بارترین دوره‌ها در پیشرفت خلاقانه کودک هستند.

کودکان خردسال با آزمون ابزار و تصوراتشان، به‌طور خودانگیزه کار می کنند. شکل‌هایی که کودکان می سازند، برای بزرگسالان قابل تشخیص نیستند اما برای خود آنها مفاهیمی دارند. کودک در این سن معمولاً توجه نمی کند که چه چیزی ساخته است. او موقعی که نقاشی می کند یا مجسمه می سازد با تجربیات زندگی می کند و آنچه در آخر خلق می کند مثل آخرین کادری است که از یک فیلم می بینیم. تنوع و غنای تجربی کار تمام



محدثه تقی نژاد

کارشناس ارشد پیش از دبستان

او هم یک هنرمند است

شده نسبت به آنچه کودک در مرحله کار کسب کرده، کمتر است کودکان رنگ‌ها را کشف می کنند، و هنگامی که می بینند رنگ جدیدی را به تنهایی ساخته‌اند، ماجرای واقعی می شود. (پیکرینگ، ۱۳۸۶)

هر کودکی ابزار و مواد را به شیوه خاص خود به کار می برد. وقتی کودک تشویق شود که به شیوه خاص خود کار کند مستقل بار خواهد آمد. در نتیجه نه تنها

مهارت‌هایی مانند دقت و کشیدن تصویر است یا کمک‌رسانی به کودک که شیوه خاص خود را روی کاغذ پیاده کند یا آنچه را می‌بیند و حس می‌کند با گل رس به شکلی درآورد؟

اساس رشد کودک در هنر این است که به او فرصت اکتشاف داده شود و برای کشف تشویق شود. ممکن است آنچه کودک نقاشی می‌کند، شکل می‌دهد یا می‌سازد، برای دیگران قابل تشخیص نباشد یا طبق معیارهای بزرگسالان «تمام شده» به نظر نیاید. در حقیقت، کودک احتمالاً هیچ‌وقت به دنبال نتیجه «تمام شده» نبوده است اما بر آنچه ساخته، تمرکز کرده و از رضایتی که از توانایی انجام دادن آن کار به دست آورده، لذت برده است. آنچه برای کودک اهمیت دارد، روند کار است نه نتیجه نهایی آن.

این اصل است که به خردسالان فرصت بدهیم و آنها را برای بیان آزادانه اندیشه و احساسشان تشویق کنیم. پذیرش کار خلاقه کودک و احترام گذاشتن به آن نیز یک اصل است. کودکان مشتاق‌اند که رضایت والدین خود، معلمان و بزرگسالان دیگری را که نزدیکشان هستند، جلب کنند. آن زمان که کودک احساس کند کاری که انجام می‌دهد مورد توجه نیست، تمایل به انجام دادن کاری پیدا می‌کند که به نظر او پذیرفته خواهد شد. کودکان خردسال آنچه را می‌شناسند یا حس می‌کنند، نقاشی می‌کنند و شکل می‌دهند.

آموزش فنون در موارد لزوم نیز اصل است. برای مثال، کودک می‌خواهد دو قطعه گل رس را به هم وصل کند، می‌توان به او نشان داد که اگر آن قسمت از گل رس‌ها را که به هم وصل کرده است با انگشتش بمالد تا هیچ

پیش می‌کند، نیروی خلاقه‌اش را توسعه می‌دهد. او کشف می‌کند که می‌تواند اندیشه و احساسش را با مواد موجود بیان کند.

تجربه اصلی کودک با مواد هنری مانند رنگ یا گل رس هنگامی شروع می‌شود که بتواند به طور سازنده با آنها کار کند. البته، این بدان معنی نیست که پیشرفت او همانند اغلب بزرگسالان خواهد بود. به طور مثال، ممکن است فقط از گذاشتن رنگ روی کاغذ یا مخلوط رنگ‌ها برای ساختن رنگ‌های جدید یا از فشردن گل بین انگشتان لذت ببرد. مهم است که به خاطر بسپاریم که این کار برای او ماجرای جدیدی است و این حرکات ظاهراً اتفاقی کشفیات مهمی هستند.

بزرگسالان اغلب می‌پرسند: «چه

موقع باید اصول آموخته

شوند؟» باید از آنها

پرسید که منظور

شما از اصول

چیست؟ آیا

منظور شما

فقط

درخواست کمک کمتری می‌کند، بلکه قادر می‌شود آسان‌تر شروع کند و کمتر گیج شود. و هر چه با اطمینان و مجذوبیت بیشتری کار کند، افکارش آزادانه‌تر سیر خواهد کرد.

هیچ‌الگوی دقیقی برای پیشرفت در هر سنی وجود ندارد. هیچ‌گاه تمام سه ساله‌ها مشابه هم و چهار ساله‌ها کاملاً متفاوت با هم نیستند. تقریباً در هر کودکی روندی آشکار و تدریجی از اولین کشف آزمایشی تا تسلط بیشتر در کنترل ماده و بیان به چشم می‌خورد.

تصوری که معمولاً بزرگسالان از هنر دارند، این است که تابلویی رنگ‌آمیزی شده با مجسمه‌ای ساخته شود. در واقع، وقتی کودک هنگام ساختمان‌سازی با مکعب ترکیبات جدید و جالبی به وجود می‌آورد یا وقتی اشیایی از قبیل صدف، بلوط یا ریگ و شن را به صورت

طرحی درست یا

پس و



شکافی معلوم نباشد آن گاه آن دو قطعه به هم می چسبند. فنون به تنهایی ارزش ندارند. اگر پیش از نیاز تدریس شوند، جز اینکه او را گیج کنند، هیچ مفهومی برای او ندارند. کودک همان طور که راه رفتن را می آموزد، نقاشی، مجسمه سازی و ساختن را نیز یاد می گیرد.

در حقیقت کودکی خوشبخت است که والدین و معلمانش همان طور که با جرئت و روزی او در سخن گفتن شاد می شوند، از هر گام رو به جلویش در زبان هنر نیز مسرور شوند. این درک را بزرگسالان چگونه به دست می آورند؟ نخست آنها می توانند کودک را هنگام کار در نظر بگیرند. مجذوبیت، توجه و لذت او در کار به همان اندازه کلمات یا کار تمام شده گویاست. روش دیگر تشویق کودکان شرکت جستن در تجربیات آنهاست. آنها می توانند با کمک به کودک در حاضر کردن وسایلش شروع کنند. اگر کودک

درخواست کمک کند، ممکن است نیازش همان چیز به خصوصی نباشد که می خواهد. شاید در آن زمان خاص او تنها می خواهد از طریق جلب توجه دلگرم شود. گاهی به دلایلی ممکن است کودک احساس کند که باید خود را با معیارهای بزرگسال وفق دهد که در این صورت می پرسد: «چه بکشم؟» در این گونه مواقع، بزرگسال نباید احساس الزام کند و بگوید که درخت، سیب، خانه، قایق یا هر چیز دیگری.

در اینجا مسئله اصلی بازگرداندن اعتماد به نفس اوست. اطمینان و اعتماد کودک به توانایی اش در انجام دادن مسئولیتها در حد خود به او کمک می کند که احساس کند کارش ارزش واقعی دارد. (بلاند، ۱۳۸۶)

ارزشیابی کارهای هنری کودکان

در حوزه تربیت هنری، پذیرش معقول و منطقی آثار و تولیدات هنری کودکان حائز اهمیت فراوان است. اگر معلم یا والدین نسبت به عملکرد کودک بسیار حساس یا کاملاً انتقادکننده باشند، در آن صورت محتمل است که کودک خواهان مشارکت در هیچ یک از فعالیتها و رفتارهای هنرمندانه نباشد. به جای چنین رویکردی به فعالیت هنری کودک، پذیرش منصفانه تلاش هنری دانش آموز باید مورد توجه قرار گیرد. در واقع خود تجربه هنری به

منزله پاداشی برای تلاش خلاقانه و هنری است. اگر معلم یا والدین بیش از حد بر ستایش از کار کودک تأکید کنند و کودک هم فقط در طلب این تأیید و تشویق باشد، فرایند خلاقیت آسیب می بیند. ستایش و پاداشی که به سادگی به دست می آید، تلاشی اصیل و بدیع را خنثی می کند. در عین حال، اگر کار صادفانه دانش آموز تشویق نشود یا به آن پاداشی تعلق نگیرد، ممکن است او احساس یأس و ناامیدی کند و در جستجوی راهی مطمئن برای جلب پاداش باشد. از بهترین شیوه های ارزشیابی هنری که برای کودکان می تواند مورد استفاده قرار گیرد، پوشه کارهای هنری است. این ابزار که در بر گیرنده مجموعه ای از آثار هنری هر کودک در فاصله زمانی نسبتاً طولانی است، نشان می دهد که تلاش های کودک با استفاده از رسانه های مختلف بوده است، همچنین میزان موفقیت و پیشرفت کودک را در تسلط بر مهارت ها و فنون هنری مختلف به نمایش می گذارد. (امینی، ۱۳۸۳)

پی نوشت

1. portfolio

منابع

۱. کوپر بلاند، جین؛ آموزش نقاشی برای خردسالان ۳ تا ۵ ساله، مترجم: مرضیه قره داغی قرقشه، تهران، دنیای نو، ۱۳۷۳.
۲. امینی، محمد؛ تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش، تهران، آبیژ، ۱۳۸۳.
۳. پیکرینگ، جان؛ مبانی هنرهای تجسمی کودکان، مترجم: مرضیه قره داغی قرقشه، تهران، نشر دنیای نو، ۱۳۸۶.
۴. محمداسماعیل، علیرضا؛ نقاشی، زبان کودک، تهران، پساوولی، ۱۳۸۶.
۵. لنکستر، جان؛ هنر در مدرسه، مترجم: میرمحمد سیدعباسزاده، تهران، مدرسه، ۱۳۷۳.
۶. فراری، آنا الیوریو، نقاشی کودکان و مفاهیم آن، ترجمه عبدالرضا صرافان، دستان، تهران، ۱۳۸۷.

روان شناسان
 کودک برای درک
 دنیای کودکان از
 نقاشی های آنان بهره
 می گیرند

اساس
 رشد کودک در هنر
 این است که به او فرصت
 اکتشاف داده شود و برای
 کشف تشویق شود



نخستین واحد اجتماعی که کودکان و نوجوانان با آن روبه‌رو می‌شوند، خانواده است. سال‌های اولیه کودکی سال‌های شکل‌گیری شخصیت کودک است؛ به همین دلیل خانواده نقشی اصلی و سازنده را در تکوین شخصیت آینده کودک و نوجوان به عهده دارد. بر این اساس، تزلزل پایه‌های خانواده پیامدهای مخربی دارد و فرزندان به منزله اولین قربانیان این پیامدها دچار آسیب‌های روان‌شناختی بسیار می‌شوند. یکی از مؤلفه‌های متزلزل‌کننده پایه‌های خانواده، طلاق است. وقتی زنجیری گسیخته می‌شود دو تکه جدا شده را باز می‌توان زنجیر نامید؛ هر چند که به بلندی زنجیر اولیه نیستند. البته حلقه‌ای که رابط این دو تکه زنجیر بوده است، از بین می‌رود و دیگر نمی‌توان آن را زنجیر نامید. هنگامی که طلاق رخ می‌دهد، زنجیر خانواده گسیخته می‌شود. به این ترتیب، پدر و مادر هر دو افرادی مستقل خواهند بود ولی آنچه دیگر نامی ندارد و بی‌پناه و متزلزل است، فرزند یا فرزندان هستند که حتی اگر زیر حمایت یکی از دو تکه زنجیر هم قرار گیرند، باز حلقه‌ای گسسته به شمار می‌آیند و اغلب دچار جراحات عاطفی می‌شوند و موجبات خسران اجتماعی را فراهم می‌سازند.



فاطمه رجبی

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش و پرورش پیش‌دبستانی

طلاق و تأثیر آن بر فرزندان

کلیدواژه‌ها: طلاق، والدین، سازگاری، خانواده

درک کودک از مفهوم طلاق

درک اینکه چرا پدر و مادر نمی‌توانند با هم باشند، برای کودکان خیلی دشوار است. خردسالان که برای امنیت و بقا به والدینشان وابسته هستند، نمی‌توانند خود را از آنها جدا ببینند. ممکن است به خواهر، برادر یا دوستان خود بگویند که نخواهند گذاشت مادر و پدرشان آنها را تنها بگذارند. معمولاً برای آنها این سؤال پیش می‌آید که چرا مامان یا بابا فقط برای اینکه با هم دعوا کرده‌اند می‌خواهند از پیش آنها بروند. آنها نمی‌توانند درک کنند که یک مشاجره چطور باعث می‌شود که والدینشان یکدیگر را ترک کنند و او را تنها بگذارند. کودکان هنگام مشاجره والدین سرگردان می‌مانند و نمی‌دانند چگونه باید رفتار کنند و جانب کدام والد را بگیرند یا چه کاری انجام دهند که هر دوی آنها را راضی نگه دارند. البته این برای یک کودک بار بسیار سنگینی است.

اغلب کودکان باور دارند که والدینشان دوباره نزد یکدیگر باز می‌گردند یا آرزو می‌کنند که چنین شود. آنها به دلیل توانایی محدودشان در تصور آینده، به هر موضوعی که به نظرشان واقعی می‌رسد، می‌پردازند. حتی کودکانی که مورد آزار والدینشان قرار گرفته یا شاهد کودک‌آزاری بوده‌اند، ممکن است آرزو کنند والدینشان با یکدیگر باقی بمانند. کودکان صرف نظر از وضعیت به



والدین به وجود آمده، ممکن است مانع رفتن کودکان به دانشگاه و به دنبال آن، کاهش دستاوردهای شغلی و حقوقی آنان در بزرگسالی شود.
 ۲. کودکانی که در معرض الگوهای ضعیف روابط بین فردی والدین بوده‌اند، ممکن است در برقراری روابطی باثبات، راضی کننده و نزدیک، در بزرگسالی دچار مشکل شوند (آمانو، ۱۳۸۰).

واکنش کودکان، پس از طلاق ۳-۵ سالگی

واکنش کودکان در سنین پیش از دبستان (۳-۵ سالگی) به صورت خشم و افسردگی نمایان می‌شود. پسرها معمولاً ناآرام‌تر، خشن‌تر و شیطان‌تر می‌شوند. در بعضی موارد به اندازه گذشته، به بازی با کودکان دیگر شوق نشان نمی‌دهند و اغلب ترجیح می‌دهند تنها باشند. چنانچه در مهد کودک به سر برند، به جای همکاری، به هنگام بازی دسته‌جمعی سعی می‌کنند اخلاص و بی‌نظمی ایجاد کنند. بعضی از دخترهای کمتر از هفت سال عصبی می‌شوند اما برخی دیگر رفتار بزرگ‌ترها را در پیش می‌گیرند. این گونه کودکان کمال طلب بیش از حد مراقب رفتار و پاکیزگی هستند و ضمناً کودکان دیگر را مثل پدر و مادر یا معلم سرزنش می‌کنند یا پند و اندرز می‌دهند. کودکان این سن و سال اغلب غمگین و افسرده به نظر می‌رسند، زود به گریه می‌افتند و زیاده‌طلب می‌شوند (تایبر، ۱۳۶۹).

۶-۸ سالگی

به‌طور معمول، کودکان طلاق در سنین ۶-۸ رفتارهایی از خود بروز می‌دهند؛ مثلاً احساس می‌کنند که والدین نقش عمدی و جدی در جا گذاشتن آنها داشته‌اند و احساس تنفر به آنها دست می‌دهد. ممکن است داستان‌هایی درباره والد غایب درست کنند و زمانی که در کنار یکی از والدین می‌مانند، برای دیگری دلتنگ می‌شوند و به دفاع از یکی از والدین می‌پردازند. ممکن است از دردهای معده یا سردرد شکایت کنند، هر ناراحتی و غمی را انکار کنند و ادعا کنند که همه چیز خوب است. نیز ممکن است از الگوهای ناسالم مثل دروغ، دزدی و پرخاشگری تقلید کنند. در این سنین کودکان تمایل شدیدی دارند تا دوباره والدین را با هم پیوند دهند.

چگونگی کاهش صدمات ناشی از طلاق

طلاق اگرچه در شرایطی تجویز شده است گذشته از آنکه مقید به شروط سنگینی است، آن را به‌عنوان آخرین دارو شناخته‌اند تا از بروز مفسدهای زبان‌بارتر جلوگیری شود و این قانون با قدرت قانون به زندانی تبدیل نگردد که افراد آن پای در بند باشند (فرجاد، ۱۳۷۲).

وجود آمده، پیوند عمیق و حس وفاداری زیادی نسبت به والدینشان پیدا می‌کنند (ژوبرت و گای، ۱۳۸۳). آنها برخلاف والدینشان با این باور که در موقعیت آنها طلاق کار درستی بوده است، تسکین نمی‌یابند و امیدوار نیستند که زندگی پس از جدایی برایشان بهتر باشد. پیش‌بینی واکنش کودکان نسبت به طلاق غیرممکن است و حتی پس از مشاهده واکنش همیشه معنای واکنش آنها را نمی‌توان درک کرد.

کودکان کوچک‌تر مسائل را از نگاه خود می‌بینند و خود را علت رویدادها می‌دانند. به همین دلیل است که در برخورد با علت جدایی و طلاق والدینشان اغلب خود را سرزنش می‌کنند یا دلایل خیالی می‌سازند. بسیاری از کودکان به خود می‌گویند: «اگر رفتارم بهتر بود یا به مامان و بابا کمک کرده بودم که بهتر در کنار هم بمانند، آنها هنوز هم با هم بودند.» این کودکان ممکن است تصور کنند والدینشان از پیش آنان می‌روند و هرگز باز نخواهند گشت. آنها فکر می‌کنند در جهان تنها کسی هستند که چنین احساسی دارند؛ در عین حال از بیان این مسئله نیز بسیار می‌هراسند (ژوبرت و گای، ۱۳۸۳).

تأثیر طلاق بر فرزندان

ضعیف‌ترین و اصلی‌ترین قربانیان طلاق فرزندان هستند و نخستین آسیب طلاق روی آنها تأثیر می‌گذارد. اکثر کودکان طلاق احساس اندوه، خشم، ترس و گناه می‌کنند. به همین دلیل است که سال‌ها بعد نیز از جدایی والدین خود به مثابه مخرب‌ترین رویداد کودکی و شاید هم زندگی‌شان یاد می‌کنند.

اثر طلاق بر فرزندان متعلق به یک کانون از هم پاشیده بسیار شدید است و عقده‌هایی تحمل‌ناپذیر و توأم با نفرت در آنان به‌وجود می‌آورد که شدیدتر از وضع یتیمی است. (فرجاد، ۱۳۷۲).

طلاق والدین عامل خطری است که در دوره بزرگسالی کودکان مشکلات متعددی ایجاد می‌کند. این مشکلات عبارت‌اند از: دستاوردهای اقتصادی- اجتماعی پایین، سلامت روانی ضعیف، افزایش مشکلات زناشویی و احتمال طلاق در زندگی زناشویی آینده آنها. به نظر می‌رسد دو مکانیزم در بروز این مشکلات در بزرگسالی نقش داشته باشند:

۱. فشار اقتصادی که به واسطه طلاق



خلاص می‌شوند و به نیاز کودک برای ادامه دادن رابطه با والد جدا شده توجه می‌کنند، کودکان بهتر سازگار می‌شوند. پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها و سایر اعضای خانواده با جانب‌داری نکردن، می‌توانند به این امر کمک کنند (تیلور، ۱۹۹۲).

میانجیگری طلاق: آگاهی از این امر که طلاق برای کودکان و خانواده‌ها بسیار استرس‌زاست، به مداخله‌هایی می‌انجامد که هدف آنها کمک به خانواده‌ها در این دوران دشوار است. میانجیگری طلاق شامل ملاقات‌هایی بین والدین مطلقه و یک فرد یا متخصص باتجربه است که تلاش می‌شود به والدین کمک کند تا اختلافاتی نظیر تقسیم اموال و سرپرستی کودک و... را حل کنند. در واقع این مداخله‌ها می‌تواند از دعوای والدین جلوگیری کند (برک، ۱۳۸۶).

عوامل تعدیل سازگاری: برخی از عوامل، سرعت و میزان سازگاری را در کودکان تعدیل می‌کنند. این عوامل حمایتی عبارت‌اند از: استفاده از مهارت‌های مقابله‌ای فعال نظیر حل مسئله، جلب حمایت اجتماعی (حمایت خانواده و دوستان) و دسترسی به تداخلات درمانی (آماتو، ۱۸۰).

البته نباید فراموش کرد که طلاق یک فاجعه است اما اگر تنها راه موجود باشد، والدین وظیفه دارند آثار مخرب آن را به حداقل برسانند و اگر نتوانستند فضای مطلوب و شادی‌بخش خانوادگی را برای فرزندان نشان فراهم کنند، دست کم یاد بگیرند که چگونه آنان را از صدمات ناشی از طلاق در امان دارند. توصیه‌های زیر می‌توانند در کاهش صدمات ناشی از طلاق مؤثر باشند.

بهتر است کودکان از تعارض دور نگه داشته شوند: مشاهده تعارض شدید والدین، برای کودکان بسیار توان‌فرساست. اگر یکی از والدین بر ابراز خصومت اصرار ورزد، چنانچه والد دیگر عیناً پاسخ ندهد، کودکان بهتر با آن سر می‌کنند. والدین نباید در حضور فرزندان با یکدیگر مشاجره کنند.

تا حد امکان وضعیت زندگی کودکان با ثبات باشد: در صورتی که زندگی کودکان با ثبات باشد، مثلاً مدرسه، اتاق خواب و برنامه روزانه آنها تغییر نکند، در مدتی که طلاق روی می‌دهد، بهتر می‌توانند خود را سازگار کنند.

طلاق برای کودکان توضیح داده شود و به آنها گفته شود چه انتظاری از آنها دارند: اگر کودکان برای جدایی والدینشان آماده نشده باشند، از متار که خیلی بیشتر به وحشت می‌افتند. باید به آنها گفته شود که مادر و پدرشان دیگر با هم زندگی نخواهند کرد، کدام یک از والدین آنها را ترک خواهد کرد و چه موقعی خواهند توانست آن والد را ببینند. اگر امکان آن وجود داشته باشد، پدر و مادر باید با هم طلاق را برای کودکان توضیح دهند. والدین باید دلیلی برای طلاق بیاورند که کودک بتواند آن را درک کند و به وی اطمینان دهند که او در این ماجرا تقصیری ندارد.

بر دائمی بودن طلاق تأکید شود: خیال‌پردازی درباره اینکه بالاخره یک روز والدین دوباره در کنار هم خواهند بود، به کودکان اجازه نمی‌دهد واقعیت زندگی فعلی خود را بپذیرند. باید به کودکان گفته شود که طلاق قطعی است و آنها نمی‌توانند برای تغییر دادن این واقعیت کاری انجام دهند.

به احساس‌های کودک از روی همدلی پاسخ داده شود: کودکان برای

احساس‌های غم، ترس و خشم خود به پاسخ‌های حمایت‌کننده و قابل فهم نیاز دارند. برای اینکه کودکان خوب سازگار شوند، باید به هیجان‌های عذاب‌آور آنها اعتنا کرد، نه اینکه آنها را نادیده گرفت یا از آنها اجتناب ورزید.

رابطه مستمر با هر دو والد ایجاد شود: زمانی که والدین از خصومت مداوم خود با همسر سابق

منابع

- آماتو، پل؛ پیامدهای طلاق برای کودکان و بزرگسالان، مترجم: روابط بین‌الملل انجمن اولیا و مربیان (مهناز محمدی زادگان). تهران، انجمن اولیا و مربیان. چاپ اول، ۱۳۸۰.
- برک، لورا ای؛ روان‌شناسی رشد (از لقاح تا کودکی). مترجم: یحیی سیدمحمدی. تهران، ارسباران. چاپ نهم، ۱۳۸۶.
- تایبر؛ بچه‌های طلاق. مترجم: توراندخت تمدن. تهران، روشنگران. چاپ اول، ۱۳۶۹.
- ژوبرت، ناتاشا و کاتلین گای؛ ترجمه فاطمه قدیری. نیاز فرزندان طلاق و جدایی. چاپ اول، تهران، دانژه، ۱۳۸۳.
- فرجاد، محمدحسین؛ آسیب‌شناسی اجتماعی، خانواده و طلاق، چاپ اول، تهران، منصوری، ۱۳۷۳.



اشاره

تشویق کودکان به مطالعه یکی از راه‌های شناخت احساسات و هیجانات آنهاست و همین امر در آینده کودک و نقش او در اجتماع تأثیر مثبتی خواهد داشت. انجمن روان‌شناسان آمریکا با تأکید بر ایجاد علاقه به مطالعه در کودکان از همان بدو تولد از سوی والدین، ایجاد این علاقه را راهی برای شناسایی بهتر کودک از خود می‌داند. آنها معتقدند کودکانی که بیشتر خود را می‌شناسند و درک عمیق‌تری از خود دارند، در آینده موفق‌تر خواهند بود. آنان با شناختن خود، مدیریت بیشتری روی احساسات و هیجاناتشان دارند و در نتیجه از سلامت روانی و جسمانی بهتر و گسترش روابط اجتماعی و میان‌فردی برخوردار خواهند بود و همین امر در آینده آنها نقش بسزایی خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: کودک، مطالعه، تصویر، تشویق.

تحقیقات ۳۰ سال گذشته نشان می‌دهد که ایجاد علاقه به مطالعه در کودکان به رشد اجتماعی و احساسی آنها منجر خواهد شد و آنها را در بزرگسالی از ۸۰ درصد آسیب‌های اجتماعی دور خواهد کرد.

کودکانی که تا ده سالگی هر روز مطالعه کنند، از لحاظ شخصیتی با کودکانی که مطالعه نداشته‌اند تفاوت دارند و از اعتماد به نفس و استقلال بیشتری برخوردارند. دایره لغات آنها از همسالان خود بیشتر است و همین امر سبب سخنوری آنها و احساس برتری در میان همسن‌وسال‌هایشان می‌شود.

مطالعه، افزایش قدرت انتقادپذیری، تشخیص هویت، شناسایی خوب از بد، مقابله با سختی‌ها، ارتقای احساسات و رویارویی با مشکلات را از همان بدو کودکی به طریقه منطقی به کودکان آموزش می‌دهد.

علاوه بر اینها، توجه و داشتن تمرکز، هوشیاری و داشتن اطلاعات زیاد در هر زمینه‌ای از دیگر پیامدهای مطالعه است. برخی والدین فکر می‌کنند علاقه به کتاب و مطالعه از زمانی آغاز می‌شود که کودک الفبا را می‌آموزد اما واقعیت این است که علاقه به مطالعه خیلی زودتر از این شکل می‌گیرد. خانواده به عنوان

شیرین برزین

عضو هیئت تحریریه



نهاد اولیهٔ تعلیم و تربیت، نقش بسیار مؤثری در گرایش کودکان به مطالعه دارد.

گرایش به مطالعه، مثل بسیاری از گرایش‌های اکتسابی دیگر، باید از همان دوران خردسالی (حدود دوازده تا چهارده ماهگی) در شخص به وجود بیاید. اگر نتوان در همان سنین خردسالی بذریه علاقه به کتاب و مطالعه را در وجود کودک کاشت، جبران آن در سال‌های بعد بسیار دشوار خواهد بود.

پایه‌های عادت به خواندن و مطالعه در خانه شکل می‌گیرد. اگر خانه فضای مساعدی برای مطالعه باشد، کار آموزشگاه و کتابخانه آسان‌تر می‌شود. فضای عمومی خانه، روش زندگی پدر و مادر و کار آگاهانهٔ آنها با کودک، بر نگرش او به کتاب و مطالعه تأثیر همه‌جانبه‌ای دارد. کودک خردسالی که از دو یا سه سالگی کتاب تصویری در دسترس دارد و برایش کتاب خوانده‌اند و قصه گفته‌اند، در حقیقت دانه‌های عادت‌ی پایدار را در او کاشته‌اند. وقتی کودک در خانه‌ای بزرگ می‌شود که همهٔ بزرگ‌ترها کتاب می‌خوانند و دربارهٔ کتاب گفت‌وگو می‌کنند، کودک با فضای

برانگیزانندهٔ مطالعه روبه‌روست.

پدر و مادر می‌توانند آگاهانه فضای کتاب‌خوانی را در خانه پررنگ‌تر کنند. آنان می‌توانند به‌طور منظم از همان خردسالی برای کودک خود کتاب بخوانند، روزنامه و نشریه بخردند و به خانه بیاورند و آنها را در خانه بخوانند و با کودکان دربارهٔ برخی مطالب جالب آنها گفت‌وگو کنند. بسیار خوب است که پدران و مادران برای کودکان کتاب بخردند و در مناسبت‌های گوناگون به آنها هدیه بدهند. پدران و مادران می‌توانند در هنگامی که خانواده در کنار هم هستند، گفت‌وگوهای علمی را پیش بکشند و دیدگاه بچه‌ها را دربارهٔ آنها جویا شوند و برای یافتن پاسخ، آنها را به سوی کتاب راهنمایی کنند. در خانواده‌هایی که پدر و مادر یا برادر و خواهرهای بزرگ‌تر اهل مطالعه‌اند، بچه‌ها با مشاهدهٔ آنان، خود به خود به مطالعه و روی آوردن به کتاب تشویق می‌شوند. مثلاً پدر و مادری که شب‌ها قبل از خواب، ساعتی را به مطالعه می‌گذرانند، بی‌آنکه حتی خود بخوانند، به تدریج شاهد خواهند بود که فرزند خردسالشان هم کتابی به دست می‌گیرد و به تقلید از آنها ولو به ظاهر، مشغول مطالعه می‌شود.

به همین سبب، از چهار پنج سالگی که احساس مالکیت در بچه‌ها قوی‌تر می‌شود، لازم است آنها

چگونه کودکان را به مطالعه

همراه ببرند. از این راه نیز از همان سنین پایین، انس و الفتی بین کودک و کتاب و کتابخانه ایجاد می‌شود (البته کتابخانه‌ها نیز باید بخشی جذاب و مستقل، مخصوص کودکان داشته باشند).

بچه‌ها را با تصویر به خواندن جذب کنید

شنیده‌ایم که «کتاب را نباید از روی جلد آن داوری کرد» اما واقعیت این است که بچه‌ها همیشه همین کار را می‌کنند! کودک نخستین ارزیابی خود را از کتاب با تصاویر آن انجام می‌دهد. بنابراین، بگذارید کودکان کتاب‌هایی پر از تصاویر چشمگیر و شگفت‌آور برگزینند؛ تصویری که آنها را به کاوش فراخواند. پیش از خواندن متن، کتاب را ورق بزنید و با تماشای تصاویر و سخن گفتن درباره آنها، به «گردش در تصاویر» بروید. این شیوه حتی بی‌تفاوت‌ترین خواننده را هم جذب خواهد کرد.

تأثیر تصاویر می‌تواند بیش از جذب کودک به یک کتاب باشد. تصاویر می‌توانند عشق به خواندن را برای تمام عمر در کودکان حفظ کنند. برای کودکان کم‌سن‌تر، تصاویر پیش‌درآمد ورود به دنیای کتاب‌اند. کودک مدت‌ها پیش از آنکه بتواند بخواند، به تصاویر واکنش نشان می‌دهد.

کتاب‌های تصویری تنها از آن خردسالان نیست. بچه‌های بزرگ‌تر هم بیشتر وقت‌ها به خواندن کتاب‌های تصویری بیش از کتاب‌های بی‌تصویر کشش دارند؛ زیرا آنها را جذاب‌تر و خواندنشان را آسان‌تر می‌یابند.

کتاب‌هایی از آن خود داشته باشند اما در تمیز و سالم نگه داشتن کتاب توسط آنان نباید وسواس زیاد به خرج داد و اصرار بیش از حد داشت. بلکه باید اجازه داد کتاب نیز مانند یک اسباب‌بازی مورد علاقه، مونس آنان در جاها و حالت‌های مختلف باشد؛ ولو آنکه کثیف، چروک یا پاره شود.

صحبت کردن صحیح و سلیس با کودکان نیز می‌تواند یکی از گام‌های اولیه در علاقه‌مند کردن کودکان به مطالعه باشد. یکی از متخصصان در این زمینه می‌گوید: «کودکانی که در بزرگی در شمار مطالعه‌کنندگان خوب و ماهر قرار می‌گیرند، بیشتر کسانی هستند که خوب فکر کردن، خوب گوش دادن، و خوب حرف زدن را در کودکی آموخته‌اند.»

کودکانی که حرف‌زدنشان پیشرفته‌تر است، اغلب در سال‌های اولیه دبستان، بهتر و راحت‌تر می‌توانند خواندن را شروع کنند. بنابراین، گوش سپردن صبورانه به حرف‌های بچه‌ها، اجازه سخن گفتن و ابراز وجود به آنان، و صحبت کردن با ایشان، یکی از راه‌های علاقه‌مند کردن آنان به مطالعه است.

بازی‌های توأم با کلام آهنگین نیز نقطه شروعی مطبوع برای علاقه‌مند کردن طفل به مطالعه است:

بچه‌ها از چهار پنج سالگی از کلام آهنگین لذت می‌برند؛ و داستان‌ها و کتاب‌هایی که چنین ویژگی‌ای دارند، برایشان بسیار دوست‌داشتنی هستند.

همراه با این کارها، پدر و مادر بهتر است هنگامی که به کتابخانه می‌روند، کودکشان را نیز



تشویق کنیم؟

از سه تا شش سالگی شما شاهد دگرگونی‌های زیادی در کودک خواهید بود؛ مثلاً از سه سالگی می‌توانید کتاب‌های تصویری داستانی را با کودکان سهیم شوید. از این سن، کودکان می‌توانند خط داستانی را دنبال کنند. سر و کار داشتن با کتاب در خانه و در مهدکودک کودکان را به کشف جهان پیرامون، شناخت و آشنایی با نام پدیده‌ها و اشیاء و در نتیجه دستیابی به گفتار پربارتر یاری می‌رساند.

تصاویر به بچه‌ها امکان می‌دهند که دنیای تخیلات خود را بکاوند و با شخصیت‌ها و رخدادهایی که در کتاب‌های تصویری می‌بینند، ارتباط برقرار کنند. کمک به برقراری ارتباط کودک با شخصیت‌ها و رویدادهای داستان، کتاب را در نظر وی واقعی‌تر می‌نمایاند.

تجربه نشان داده است که کودکان از همان سنین پایین، از تماشای تصاویر ساده‌ی مربوط به موجودات و اشیای آشنای اطرافشان لذت می‌برند. بنابراین، اگر در این دوران کتاب‌های مَصَوِّر رنگی - با خصوصیات گفته شده - در اختیار آنان قرار گیرد، به ورق زدن مکرر و تماشای تصاویر آن می‌پردازند و به این ترتیب، نخستین سنگ بنای آشنایی و الفت آنان با کتاب گذاشته می‌شود.

توضیح‌های ساده‌ای که از طرف پدر و مادر درباره‌ی این تصویرها داده می‌شود، به دانش خردسال نیز غنایی بیشتر می‌بخشد و باعث تسریع رشد فکری او می‌شود. به مرور می‌توان برای این تصاویر، داستان‌هایی کوتاه و سرگرم‌کننده ساخت و احتمالاً از خردسال خواست که آن داستان‌ها را بازگو کند یا او را واداشت که خود برای آن تصاویر، داستان یا داستان‌هایی بسازد و برای شما تعریف کند.

به تدریج که سن خردسال بالا می‌رود، می‌توان کتاب‌های دارای داستان مَصَوِّر را برای او خواند و در همین حین به او تلقین کرد که وقتی به مدرسه برود، خودش می‌تواند نوشته‌های

هر چه برای کودک خود در سال‌های پیش از دبستان بیشتر کتاب بخوانید، او را در یادگیری سواد پایه توانا تر می‌کنید



کتاب‌ها را بخواند.

همچنین می‌توان با استفاده از سی‌دی‌ها و نوارهای ضبط صوتی که براساس داستان‌های شیرین، آموزنده و مناسب آن سنین توسط مؤسسات معتبر تهیه شده (نوار داستان‌ها، همراه با کتاب مربوط به آنها)، کودک را با کتاب الفت داد. به این ترتیب که همراه با سی‌دی یا نوار داستان، کتاب مذکور را هم در اختیار کودک گذاشت تا صحنه‌های داستان را هم‌زمان با گوش دادن به سی‌دی یا نوار، با ورق زدن کتاب مربوط به آن و تماشای تصاویرش بهتر محسوس کند.

هر چه برای کودک خود در سال‌های پیش از دبستان بیشتر کتاب بخوانید، او را در یادگیری سواد پایه توانا تر می‌سازید. درست همانند معجزه است؛ کودکی که در همه‌ی سال‌های پیش دبستانی خود شنونده و بیننده قصه‌ها و کتاب‌های داستانی بوده است، پس از یک دوره‌ی زمانی کوتاه که از ورودش به مدرسه می‌گذرد، به شکل اعجاب‌برانگیزی به خواننده‌ای توانمند بدل می‌شود. امتحان کنید!

چند رهنمود برای علاقه‌مند کردن کودکان پیش دبستان به کتاب خواندن

- در این سال‌ها، کودک به شنیدن قصه‌های شما نیازمند است. او دوست دارد در هر زمانی، به‌ویژه پیش از خواب، شنونده‌ی قصه باشد.
- قصه‌گویی و داستان‌خوانی اگر به روش درست انجام شود، کودک را به کتاب‌خوانی علاقه‌مند خواهد کرد.
- کتاب مناسبی را برگزینید و با صدای بلند بخوانید. به کودک فرصت دهید که او نیز از یافته‌های خود از کتاب با شما سخن گوید.
- کتابی را که دوست دارد، برای او بخوانید.
- پیش از خواندن برای او، یک بار خودتان آن کتاب را بخوانید تا بتوانید داستان را روان و زیبا برای او بازگو کنید.
- با او به کتاب‌فروشی یا کتابخانه بروید و از او بخواهید کتاب دلخواهش را برگزیند.
- برای هر برنامه‌ی کتابخوانی فعالیت‌های گوناگون هنری همچون نقاشی و نمایش تدارک ببینید. پس از خواندن کتاب، پرداختن به فعالیت‌هایی همچون نقاشی از برخی قسمت‌های داستان یا اجرای نمایشی از آن می‌تواند برای کودک لذت‌بخش باشد.
- کودک در این دوره بسیار کنجکاو است و پیوسته می‌خواهد جهان پیرامون خود را کشف کند. پس کتاب‌هایی را برگزینید که به کنجکاوی او پاسخ گوید.
- کودک در مرحله‌ی سنی پیش دبستانی تخیل بسیار بالایی دارد و داستان‌های فانتزی را به سبب تخیل نیرومندی که در آنها به کار رفته است، بسیار دوست دارد. برای پاسخ دادن به این نیاز کودک، کتاب‌های تصویری تخیلی مناسبی را برای خواندن برگزینید.

گوش دهند. داستان‌های ساده‌ای که مادرها و احیاناً مادر بزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها برای بچه‌ها تعریف می‌کنند، نیز وسیله دیگری در جلب آنان به کتاب و مطالعه است.

جمعی از کارشناسان معتقدند که کتاب‌خوانی برای بچه‌ها، منحصر به سنین خردسالی و زمانی نیست که بچه‌ها سواد خواندن و نوشتن ندارند بلکه این کار حتی تا حدود دوازده سالگی آنها می‌تواند ادامه یابد.

• **دفتر وقایع خواندن بسازید؛** بگذارید کودک صفحه‌های خالی کتابی را که می‌خواند، با استفاده از قسمت‌های مختلف داستان نقاشی کند و در صورت تمایل احساسش را از داستان بگوید و شما بنویسید.

• **آشپزی از روی دستور غذا؛** همراه با کودکان از روی دستور غذا آشپزی کنید. می‌توانید دستور غذایی را که کودک دوست دارد بنویسید یا از کتاب آشپزی استفاده کنید. از کودک بخواهید دستور غذا را به همراه شما بخواند. با هم به خرید بروید و مواد لازم برای تهیه غذا را فراهم کنید. سپس از روی دستور بخوانید و از کودک بخواهید در آماده کردن غذا به شما کمک کند.

• **گردش با کتاب؛** برای گردش در طبیعت و سفر از کتاب‌های راهنما و نقشه استفاده کنید. مثلاً اگر به جایی سفر می‌کنید که حیوانات در آن زندگی می‌کنند، کتاب ساده‌ای با خود ببرید که حیوانات منطقه را معرفی کند. کتاب باید جذاب باشد و کنجکاوی کودک را تحریک کند.

• **قصه‌گویی؛** برای کودک قصه‌ای قدیمی تعریف کنید. بعد از او بخواهید قصه را نقاشی کند. سپس برای تشویق کودک آن را به دیگر افراد خانواده نشان دهید.

• **نام‌گذاری اشیا؛** یکی از اتاق‌های خانه را انتخاب کنید. با همراهی کودک و وسایل موجود در اتاق نام‌گذاری کنید. برای این کار می‌توانید از برچسب استفاده کنید. به این ترتیب خواندن کلمه‌ها به مرور برای او به کاری ساده تبدیل خواهد شد.

• محیطی آرام برای کتاب‌خوانی فراهم کنید.
 • هر روز و در همه جا، پیش از خوابیدن، بعد از ظهر، در مطب پزشک یا اتوبوس کتاب بخوانید.

• از نوشته‌هایی که کودک را در کلاس، خانه، خیابان و فروشگاه‌ها محاصره کرده‌اند، بازی ترتیب دهید. همه این نوشته‌ها بهانه‌هایی برای خواندن هستند.

• درباره داستان و تصویرهای کتاب با کودک گفت‌وگو کنید.
 • به کودک فرصت دهید با تکرار بخش‌های تکرار شونده داستان یا حدس زدن قافیه شعرها شما را در خواندن همراهی کند. خواندن شعر و ترانه‌های عامیانه یا مثل‌ها باید بخشی از برنامه کتاب خواندن کودک باشد.

• از کتاب‌هایی که امکان سهیم شدن کودک را در خواندن فراهم می‌کنند، مانند کتاب‌هایی که در آنها بخش بیشتر داستان به کمک تصویرها بیان می‌شود، استفاده کنید.

• کتاب‌های مورد علاقه کودک را برایش بازخوانی کنید.
 • کودکان از به نمایش درآوردن داستان‌های آشنا لذت می‌برند. با در اختیار گذاشتن وسایل بی‌مصرف خانه امکان اجرای داستان را برای آنها فراهم کنید.

• بسیاری از کودکان از «خواندن مکرر» یک داستان لذت می‌برند. کودک را تشویق کنید که صفحات را ورق بزند یا حتی عبارت‌هایی را بخواند که بلد است: هر دوی شما می‌توانید با افزودن دیالوگ‌های جدید، صدهای متفاوت و اشارات مختلف به آن شاخ و برگ دهید.

• به آرامی بخوانید: در حین خواندن، سؤالاتی بپرسید و به پرسش‌های کودکان پاسخ دهید. به عکس‌ها اشاره کنید و در خصوص تصاویر کتاب بحث کنید. از کودک بپرسید: «فکر می‌کنی بعد از این چه اتفاقی خواهد افتاد؟» و از او بخواهید ماجراهای بعدی داستان را حدس بزند.

• نوار داستان‌های مورد علاقه کودک را در اختیارش قرار دهید. شنیدن چندبار داستان، تشخیص و تطبیق واژه‌های نوشته‌شده را با واژه‌هایی که می‌شنود، برایش امکان‌پذیر می‌کند.

هر پدر و مادری می‌تواند افزون بر راه‌های پیشنهادشده و با توجه به تجربه‌های خود و شناختی که از کودکش دارد دست به ابتکار بزند و روشی مناسب برای آشنا کردن کودک با خواندن بیابد اما شاید این پیشنهادها هم مفید باشند:

• **درست کردن کتاب؛** به کودک کمک کنید کتابی درست کند و در آن برای داستان یا رویدادهای قصه تصویر بکشد. ساختن کتاب حس آشنایی و نزدیکی با آن را در ذهن کودک تقویت می‌کند و باعث می‌شود کتاب دیگر برایش تنها یک شیء نباشد.

• **ساعت کتاب خواندن؛** هر روز هنگامی که همه خانواده دور هم جمع می‌شوند، برنامه کتاب‌خوانی بگذارید. برای تنوع می‌شود هر بار یکی از افراد خانواده یک بخش از کتاب را بخواند و دیگران

منابع

۱. انجمن روان‌پزشکی کودک و نوجوان ایران
<http://www.iacap.ir/modules.php?name=Content&pa=showpage&pid=25>
۲. <http://forum.4users.ir/Thread-7-%D9%86%DA%A9%D8%AA%D987>
۳. <http://preschooleducation.blogfa.com/>
۴. خبرگزاری کتاب ایران
<http://www.ibna.ir/vdcccimqsp2bqso8.ala2.html>
۵. [http://ketab.roshd.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=Report&CategoryID=79422bd8-](http://ketab.roshd.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=Report&CategoryID=79422bd8-6)
۶. <http://1farakav.com/2011/12/03/%D8%AF%D8%B1%D8%B3-%DA%A9%D9%88%D8%AF%DA%A9%D8%A7%D986-%child-and-school>
۷. <http://ketabak.org/tarvij/node/210>
۸. book for keeps march 1998 No. 109



اشاره

در شماره‌های قبل، مقالاتی را در رابطه با موضوع تأثیر متقابل فضا و مکان آموزش و زندگی بر تربیت انسان با عناوینی هم‌چون آبخوری و کلاس فرشتگان ملاحظه کردید. اینک، با نگاهی دیگر به همان موضوع و با الهام از طرح اصلاح معابر شهر برای سهولت در تردد شهروندان (اعم از پیاده و سواره) که به «اصلاح هندسی معابر» معروف است، عنوان تربیت هندسی را برگزیده‌ایم. به این معنی که شکل، هندسه و ابعاد فضاهای کالبدی بر روح و روان، جسم و تربیت انسان تأثیر می‌گذارند و در کنار عوامل و اضلاع هفت‌گانه تربیتی (وراثت، خانواده و...)، ضلع هشتم را تشکیل می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: فضای آموزشی، ارتباط انسانی، پرورش اخلاقی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد و در یادداشت این مقاله نیز آمده است، بدون شک، شکل و ابعاد فضاهای زیستی، آموزشی و... بر روح و جسم انسان اثر می‌گذارد و حتی بعضاً رفتارهای او را شکل می‌دهد. اگر به بناهای تاریخی و فضاهای عبادی (معابد بزرگ) بنگرید، ملاحظه می‌کنید که وقتی انسان در این فضاهای باشکوه قرار می‌گیرد، خود به خود احساس کوچکی می‌کند و در مقابل عظمت بنا، که در حقیقت برای او یادآور قداست پروردگار جهان است، سر تعظیم فرود می‌آورد.

اینک با تأکید از شارع

مقدس اسلام بر رعایت سادگی در بناهای مذهبی، به‌گونه‌ای که عابد را از تمرکز بر پرستش معبود غافل نکند و او را به ظواهر دنیا و تجملات آن سرگرم نسازد، توجه خوانندگان عزیز را به طراحی فضاهایی مثل بیمارستان‌ها، بانک‌ها، مراکز فروش، کارخانه‌ها و... جلب می‌کنیم که معمولاً عملکردی است، بدین معنی که مراجعان این اماکن بتوانند به راحتی از خدمات آنها بهره‌مند



۴۲
رشد آموزش پیش‌دبستانی
دوره چهارم، شماره ۱
پاییز ۱۳۹۱

شوند و مثل خط فنی تولید کارخانه‌ها و وظائف و عملیات از پیش طراحی شده به درستی و با دقت و سرعت به اجرا درآید.

آنچه موجب نگارش این یادداشت شد، در حقیقت، توجه به چیزی فراتر از این مباحث (با همه ضرورت‌هایشان) است، که همانا پرورش اخلاق، معنویات، تصحیح و تقویت ارتباطات انسانی و ایجاد عادات مطلوب و ارزش‌ها در کودکان است. زیرا، بدون ایجاد عادت‌های پسندیده در کودکان، بعید است بتوان در بزرگسالی برخی فضیلت‌ها را در آنها نهادینه ساخت. تعالیم دینی نیز گواه بر این نکته‌اند.

ایجاد عادات اولیه در کودکان، از باب تشبیه معقول به محسوس، شاید به عمل نصب قدماتی برنامه‌ها یا سیستم عامل رایانه‌ای در دیسک سخت کامپیوترها برای اجرای برنامه‌های بعدی، قابل تمثیل باشد. بدین معنا که عادات خوب و بد نخست در ناخودآگاه کودک پذیرش و در آینده (به‌ویژه بعد از سن بلوغ که به اهمیت، زیبایی و فلسفه آنها آشنا می‌شود) در وجودشان نهادینه می‌گردد.

مثلاً برای پرورش و آموزش نظم، دقت، صبر و حوصله، رعایت حقوق دیگران، رفع فشار و اضطراب ناشی از برخورد و تجمع حین عبور و مرور و... یکی از کارهای بسیار ساده و پیش‌پا افتاده‌ای که می‌توان در اصلاح ساختار فضایی در مدارس (کودستان‌ها) انجام داد، این است که برای ورود و خروج کودکان از در اصلی، ۲ درب کوچک تعبیه گردد و به کودکان آموخته شود

که برای ورود به آموزشگاه از یک در (سمت راست) و برای خروج از در دیگر استفاده کنند. بدون شک تمرین و ممارست آنها، طی حدود ۲۰۰ روز (یک سال تحصیلی) برخی رفتارها را نهادینه و آثار مثبت آن را ماندگار می‌سازد. و در طراحی دیگر چنانچه فضا و امکانات فنی اجازه دهد که کلاس‌ها، حول فضای مرکزی کتابخانه، نمازخانه و... (فضای چند منظوره فرهنگی) احداث شوند و به آن راه یابند، برکات بسیاری را در پی خواهد داشت.

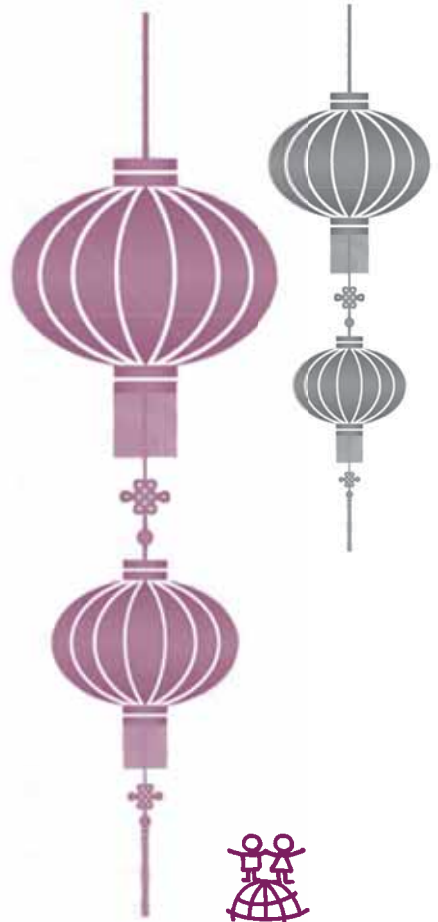
تربیت هندسی!

مرتضی طاهری



برای اندیشیدن

مربیان و خوانندگان عزیز، نظرات خود را پیرامون این طرح با ما در میان بگذارید.



پیش دبستانی
در کشورهای دیگر

چکیده

دولت چین مصرا نه این ایده را که آموزش و پرورش پیش شرط ضروری برای توسعه بشر است، دنبال می کند. ماده ۴۶ قانون اساسی جمهوری خلق چین تصریح می کند که همه شهروندان حق ادامه تحصیل دارند و باید آموزش ببینند. ماده قانون آموزش و پرورش (۱۹۹۵) تصریح می کند که شهروندان از فرصت های برابر آموزش و پرورش بدون توجه به ملیت، نژاد، جنسیت، شغل، موقعیت اجتماعی و باور مذهبی برخوردارند. قانون آموزش اجباری (۱۹۸۶) تصریح می کند که دولت، جامعه، مدارس و خانواده ها تضمین حق آموزش و پرورش را از سن مدرسه کودکان و نوجوانان برعهده دارند.

آموزش پیش دبستانی در جمهوری خلق چین، در کودکان ۳ تا ۶ سالگی صورت می گیرد. در شهرها و شهرستان های آن نیز مهدکودکها بر گروه سنی بین ۴-۶ متمرکز دارند و به شکل های گوناگونی از بچه ها نگهداری می کنند. کودکان آنها معمولاً یک برنامه سه ساله تحصیلی را به صورت تمام وقت یا پاره وقت دنبال و اجرا می کنند؛ در تمام مناطق روستایی، کودکانها خدمات و آموزش خود را معمولاً به شکل شیرخوارگاه و یک ساله عرضه می کنند. در مناطق روستایی، برخی کودکانها به صورت فصلی دایر می شود. مهدکودکها می توانند توسط دولت یا به طور خصوصی اداره شوند؛ در سال ۲۰۰۸، حدود ۱۳۴۰۰۰ کودکانهای چین، یعنی حدود ۶۱ درصد، به صورت خصوصی اداره می شود.

کلیدواژه ها: آموزش و پرورش در چین، آموزش پیش دبستانی، برنامه های درسی پیش دبستانی.

امیمه غلامی
دکتر محمد آرمند



۴۳
رشد آموزش پیش دبستانی
دوره چهارم، شماره ۱
پاییز ۱۳۹۱

آموزش پیش دبستانی در سرزمین اژدها



مقدمه

جمهوری خلق چین با ۹ میلیون و ۶۰۰ هزار کیلومتر مربع وسعت پس از روسیه و کانادا سومین کشور پهناور جهان محسوب می‌شود و با ۱ میلیارد و ۲۵۰ میلیون سکنه پرجمعیت‌ترین کشور جهان است.

به‌طور کلی، آموزش و پرورش در جمهوری خلق چین می‌بایست در خدمت ساخت‌وساز مدرن سوسیالیستی مرکب از تولید و کار، پرورش دهندگان و جانشینان با توسعه اخلاقیات، آگاهی و ساختمان بدنی برای یافتن هدف اجتماعی قرار گیرد. آموزش و پرورش باید در روح وارثان و گسترش سنت‌های تاریخی و فرهنگی ملت چین و یکسان‌سازی تمام دستاوردهای خوبی از پیشرفت تمدن انسانی قرار گیرد.

آموزش پیش دبستانی

آموزش پیش دبستانی همواره یکی از دوره‌های آموزشی کشور چین بوده است.

دوره‌های آموزش پیش دبستانی به دو دوره تقسیم می‌شود:

۱. مهد کودک (شیرخوارگاه) - از ۳ ماهگی تا ۳ سالگی
۲. کودکان ۳ تا ۶ سال

از دیدگاه چینی‌ها آموزش پیش دبستانی از شیرخوارگاه، مهد کودک و کودکانستان شروع می‌شود و همگی تحت عنوان «کودکستان» قرار می‌گیرند. آموزش پیش از دبستان بخشی از آموزش ابتدایی به حساب می‌آید.

در مهد کودکها، کودکان را از شش یا هشت ماهگی تا کمتر از سه سال می‌پذیرند. حدود نیمی از کل کودکان شهری و درصد بسیار کمی از کودکان روستایی در این مراکز نگهداری می‌شوند. مهد کودکها معمولاً در مجاورت کارخانه‌ها، مزارع یا ادارات دولتی دایرند تا مادران شاغل در ساعات کار فرزندان خود را به آنها بسپارند. به‌طور معمول در طول روز به مدت هشت ساعت از کودکان پرستاری می‌شود، البته بعضی از این مراکز به صورت تمام‌وقت از بچه‌ها مراقبت می‌کنند.



۴۴

رشد آموزش پیش دبستانی
دوره چهارم، شماره ۱
پاییز ۱۳۹۱

این مهد کودکها را افراد سالمند یا بازنشسته اداره

می‌کنند

آموزش و پرورش کودکان در چین، به‌طور عمده به معنای آموزش در کودکانستان و آمادگی است. وزارت آموزش و پرورش چین با توجه به توانایی فیزیکی و روحی کودکان سنین مختلف برنامه کلی آموزش و پرورش کودکان را تنظیم کرده است. هدف خانواده‌ها از ثبت نام کودکان در این کودکانستان‌ها بهره‌گیری از برنامه‌های آموزشی مناسب، پرورش توانایی و تقویت مهارت‌های ذهنی آنها به‌طور طبیعی است. کودکانستان نیز مانند مهد کودک در جوار اداره‌ها، کارخانه‌ها و مزارع دایر است و کودکانی که سه تا شش سال دارند، می‌توانند وارد کودکانستان شوند.

در نواحی شهری، آموزش پیش دبستانی عمدتاً در کودکانستان صورت می‌گیرد و یک، دو یا سه سال به طول می‌انجامد. گفتنی است که مراکز فوق به‌صورت تمام‌وقت، پاره‌وقت یا پانسیون فعالیت می‌کنند. در نواحی روستایی، آموزش پیش دبستانی عمدتاً به‌صورت کلاس‌های نگهداری اطفال و کودکانستان‌های فصلی است. در مناطق باستانی، قومی، دورافتاده و فقیرنشین کشور چین، علاوه بر آموزش پیش دبستانی طبیعی و معمول، آموزش غیرمعمولی نیز با اشکال مختلف از قبیل مراکز فعالیت کودکان، مراکز تفریحی و «کاروان‌های» آموزشی به‌صورت متحرک فعالیت دارند. در این دوره، کودکان ۳ تا ۶ سال به کودکانستان نزدیک خانه خود رفته و در آنجا به تعلیم موضوعات اصلی و زبان بومی خود مبادرت می‌کنند. آنها بازی می‌کنند، می‌رقصند و آواز می‌خوانند. در این دوره به کودکان ارزش حقیقت، مهربانی و زیبایی آموخته می‌شود. در کشور چین آموزش کودکان جدی گرفته می‌شود؛ زیرا شخصیت هر فرد طی سال‌های اولیه زندگی شکل می‌گیرد. طی سال‌های اخیر، سیاست آموزشی پیش دبستانی با توسعه چشم‌گیری روبه‌رو بوده است. به نحوی که مطابق آمار به‌دست آمده طی سال ۱۹۹۸، کشور چین بیش از ۱۸۰

از جمله مهم‌ترین مزایای کودکانستان‌ها و مراکز پیش دبستانی کشور چین می‌توان به ترکیب امور مراقبتی و آموزشی کودکان در جهت رشد بدنی، اخلاقی، فکری و زیبایی‌شناسی کودکان در اجزاء موزون و آمادگی آنان به منظور بهره‌برداری از آموزش مدرسه‌ای ضابطه‌مند اشاره کرد





آغاز می‌شود. هر کلاس درسی ۳۰ دقیقه و شامل ۱۲ ساعت کلاسی هفتگی است.

اولویت‌های آموزشی

- از جمله مهم‌ترین اولویت‌های آموزشی دوره پیش دبستانی در کشور چین می‌توان به موارد اشاره کرد:
- ✓ توسعه سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه آموزش پیش دبستانی؛
- ✓ تأمین سلامت و بهداشت کودکان؛
- ✓ اجباری‌سازی درس انگلیسی در دوره‌های آموزش پیش دبستانی.

۱. توسعه سرمایه‌گذاری‌های خارجی در حوزه آموزش پیش دبستانی

بخش آموزش پیش دبستانی (ویژه کودکان ۶-۱ سال) با آینده‌درخشانی روبه‌روست. طبق آمار به‌دست آمده تاکنون بیش از ۲۰ مؤسسه زنجیره‌ای پیش دبستانی در پکن تأسیس شده است که هر یک مراکز متعددی در سطح شهر دارند. مراکز از قبیل مرکز مراقبتی کودکان شرق، مرکز مراقبتی کودکان Body Care و وابسته به ایالات متحده و مرکز مراقبتی Fun Dazzle هر یک از روش مدیریتی آموزشی خاص خود استفاده می‌کنند. مرکز مراقبتی کودکان شرق که در سال ۱۹۹۸ تنها مرکز تخصصی خصوصی در زمینه آموزش کودکان در پکن دایر شد، هم‌اکنون دارای پنج شعبه در سطح شهر پکن است که چهار مرکز آن به نگهداری و آموزش کودکان رده‌های ۶-۱ سال و یک مرکز به آموزش زنان باردار اختصاص دارد. لازم به ذکر است که تاکنون مبلغی بالغ بر ۱۰ میلیون یوان (معادل ۱/۲ میلیون دلار) برای راه‌اندازی و فعالیت این مراکز سرمایه‌گذاری شده است. در این مرکز، از حضور والدین به منظور اجرای برنامه‌های آموزشی در مقام معلم استفاده می‌شود که در کشورهای غربی مورد استفاده بوده است و به تدریج به روشی چینی تغییر یافته است.

طبق آمار به‌دست آمده طی سال ۱۹۹۹، سی مرکز مراقبتی کودکان در ۲۶ شهر مختلف چین دایر شده است. مؤسسه چند ملیتی که مرکز آن در کشور آمریکا قرار دارد، از سال ۱۹۹۸ فعالیتش را به‌صورت رایگان و با برگزاری دوره‌های آموزش تغذیه و بهداشت کودک در پکن آغاز کرده است. در سال ۱۹۹۹، مؤسسه فوق به منظور توسعه فعالیت‌های مراقبتی کودکان به تأسیس نخستین مرکز مشاوره در خصوص تغذیه و بهداشت کودکان مبادرت کرد. همچنین دو مرکز را نیز برای آموزش والدین در زمینه تغذیه، هوش و روانشناسی کودک در پکن تأسیس کرده است. گفتنی است که تمامی معلمان

هزار کودکستان با ۲۴ میلیون دانش‌آموز برخوردار است که به دو نوع دولتی و خصوصی تقسیم می‌شود: کودکستان‌های دولتی در سال‌های متمادی دایر می‌شود و دارای تجربیات و الگوی آموزشی مناسب و هزینه کم هستند، در حالی که کودکستان‌های غیردولتی هزینه زیادی می‌گیرند و با توجه به نیازهای روز به‌موقع موضوع و روش‌های آموزشی خود را تعدیل و تنظیم می‌کنند؛ با رشد اقتصادی شمار کودکستان‌های خصوصی بیشتر شده است و اکنون تقریباً سی درصد تعداد کل کودکستان‌های چین را شامل می‌شود.

طبق این آمار نرخ افرادی که در دوره یکساله آموزش پیش دبستانی شرکت دارند، بالغ بر هفتاد درصد می‌شود. طی سال‌های اخیر برنامه‌های آموزش پیش دبستانی در شهرهای بزرگ و متوسط کشور گسترش یافته است. این در حالی است که برنامه‌های آموزش پیش دبستانی در نواحی روستایی، دورافتاده و فقیرنشین نیز از رشد چشمگیری برخوردار بوده است. به نحوی که طی سال ۱۹۹۸، از میان یازده استان جنوب‌غربی و شمال‌غربی کشور بالغ بر ۳۹/۹ درصد از کودکان نواحی فقیرنشین از برنامه‌های آموزش پیش دبستانی سه ساله دولتی و ۶۶/۷ درصد نیز از برنامه‌های یکساله آموزش پیش دبستانی بهره‌مند شدند. از جمله مهم‌ترین مزایای کودکستان‌ها و مراکز پیش دبستانی کشور چین می‌توان به ترکیب امور مراقبتی و آموزشی کودکان در جهت رشد بدنی، اخلاقی، فکری و زیبایی‌شناسی کودکان در اجزای موزون و آمادگی آنان به منظور بهره‌برداری از آموزش مدرسه‌ای ضابطه‌مند اشاره کرد. فعالیت‌های آموزشی مراکز پیش دبستانی در ساختاری هدفمند و چندجانبه از آموزش هدایت‌کننده به سوی تقویت، توانمندسازی و رشد ذهنی کودکان سازمان یافته است. پرداختن به فعالیت‌های تفریحی کودکان بخش اصلی فعالیت‌های مراکز پیش دبستانی است. در ضمن فراهم‌سازی محیطی مناسب به منظور ایجاد موقعیت و فرصت‌های مواجهه واقعی کودکان با مسائل و مشکلات زندگی و تقویت درک معانی از اهم اهداف این‌گونه مراکز محسوب می‌شود. برای ارتقا کیفیت مدیریت مراکز پیش دبستانی، دولت به اتخاذ مجموعه قواعدی دسته‌بندی شده مشتمل بر «نظام مدیریتی و نظام کاری کودکستان‌ها» بر پایه اصول علمی مدیریتی مبادرت کرده است. دولت چین همچنین نظام‌ها و قوانینی را در جهت ارزیابی کیفیت کاری معلمان و برآورد توانایی‌های آنان طراحی کرده است.

- هدف دوره آموزش پیش دبستانی ایجاد آمادگی کودکان برای ورود به مراکز آموزش ابتدایی است.
- دوره آموزش یک سال طول می‌کشد و از ۵ سالگی



این مراکز از زنان دانش آموخته‌ای در حوزه بهداشت

و آموزش کودکان هستند. این مؤسسه همچنین مرکز دیگری را در شهر دالیان دایر کرده است. طبق آمار به‌دست آمده، از سال ۱۹۹۹ تاکنون مبلغی بالغ بر سیزده میلیون دلار با مشارکت بانک امریکایی DDB و شرکت Body Care در این زمینه سرمایه‌گذاری شده است. در سال ۱۹۹۴، مؤسسه آموزش کودکان Fun Dazzle با هدف آموزش کودکان از طریق سرگرمی و تفریح در چین آغاز به فعالیت کرد. این مؤسسه در عرضه خدمات مختلفی از قبیل سرگرمی، آموزش و تغذیه به کودکان فعالیت دارد.

استفاده از سرگرمی‌های آموزنده برای کودکان به منظور تقویت نیروی آموزشی آنان بخش اعظمی از روش تدریس این مؤسسه را تشکیل می‌دهد. در مرحله نخست، این مؤسسه دوازده میلیون یوان (معادل ۱/۴۵ میلیون دلار) برای تأسیس یک مرکز در شهر پکن و مرکزی دیگر در شانگهای سرمایه‌گذاری کرده است و امیدوار است بتواند هشتاد مرکز در شهرهای مختلف چین دایر کند. این در حالی است که در حال حاضر تمامی این مؤسسات به دلیل بالا بودن هزینه‌های مختلف و پایین بودن درآمد والدین درآمد ناچیزی دارند و امیدوارند با افزایش نرخ درآمد مردم و افزایش آگاهی آنان نسبت به اهمیت آموزش پیش دبستانی در آینده از بازار کار خوبی برخوردار شوند. در حال حاضر در کشور چین، بیست میلیون خانواده کودکان ۱ تا ۳ ساله دارند که تا سال ۲۰۰۵ هفت درصد به این رقم افزوده خواهد شد. بنا به اعتقاد کارشناسان، در کشوری که هر خانواده از حق داشتن یک فرزند برخوردار است، سی درصد هزینه‌های خانواده به کودک خانواده متعلق است که این رقم خود به جذب سرمایه‌های فراوانی در بخش آموزش پیش دبستانی منتهی می‌شود. به‌واسطه توسعه مراکز فوق طی سال‌های اخیر، دولت چین با اتخاذ تدابیری برای سازماندهی این مراکز قدم برداشته است.

به‌رغم قوانین و مقررات وضع شده از سوی شهرداری پکن، مقررات سرمایه‌گذاری در این خصوص همچنان با مشکلات زیادی مواجه است که باید مدنظر قرار گیرد زیرا اغلب روش‌های آموزشی به کار گرفته شده در این مراکز از کشورهای غربی اتخاذ شده و تغییر آن براساس فرهنگ چینی چالش بزرگی برای این مراکز فراهم آورده است.

۲. تأمین سلامت و بهداشت کودکان

از سال ۲۰۰۲، آموزش چگونگی تأمین سلامت کودکان در تمامی مهدهای کودک و مدارس پیش دبستانی شهر

شانگهای در برنامه درسی ویژه‌ای گنجانده شده است.

گفتنی است که در صورت موفقیت آمیز بودن، برنامه فوق در دیگر مراکز آموزشی کودکان کشور نیز اجرا خواهد شد. لازم به ذکر است که طرح مذکور نخستین بار در کشور چین با همکاری سازمان جهانی KidsSafe اجرا شد. طبق آمار به‌دست آمده، ۲۶/۱ درصد مرگ‌ومیر کودکان در چین بر اثر جراحات وارده از طریق سوانح مختلف بوده است که جان کودکان را تهدید می‌کند. براساس آمار، در شهر شانگهای ۳/۴۵ نفر از هر ۱۰۰ هزار کودک در پی غرق شدن و ۱/۹۳ نفر بر اثر تصادف رانندگی جان خود را از دست می‌دهند. طبق این آمار، ۵۲ درصد از جراحات‌ها هنگامی رخ می‌دهد که کودکان همراه خانواده خود هستند. این آمار و ارقام سبب جلب توجه والدین به تضمین سلامت و امنیت کودکان شده است و برنامه آموزشی فوق نیز در همین جهت اجرا می‌شوند.

۳. اجباری کردن درس انگلیسی در دوره‌های آموزش

پیش دبستانی

با توجه به روند رو به افزایش علاقه والدین به آماده‌سازی فرزندان خود برای آینده، درس انگلیسی در مهدهای کودک شهرهای بزرگ چین، به‌ویژه شهر پکن، به صورت اجباری درآمده و در بسیاری از مهدهای کودک، از معلمان انگلیسی و کانادایی برای تدریس دروس انگلیسی استفاده می‌شود. بنابر آمار به‌دست آمده، بیش از سه هزار مؤسسه آموزش زبان خارجی در کشور چین فعالیت دارند که درآمد آنها بالغ بر ۱۰ میلیارد یوان (معادل ۱/۲ میلیارد دلار امریکا) است.

معضلات آموزشی

از مهمترین مشکلات پیش‌روی آموزش دوره پیش دبستانی می‌توان به افت کارایی نظام آموزشی پیش دبستانی اشاره کرد. در قانون آموزش و پرورش چین، به‌طور واضح آمده است که آموزش و پرورش کودکان پیش دبستانی نخستین مرحله آموزش و پرورش و بخش مهمی از برنامه‌های آموزشی دولت است. این نوع آموزش در «برنامه اجرایی ارتقاء آموزش و پرورش چین طی قرن ۲۱» پیش‌بینی شده است و در آن آمده است که آموزش و پرورش کیفی و توانمند باید از دوره آموزش پیش دبستانی آغاز شود. این در حالیست که از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱ تعداد مراکز آموزش پیش دبستانی و شمار کودکان تحت تعلیم این مراکز با سیر نزولی مواجه بوده است. تعداد مراکز آموزش پیش دبستانی سراسر چین از ۱۸۰ هزار باب به ۱۱۰ هزار باب و شمار کودکان حاضر در این مراکز نیز از

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)

رشد نوآموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

♦ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی) ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه) ♦ رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

۲۷/۱۱۲ میلیون نفر به ۲۰/۲۱۸ میلیون نفر و نسبت کودکان ۳ تا ۶ سال از ۴۱ درصد به ۳۴ درصد کاهش یافته است. علت اصلی این مسئله آن است که آموزش و پرورش پیش‌دبستانی مورد توجه برخی از دولت‌های محلی نیست و بر این عقیده‌اند که آموزش و پرورش پیش‌دبستانی بخشی از آموزش اجباری محسوب نمی‌شود. در زمان اجرای کوچک‌سازی ساختار اداری دولت، برخی از سازمان‌های اداری مرتبط با آموزش پیش‌دبستانی حذف و آموزش کودکان دبستانی تحت نظارت دولت قرار نگرفته است. برخی از دولت‌های محلی نیز دوره آموزش پیش‌دبستانی را وارد عرصه بازار خصوصی کرده و به قطع بودجه مدارس پیش‌دبستانی مبادرت کردند.

بدین ترتیب حقوق معلمان مدارس پیش‌دبستانی و هزینه‌های آنان تأمین نشده است بلکه آنان برای تأمین بودجه مورد نیاز خود به کارهای دیگر روی آورده‌اند. به علت کمبود بودجه، حتی تعدادی از مدارس پیش‌دبستانی به بخش خصوصی فروخته یا کاربردهای دیگری پیدا کرده‌اند. با توجه به وضعیت پیش‌آمده و برای جلوگیری از بروز لطمات بیشتر به بخش آموزش پیش‌دبستانی، ادارات مربوطه دولتی در حال تدوین مقرراتی به‌منظور «اصلاح ساختار و توسعه آموزش پیش‌دبستانی» هستند.

پی‌نوشت

1. Iranculture, org: 2012

منابع

- آقازاده، احمد؛ آموزش و پرورش تطبیقی و بین‌المللی. تهران، نسل نیکان، ۱۳۸۲.
- آقازاده، احمد؛ آموزش و پرورش در کشورهای پیشرفته صنعتی. تهران، روان، ۱۳۸۳.
- بری، مارک؛ آموزش و پرورش تطبیقی (سنت، تجدد و چالش‌های نوین). ترجمه عباس معدن‌دار، تهران، نشر جنگل، ۱۳۸۴.
- توما، ژان؛ مسائل جهانی آموزش و پرورش. ترجمه احمد آقازاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۸.
- ونیتا کول. برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش‌دبستانی، ترجمه فرخنده مفیدی، سمت، ۱۳۸۹.

6. www.World Data on Education

7. www.Iranculture.org

8. www.Education in China (kpmg.com/cn)

9. www.Basic Education in China

10. www.UNESCO Institute for statistics

11. www.ISCED

12. www.International Bureau of Education in China

13. www.UNdata (A world of information)

14. www.Childinfo.org, May 2008 in china

15. www.Oecd

16. www.Nation master.com

معرفی کتاب

دکتر مرجان گودرزی

عنوان: آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون‌پذیری به کودکان (راهنمای عملی)

تألیف: دکتر مسعود جان‌بزرگی، ناهید نوری و مژگان آگاه‌هریس

ناشر: ارجمند، ۱۳۸۹



این کتاب در سه بخش کلی و نه فصل تنظیم شده است و پیوست منابع فارسی و انگلیسی نیز دارد. بخش اول، که فصل اول و دوم را دربرمی‌گیرد، مشتمل بر مباحث آموزش اخلاق به کودکان و فرزندپروری است.

از آن‌جا که اخلاق از پیچیده‌ترین مؤلفه‌های رفتاری انسان است، والدین، مربیان و اولیای جامعه آرزو دارند که افرادی بااخلاق تربیت کنند و به نظر می‌رسد وجود اخلاق، احساس امنیت و اعتمادبه‌نفس را ارتقاء می‌دهد. به همین جهت تدارک الگویی عملی برای آموزش اخلاق در این بخش محور قرار گرفته است.

در بخش دوم، که از فصل سوم تا هفتم کتاب را شامل شده است، در خصوص روش‌های عملی آموزش اخلاق هم‌چون، آموزش خودمهارگری، همدلی، قانون، صلح و حرمت به خود یا اعتمادبه‌نفس به کودکان بحث می‌شود. در این‌جا نیز علاوه بر دادن تعریف برای هر یک از مقوله‌های فوق، به آموزش مربیان و آماده‌سازی آن‌ها در هر مورد و ارائه نمونه‌های رفتار درست و نادرست را پرداخته شده است.

بخش سوم، که فصول هشتم و نهم کتاب را دربرمی‌گیرد، به بررسی بازی‌درمانگری گروهی برای تقویت رفتار اجتماعی در کودکان می‌پردازد. همچنین این بخش برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی و برنامه واحدهای مهارتی را برای معلمان و مربیان تشریح کرده است. کار با گروه‌های کودک و والدین محور اساسی موردنظر نویسندگان در این قسمت است که به‌صورت فعالیت‌های هفتگی مطرح شده است.

یکی از قسمت‌های کیفی کتاب نیز پیوست‌های کتاب است که در قالب جداول و جلسات آموزشی آمده است. پیوست‌های ۱ الی ۱۸ به مطالبی همچون آموزش قانون و احترام به آن، ارزش‌یابی همدلی، ارزش‌یابی اهداف، خودمهارگری، آزمون اضطراب کودکان، مهارت‌های اجتماعی، حل اختلاف یا تعارض (صلح)، برنامه آموزش عملی مهارت‌های فرزندپروری به مربیان در کلاس‌های آموزش خانواده و سرانجام چک‌لیست‌های ویژگی‌های کودکان پرداخته است. ضمناً بسیاری از فرم‌ها هم برای کودک و هم برای والدین و مربی تنظیم شده است.

مطالعه این کتاب را به مربیان، معلمان، دانشجویان، محققان و علاقه‌مندان به کار با کودک در زمینه آموزش‌های اخلاقی و قانون‌پذیری به کودکان توصیه می‌کنیم.



تولیدملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگهدارید).

◆ نام مجلات درخواستی:

.....

◆ نام و نام خانوادگی:

.....

◆ تاریخ تولد:

◆ میزان تحصیلات:

.....

◆ تلفن:

.....

◆ نشانی کامل پستی:

.....

استان: شهرستان: خیابان:

شماره فیش: مبلغ پرداختی:

.....

پلاک: شماره پستی:

.....

◆ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

- ◆ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- ◆ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir
- ◆ اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

- ◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۱۲۰۰۰۰ ریال
- ◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۸۰۰۰۰ ریال

مسابقه پاسخ‌گویی ویژه مربیان و والدین گرامی

به بهترین پاسخ در رفع مشکلات رفتاری
کودکان جوایزی تعلق می‌گیرد

در زیر یک نمونه از صحنه‌هایی آمده است که در مراکز سال‌های اولیه، پیش دبستانی و مهدهای کودک رخ می‌دهد. این کشمکش و درگیری‌ها به رغم کیفیت و فراوانی وسایل بازی، روش تربیتی بزرگترها یا خوبی و مناسب بودن برنامه‌ها، به دلایل مختلف و به نوعی رخ می‌دهند. کمک کردن به کودکان برای مقابله با عصبانیت و ناراحتی، ترس، ناامیدی و ناکامی‌ها، خواسته‌ها و رغبت‌ها، به هدایت و راهنمایی و برخورد مناسب با بزرگترها به منظور رفع مشکلات آنان نیازمند است. از این رو از مهم‌ترین دغدغه‌های شغلی مربیان و تکالیف والدین محسوب می‌شود.

- وقتی مربی کنار میز کودکان می‌رود و می‌گوید: «حالا وقت تمیزکاری و نظافت و جمع‌آوری وسایل است»، یکی از کودکان شش ساله پاسخ می‌دهد: «تمیزکاری و نظافت مخصوص دخترهاست و من مجبور نیستم که این کار را انجام دهم. و وسایل کار هنری را به گوشه‌ای پرت می‌کند و به سرعت از مربی دور می‌شود. رفتار مناسب با کودک چیست؟

به سه نفر از والدین و
مربیان که بهترین پاسخ
را با توجه به قضاوت
داوران تربیتی بدهند،
جوایزی از جمله
جوایز نقدی و...
تعلق می‌گیرد.
پاسخ‌ها را به دفتر
فصل نامه، ایمیل یا
پست کنید.





السلام عليك يا رسول الله